

تصویر ابو عبد الرحمن الکروری

تاریخ جنگ جهانی دوم

نویسنده: سایمون آدامز

مترجم: دکتر پرویز دلیرپور



تاریخ جنگ جهانی دوم



نویسنده: سایمون آدامز

ترجمه: دکتر پرویز دلیرپور

سبزان

سرشناسه	: آدامز، سایمون، ۱۹۵۵ - Adams, Simon م.
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخچه جنگ جهانی دوم/نویسنده سایمون آدامز؛ ترجمه پرویز دلیرپور.
مشخصات نشر	: تهران: سبزان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۰۵۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	: قیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Eyewitness World War II ed. .. ۲۰۰۷.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: نمایه
موضوع	: جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ م. — ادبیات نوجوانان
شناسه افزوده	: دلیرپور، پرویز، ۱۳۵۰ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ت ۱۴/۷۴۳ DV
رده بندی دیویی	: ۹۴۰/۵۳ [ج]
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۱۹۰۶۰



انتشارات سبزان
انتشارات آمه
میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۴۴

تاریخچه جنگ جهانی دوم

نویسنده: سایمون آدامز

مترجم: دکتر پرویز دلیرپور

ناشر: سبزان - آمه

حروف چینی و طراحی و لیتوگرافی: دفتر فنی سبزان

۸۸۳۱۹۵۵۷ - ۸۸۳۴۸۹۹۱

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت‌های کتاب www.iiketab.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۰۵۲-۲ ISBN:978 - 600 - 117 - 052 - 2

فهرست

<p>۳۷ ایتالیای موسولینی</p> <p>۳۸ ژنرال توجو</p> <p>۳۹ سرزمین دشمن</p> <p>۴۴ اسیران جنگی</p> <p>۴۴ علامتگذاری اسیران</p> <p>۴۷ زندگی در کنار دشمن</p> <p>۴۸ رمز گشایان</p> <p>۴۸ کامپیوترهای اولیه</p> <p>۴۹ صفر انیگما</p> <p>۵۰ رمز محملی</p> <p>۵۲ ورود امریکا به جنگ</p> <p>۵۲ مسلسل برونینگ</p> <p>۵۶ زنان در عرصه کار و فعالیت اجتماعی</p> <p>۶۰ کودکان زمان جنگ</p> <p>۶۳ نازی های جوان</p> <p>۶۴ نبرد اقیانوس آرام</p> <p>۶۴ پرچم متبرک شده ژاپن</p> <p>۶۸ ژاپن در جنگ</p> <p>۶۸ جنگجویان وفادار</p> <p>۷۲ نبرد آتلانتیک</p> <p>۷۶ به سوی استالینگراد</p> <p>۸۰ در درون اتحاد شوروی</p> <p>۸۴ نبرد در صحرا</p> <p>۸۴ عملیات روباه صحرا</p> <p>۸۵ نبرد العلمین</p> <p>۸۸ تبلیغات و روحیه</p>	<p>۵ مقدمه</p> <p>۶ جهان تقسیم شده</p> <p>۶ گسترش فاشیسم</p> <p>۷ قدرت کارگران</p> <p>۸ ژاپن امپریالیست</p> <p>۹ پیش به سوی جنگ</p> <p>۱۰ پیمان ورسای</p> <p>۱۱ حمله ژاپن به چین</p> <p>۱۲ تجاوز به لهستان و آغاز جنگ جهانی دوم</p> <p>۱۲ آماده شدن برای بدترین رویداد</p> <p>۱۶ حمله برق آسا</p> <p>۱۶ پیمان عدم تجاوز آلمان و شوروی</p> <p>۱۸ تسخیر فرانسه</p> <p>۱۹ اشغال</p> <p>۱۹ هیتلر در پاریس</p> <p>۲۱ عملیات دینامو</p> <p>۲۲ مقاومت</p> <p>۲۲ نیروهای فرانسه آزاد</p> <p>۲۵ پارتیزان های تیتو</p> <p>۲۶ در ارتش آلمان</p> <p>۳۰ نبرد بریتانیا</p> <p>۳۰ نیروی هوایی بین المللی</p> <p>۳۳ بمباران ها</p> <p>۳۵ بمباران درسدن</p> <p>۳۶ جنگ تمام عیار</p> <p>۳۷ سه رهبر بزرگ</p>
---	---

- ۸۱..... هیتلر به عنوان رهبر
- ۹۲..... تسل کشی
- ۹۴..... اردوگاه های مرگ
- ۹۵..... شرایط اردوگاه
- ۹۶..... حمله روز دی
- ۹۹..... بمب هسته ای
- ۹۹..... انولانگی
- ۱۰۰..... بمباران ناکازاکی
- ۱۰۱..... هراس بر فراز هیروشیما
- ۱۰۲..... آزادسازی
- ۱۰۲..... آزادی از فاشیسم
- ۱۰۴..... سقوط برلین
- ۱۰۴..... آزادی فرانسه
- ۱۰۵..... پیروزی
- ۱۰۵..... روز پیروزی در شهر نیویورک
- ۱۰۶..... تسلیم ژاپنی ها
- ۱۰۷..... پیامدها
- ۱۰۷..... سازمان ملل
- ۱۰۹..... امریکای ثروتمند
- ۱۰۹..... دادگاه های جنایت جنگی
- ۱۱۰..... آیا می دانید؟
- ۱۱۳..... پرسش و پاسخ
- ۱۱۷..... بیشتر بنام
- ۱۲۵..... واژه نامه
- ۱۱۵..... تمایه

به نام خداوند جان و خرد

دانایی، توانایی است

یادگیری علم و مطالعه تاریخ گذشتگان، در واقع استفاده از تجربیات همه کسانی است که پیش از ما زندگی کرده و رنج و زحمتی را برای کسب تجربه، متحمل شده‌اند. ما با مطالعه صحیح تاریخ و با استفاده درست از علم در واقع با بهره‌گیری از تجربیات گذشتگان توانایی‌های خودمان را افزایش داده و دنیایی زیبا، آرام و دلنشین را برای خود و دیگران مهیا خواهیم ساخت.

انتشارات سبزان با آماده‌سازی و گردآوری مجموعه‌های متنوع در شاخه‌های گوناگون علم و تاریخ تمدن ملل مختلف، سعی دارد از این طریق گامی هرچند کوچک، در جهت افزایش دانستنی‌ها و دانش نسل جوان بردارد و در حد وسع و توانایی خود بر معلومات آنها بیفزاید. جا دارد از کوشش نویسندگان و مترجمان گرانقدر که در آماده‌سازی این مجموعه ما را یاری کرده‌اند تشکر نموده و دست‌یاری به سوی همه کسانی دراز کنیم که می‌توانند در رشد و اعتلای این مجموعه به کمک ما بشتابند. بدون شک با گسترش حیطه همکاریان خود، سریع‌تر و بهتر به سر منزل مقصود خواهیم رسید.

لازم به ذکر است که نویسنده، مطالبی در مورد نسل‌کشی و کوره‌های آدم‌سوزی نوشته که در مورد واقعی بودن آنها نظرات مختلف و متضادی وجود دارد.

جهان تقسیم شده

طی نخستین دهه‌های سده بیستم، دنیا به سه اردوگاه سیاسی اصلی تقسیم شده بود که هر کدام مبتنی بر ایدئولوژی خاص خود بودند. اردوگاه نخست، کشورهای دارای نظام سرمایه داری با حکومت‌های انتخابی و شامل ایالات متحده آمریکا و در اورپا بریتانیا، فرانسه و کشورهای با قدرت کمتر مانند هلند، بلژیک، سوئد، چکسلواکی می‌شد. اردوگاه دوم، ایتالیا و اسپانیای فاشیست، آلمان نازی، ژاپن ملی‌گرا و اردوگاه سوم دولت‌های تک‌حزبی اروپای شرقی از آن جمله اتحاد جماهیر شوروی را در بر می‌گرفت، که نخستین کشور کمونیستی دنیا محسوب می‌شد و ظاهراً قرار بود در آن کارگران کنترل دولت را به دست داشته باشند، اما در واقع، رهبری خودکامه؛ یعنی ژوزف استالین (۱۹۵۳-۱۸۷۹) اداره کشور را به دست گرفت. علت اصلی ستیز و اختلاف بین این اردوگاه‌ها، ریشه در ادعاهای ارضی و منافع اقتصادی آنها داشت که سرانجام در سال ۱۹۳۹ به جنگی جهانی منجر شد.

نماد شوروی

داس و چکش، نماد اتحاد شوروی بود و روی پرچم ملی آن به چشم می‌خورد. چکش نماد کارگران صنعتی و داس نماد روستائیان (کارگران کشاورزی) محسوب می‌شد.



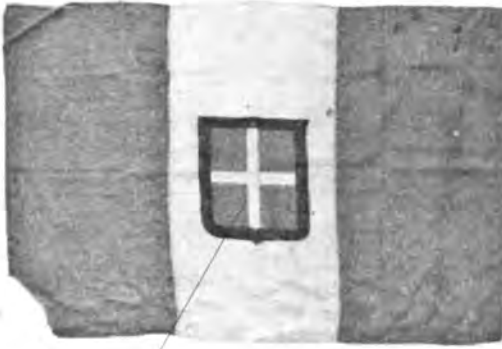
رژه جوانان فاشیست ایتالیایی

گسترش فاشیسم

در سال ۱۹۲۲ بنیتو موسولینی (۱۹۴۵-۱۸۸۳) در ایتالیا به قدرت رسید و کشور را به کشوری فاشیست مبدل ساخت. در دهه ۱۹۳۰، حکومت‌های فاشیستی در اسپانیا، پرتغال، اتریش، رومانی و آلمان به قدرت رسیدند. در آلمان حزب نازی ایده‌های فاشیستی را تا افراطی‌ترین حد خود به پیش برد.

فاشیسم ایتالیایی

ملی‌گرایان ایتالیایی، «فاشس» به معنی دسته‌ای از ترکه‌های به هم بسته شده که نماد قدرت روم باستان بود، را برای خود برگزیدند، اما در سراسر دوران فرمانروایی موسولینی، ایتالیا کشوری دارای نظام پادشاهی تحت حکومت ویکتور ایمانوئل سوم بود و روی پرچم رسمی آن نیز همان گونه که در تصویر می‌بینید نشان سلطنتی به چشم می‌خورد.



نشان شاهنشاهی لبه آبی

پولادین ضد زنگ، مجسمه انسان‌های جوان، قوی و جذاب هستند.

تندیس کارگر و روستایی وراموخینا در نمایشگاه جهانی پاریس سال ۱۹۳۷ برای غرفه شوروی ساخته شد.

قدرت کارگران

در سال ۱۹۱۷ کمونیست‌ها در روسیه به قدرت رسیدند و اتحاد شوروی را تشکیل دادند. آنها تمامی زوایای حیات اجتماعی و اقتصادی این کشور را در اختیار گرفتند. برخی کشورها به اتحاد شوروی یا به رهبر آن، استالین، اعتماد نداشتند و حاضر به پشتیبانی از عقاید او نشدند.



پس از ۱۵ سال نومیدی، مردمی بزرگ برپای خود ایستاده‌اند.

آدولف هیتلر، ۱۹۳۳



یونیفرم ارتش امپریالیستی
ژاپن دهه ۱۹۳۰

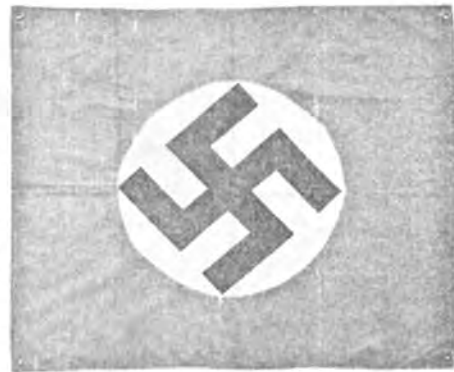


ژاپن امپریالیست

طی جنگ جهانی اول، ژاپن در کنار بریتانیا، فرانسه و آمریکا جنگ می‌کرد، ولی هنگام بسته شدن پیمان صلح، به دلیل دست نیافتن به سرزمین‌های مورد نظرش احساس شکست نمود. در دهه ۱۹۲۰ دولت ژاپن تحت سیطره‌ی رو به گسترش ملی‌گرایان افراطی قرار گرفت که با ارتش متحد بودند و قصد داشتند از ژاپن، قدرت امپریالیستی نیرومندی در آسیا بسازند.

نمادسازی از ملت نازی

صلیب شکسته نماد مذهبی باستانی بود که به ویژه در یونان و هندوستان رواج داشت. در هند، گاه در معبدهای هندو مورد استفاده قرار می‌گرفت. آدولف هیتلر (۱۸۸۹-۱۹۴۵) صلیب شکسته را نماد حزب نازی قرار داد. علامت صلیب شکسته سیاه، داخل پس زمینه سیاه و قرمز در سال ۱۹۳۵ تبدیل به پرچم ملی آلمان شد.



دفتر عضویت حزب نازی



حزب نازی

حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان یا حزب نازی در سال ۱۹۲۰ بنیانگذاری و توسط هیتلر رهبری شد. نازی‌ها عقیده داشتند که نژاد آریایی شاخه آلمانی، نژاد برتر است و آلمان باید به جایگاه قدرتمند سابق خود بازگردد.

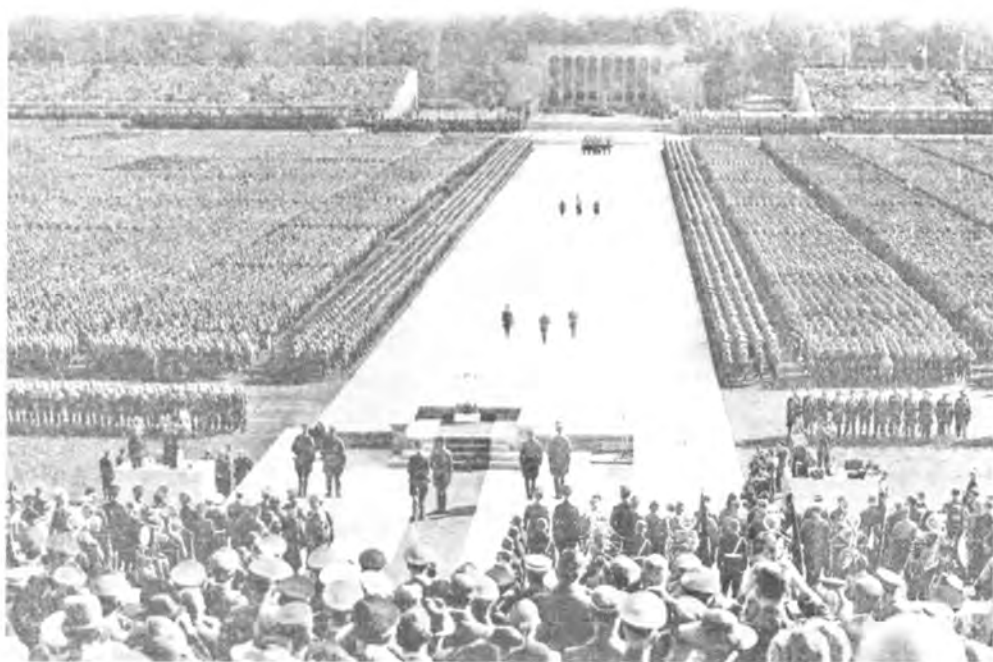


جعبه یادبود برای کتاب نبرد من

پیشنهادات هیتلر

در سال ۱۹۲۴، زمانی که هیتلر، به دلیل توطئه برای غصب قدرت در آلمان در زندان به سر می‌برد کتاب نبرد من را نوشت. در این کتاب به ضرورت وجود رهبری قوی، ارتش نیرومند، خودکفایی

اقتصادی، سرکوب کمونیسم و نژادهای غیر آریایی و اقلیت یهودیان در آلمان تأکید شده بود. اگرچه این کتاب در آن زمان چندان توجهی به خود جلب نکرد، ولی آشکارا بیانگر اهداف هیتلر در صورت رسیدن به قدرت بود.



نازی‌ها در همایش نورمبرگ در سال ۱۹۳۵

همایش‌های نازی

نازی‌ها به طور منظم همایش‌های گسترده‌نمایی در فضاهای باز برگزار می‌کردند و اعضای حزب با حمل پرچم به سخنان هیتلر و دیگر رهبران نازی گوش فرا می‌دادند. وقتی حزب نازی در آلمان در سال ۱۹۳۳ به قدرت رسید، آنها هر سال در نورمبرگ، جنوب آلمان، همایش‌های باشکوهی به راه می‌انداختند. این گونه وقایع نشانگر توان و قاطعیت نازی‌ها و قدرت عظیمی بود که هیتلر بر حزب خود اعمال می‌کرد.

پیش به سوی جنگ

در سال ۱۹۳۳، در آلمان حزب نازی آدولف هیتلر به قدرت رسید و شروع به بازسازی قدرت نظامی آلمان کرد. در پایان جنگ جهانی اول، راینلند، ناحیه صنعتی آلمان نزدیک مرز فرانسه و بلژیک، به عنوان منطقه غیر نظامی تعیین شد. هیتلر در سال ۱۹۳۶ نیروهای خود را به راینلند گسیل داشت. سپس اتریش و بخش هائی از چکسلواکی را در سال ۱۹۳۸ اشغال نمود. در همین حال ایتالیا سرگرم توسعه قدرت خود در حوزه مدیترانه و شمال آفریقا بود، و ژاپن نیز در سال ۱۹۳۷ به چین تجاوز کرد. از این رو، روابط بین آلمان، ایتالیا و ژاپن قوی تر می شد. در ابتدا، فرانسه و بریتانیا سعی می کردند از متجاوزان دلجوئی کنند. اما، در پایان دهه ۱۹۳۰ هر دو کشور اقدام به تجهیز نیروهای مسلح خود کردند. ایالات متحده آمریکا در حاشیه بی طرف ماند ولی با نگرانی نظاره گر افزایش قدرت ژاپن در اقیانوس آرام بود. بیست سال پس از پایان جنگ جهانی اول، دنیا در حال آماده شدن برای جنگی دیگر بود.

▶ پیمان ورسای

آلمان پس از شکست در جنگ جهانی اول مجبور شد در سال ۱۹۱۹ پیمان صلح ورسای را امضا کند. آلمان تمامی مستعمرات خود در خارج را از دست داد و همچنین بخش هائی از سرزمین آن به همسایگان واگذار شد و از داشتن ارتش بزرگ منع شد. اکثر آلمان ها مخالف این پیمان بودند و از مقاومت هیتلر در پذیرش آن حمایت می کردند. از این رو، پیمان ورسای که از سوی طرف های برنده جنگ جهانی اول به آلمان تحمیل شده بود، یکی از عوامل جنگ جهانی دوم محسوب می شود.



◀ رویدادهای انفجار آمیز شمال آفریقا

ایتالیا به اتیوپی که در آن زمان یعنی در سال ۱۹۳۵ به حبشه معروف بود، تجاوز کرد. فرمانروای این کشور، هایلاسلاسی (۱۹۷۵-۱۸۹۱) به تبعید فرستاده شد. رهبر ایتالیا می خواست در شمال آفریقا امپراطوری روم را از نو بسازد و مدیترانه را به دریای ایتالیایی تبدیل سازد. ایتالیا همچنین به همسایه کوچک خود، آلبانی، تجاوز کرد.

▶ حمله ژاپن به چین

بعد از تسخیر استان منچوری چین در سال ۱۹۳۲، ژاپن برنامه عظیم تسلیحاتی خود را شروع کرد. در سال ۱۹۳۷ ژاپن تهاجم همه جانبه به چین را عملی کرد و پایتخت نانکینگ و اکثر بخشهای ساحلی آن را اشغال نمود.



◀ هیتلر اتریش را تسخیر می کند

در مارس ۱۹۳۸، هیتلر نیروهای خود را به اتریش گسیل کرد و آنشلوس یا اتحاد آلمان و اتریش را اعلام نمود. هیتلر پیمان ورسای را که آلمان را از اتحاد با هر دولتی منع می کرد نقض کرده بود. اکثر اتریشی ها از این حرکت پشتیبانی می کردند هر چند کشورهای همسایه نگران قدرت رو به افزایش هیتلر بودند.

▶ دیکتاتورها کنار یکدیگر

در ابتدا، رهبر ایتالیا، موسولینی دشمن هیتلر و حزب نازی بود. زیرا هیتلر قصد اشغال اتریش را در سر می پروراند که همسایه شمالی ایتالیا بود. اما به تدریج دو کشور به یکدیگر نزدیک شدند. در سال ۱۹۳۶ آنها به تدریج همکاری با همدیگر را شروع کرده و محور رم - برلین را به وجود آوردند که بعدها ژاپن نیز به عضویت آن درآمد. سپس ایتالیا و آلمان پیمانی رسمی در سال ۱۹۳۹ به نام پیمان پولاد امضا کردند و در نخستین سالهای جنگ جهانی دوم کنار یکدیگر جنگیدند.





▲ اتحاد بریتانیا و فرانسه

روابط نزدیک بین فرانسه و بریتانیا در سال ۱۹۳۸ با دیدار رسمی شاه جرج ششم (آخری از چپ) و ملکه الیزابت از فرانسه آشکار شد. پشت صحنه، این دو کشور شاهد گسترش قدرت هشاردهنده آلمان و ایتالیا بودند. در سال ۱۹۳۹، که جنگ گریزناپذیر به نظر می‌رسید، فرانسه و بریتانیا توافق کردند به لهستان، رومانی و یونان، در صورت حمله آلمان یا ایتالیا کمک کنند تا از استقلال خود دفاع نمایند.



▲ راه صلح آمیز

جمعیت به دیدار نخست وزیر بریتانیا، نویل چمبرلین از مونیخ در سال ۱۹۳۸ خوشامد گفتند. رهبران اروپا در تلاش برای حل تنش‌ها موافقت کردند از هیتلر دلجوئی کنند. آنها موافقتنامه صلحی امضا کردند که به آلمان‌ها اجازه می‌داد منطقه مرزی سودتن در مرز چکسلواکی را به خاک خود منضم کند. چک‌ها مخالفت کردند، اما چمبرلین اظهار داشت که ماندگاری این پیمان صلح را تضمین می‌کند. شش ماه بعد، هیتلر بقیه خاک چکسلواکی را نیز اشغال نمود.

▼ تجاوز به لهستان و آغاز جنگ جهانی دوم

نیروهای آلمان، آماده حمله در سال ۱۹۳۹ در حال برداشتن بست مرزی لهستان و آلمان دیده می‌شوند. هیتلر از لهستان خواسته بود که دالان لهستان - نواری باریک که پروس شرقی را از بقیه خاک آلمان جدا می‌کرد - را به آلمان واگذار کند. لهستان مقاومت کرد. بنابراین در اول سپتامبر وی لهستان را اشغال نمود. بریتانیا و فرانسه تضمین کرده بودند در صورت تجاوز به خاک این کشور به کمک لهستان بشتابند. بنابراین آنها در ۳ سپتامبر به آلمان اعلان جنگ دادند. جنگ جهانی دوم آغاز شده بود.



آماده شدن برای بدترین رویداد

با افزایش احتمال جنگ در سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹، بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا کسب آمادگی برای بدترین رویداد را آغاز کردند. آنها برنامه‌هایی برای سهمیه بندی غذا و مواد خام حیاتی تهیه کردند. فرانسه قبلاً خط ماژینو، که در سالهای ۱۹۲۹-۳۴ برای دفاع در برابر حمله آلمان ساخته شده بود را دوباره مستقر کرد. دولت بریتانیا انتظار داشت لندن و دیگر کلانشهرهای این کشور طی ساعات اولیه آغاز جنگ به شدت مورد بمباران قرار گیرند، بنابراین برای حفاظت از جمعیت غیرنظامی خود دوراندیشی‌های زیادی انجام داده بود. در پارک‌ها و خیابان‌ها پناهگاه‌هایی حفر شدند و ماسک ضد گاز بین مردم توزیع شده بود. برای تخلیه هزاران کودک و انتقال آنها به روستاها برنامه‌هایی تهیه شد. با آغاز جنگ در سپتامبر ۱۹۳۹، بسیاری از این برنامه‌ها به اجرا گذاشته شد. در زمان حمله آلمان به کشورهای اسکاندیناوی، بلژیک، هلند و فرانسه در آوریل و مه ۱۹۴۰، بسیاری از این استحکامات برای نخستین بار آزمایش می‌شدند و هنوز میزان استحکام آنها معلوم نبود.



دستگاه هشدار قابل حمل

زنگوله‌های چوبی، که در اصل برای ترساندن و دور ساختن پرنده‌ها از مزارع کشت غله طراحی شده بودند، بین نیروهای احتیاط هواپرد بریتانیا (ARP) توزیع شدند. این دستگاه‌ها که برای اعلان خطر حمله شیمیایی طراحی شده بودند، هنگام خطر صدای بلندی ایجاد می‌کردند و برای هشدار به مردم برای رفتن به پناهگاه‌های مناسب و ضد بمب بود.

پاسداری از پشت جبهه

در سال‌های آخر جنگ، مردان آلمانی بین سنین ۱۶ تا ۶۰ سال که قبلاً در ارتش نبودند برای شرکت در گارد مردمی (Volkssturm) به خدمت فراخوانده شدند. مانند گارد مردمی بریتانیا که در مه ۱۹۴۰ ایجاد شد، آنها یونیفورم‌های اندکی در اختیار داشتند و آموزش کمی دیده بودند، بنابراین مجبور بودند با هر سلاحی که در اختیارشان قرار داده می‌شد به دفاع بپردازند.



نیروها و تسلیحات با استفاده از قطار زیرزمینی به جبهه منتقل می شدند.



دفاع فرانسه

نام استحکامات دفاعی اصلی فرانسه، خط ماژینو بود. ظاهراً پنج سال طول کشید تا این خط ساخته شده و سرتاسر مرز خاوری فرانسه با آلمان، یعنی از لوکزامبورگ در شمال تا سوئیس در جنوب، امتداد یابد. این خط دارای دفاع ضد تانک، پناهگاههایی برای توپخانه برای مصون ماندن از بمباران هوایی، سنگرهای مستحکم و بسیاری تجهیزات دیگر بود که توسط راه آهن زیرزمینی به یکدیگر مرتبط می شدند.

ماسکهای ضد گاز

در بریتانیا ماسک ضدگاز در اختیار همگان قرار داده شده بود. اما در آلمان تنها افرادی که در معرض خطر شدید بودند مانند کودکان، گردانهای هوای و مقامات حزب نازی چنین ماسکهایی در اختیار داشتند. از آنجا که هیچ یک از دو طرف از بمباران شیمیایی استفاده نکرد، این ماسکها نیز عملاً مورد استفاده قرار نگرفتند.



ماسک ضد گاز آلمانی

فیلتر گاز

نارنجک ساخته شده از بطری شیشه ای



پوکه خمپاره

سلاحهای پیشرفته

گارد مردمی بریتانیا سلاحهای اندکی در اختیار داشت و اغلب ناچار بود کارکرد این سلاحها را بهبود بخشد. آنها از قوطیهای فلزی برای ساخت خمپاره و از بطری برای ساخت بمبهای بنزینی و نارنجک استفاده می کردند. گارد مردمی سازمان داوطلبانه ای بود که برای حفاظت از تاسیسات حیاتی مهم ایجاد شده بود و مراقب هرگونه حرکت نفوذی دشمن بود.



خاموشی‌های شبانه

در پوستر آلمانی فوق نوشته شده «دشمن چراغ‌های شما را می‌بیند، آن را خاموش کنید» در این پوستر از مردم خواسته شده تمامی چراغ‌های خود را در شب خاموش نگاه دارند و گرنه بمب افکن‌های دشمن قادر می‌شوند شهر آنها را پیدا کنند. از هنگام آغاز جنگ، خاموشی‌های سراسری در آلمان و بریتانیا اجباری شدند.

کارت جیره بندی غیر نظامیان آلمانی

Category	Meat Type	Quantity (g)
I	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
II	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
III	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
IV	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
V	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
VI	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
VII	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
VIII	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
IX	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
X	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
XI	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)
XII	Beef	100 g (200 g)
	Pork	100 g (200 g)

سهمیه بندی منابع

از آغاز جنگ، مواد غذایی و بنزین در آلمان جیره بندی شد. برای بسیاری از آلمانی‌های فقیر، توزیع مواد غذایی یارانه‌ای توسط دولت به معنی رژیم غذایی متنوع و سالم تری نسبت به قبل از جنگ برای آنها بود. تنها در سال ۱۹۴۳ و با نزدیک شدن شکست ارتش نازی، در جیره بندی، غذای کمتری پخش می‌شد و زندگی سخت و دشوار شد.



حفاظت بالونی

بالون‌های دفاعی عظیم بادکنکی از بیشتر شهرهای کوچک و بزرگ بریتانیا در مقابل حملات هوایی حفاظت می‌کردند. این بالون‌ها قبل از حمله بالا برده می‌شدند و شبکه‌ای از کابل‌های فلزی زیر آنها شکل می‌گرفت. بمب افکن‌های دشمن ناچار بودند برای جلوگیری از برخورد با این کابل‌ها در ارتفاع بالاتری پرواز کنند که این باعث کاهش دقت آنها می‌شد.



پناهگاه‌های حمله هوایی

اکثر ساکنان شهرهای بزرگ بریتانیا که دارای باغ بودند برای حفاظت در برابر حملات هوایی، پناهگاهی موسوم به اندرسون ایجاد کردند. اندرسون، تونل آهنین کرکره‌ای بود که بعد از کندن زمین به عنوان سقف استفاده شده و روی آن با خاک پوشانده می‌شد. در فوریه ۱۹۴۱، پناهگاه‌های موسوم به موریسون (قفس‌های آهنینی که برای استفاده در داخل منزل تهیه می‌شد) در اختیار افرادی قرار گرفت که صاحب باغ نبودند.



دفاع ساحلی

در سواحل جنوب بریتانیا و شمال فرانسه، مین‌هائی برای مقابله با حملات احتمالی کار گذاشته شد. مین‌ها برای وارد آوردن حداکثر خسارت به هر گونه نیروی متجاوز طراحی شده بودند.



۴۸- مین دریائی بریتانیائی

حمله برق آسا

«بلیتز کریگ» واژه‌ای آلمانی به معنی حمله برق آسا است، که به عنوان استراتژی نظامی برای رسیدن به حداکثر پیروزی در کمترین زمان ممکن، توسط آلمانها طی جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد. نیروهای زرهی با سرعت بسیار در پیشاپیش نیروها حرکت کرده و حرکت توپخانه سرعت کمی داشت و معمولاً در عقب، برای درهم شکستن هرگونه مقاومتی، مواضع دشمن را گلوله باران می‌کردند. آنها بدین ترتیب راه خود را به درون سرزمین دشمن می‌گشودند. سرعت و وحشیگری این گونه حملات به حدی بود که اغلب، دشمن غافلگیر می‌شد.

هنگامی که حملات برق آسا، خاک لهستان را در سال ۱۹۳۹ درنوردید، بریتانیا و فرانسه به آلمان اعلان جنگ دادند. از مه تا ژوئن ۱۹۴۰ قدرت آلمان در اروپای شرقی نسبت به فرانسه و کشورهای هلند، بلژیک و لوکزامبورگ برتری داشت. ولی در اروپای غربی آلمانها نسبت به نیروهای مشترک بریتانیا، فرانسه و بلژیک، تانکها و نفرات کمتری داشتند. ولی در عرصه نیروی هوایی از برتری برخوردار بودند. برنامه ریزی زیرکانه، حملات سریع و قدرت آتش متمرکز تا ژوئن ۱۹۴۰ آلمان را در جبهه غرب به پیروزی رسانید.

وزیر خارجه آلمان یواخیم فون ریبنتروپ

رهبر شوروی، ژوزف استالین

وزیر خارجه روسیه ویاجسلاو مولوتوف

پیمان عدم تجاوز آلمان و شوروی

در ۲۳ اوت ۱۹۳۹، وزیران خارجه روسیه و آلمان در مسکو پیمان عدم تجاوز امضا کردند. این پیمان به آلمان اجازه داد بدون ترس از تهاجم شوروی، به لهستان و اروپای غربی تجاوز کند. آنها بار دیگر در ۲۸ سپتامبر برای تقسیم لهستان بین دو کشور با یکدیگر دیدار کردند.



پیشرفت موتورسیکلت

آلمانها با استفاده از سایدکار، واحدهای پانزر خود را مکانیزه کردند که برای حرکت سریع در خاک دشمن مناسب بود. پیشروی سریع آنها قبل از رسیدن ارتش اصلی، اغلب دشمنان را شگفت زده می‌کرد و موفقیت‌های قابل توجهی به بار می‌آورد.



روزنامه انگلیسی آغاز جنگ جهانی دوم را اعلام می‌کند



بمب در حال سقوط

▲ بمب افکن‌های شیرجه ای

یونکرهای یو ۸۷ (اشتوکا) یا بمب افکن‌های شیرجه ای، هواپیماهای اصلی بودند که در حملات برق آسا مورد استفاده آلمان قرار گرفتند. اشتوکا مجهز به سوت بود که وقتی هواپیما تقریباً به صورت عمودی برای افکندن بمب بر سر مردم وحشت زده در آسمان شیرجه می‌زد، صدائی شبیه به جیغ زدن از خود ساطع می‌کرد و بدین سان روحیه مردم را درهم می‌شکست.

▼ حمله پانتزر

نقش اصلی در حملات برق آسا که بلیتز کریگ نام داشت با واحدهای تانک و حمایت بمب افکن‌های هوائی بود که موقعیت مناسبی برای پیش روی تانک‌ها فراهم می‌کردند. پیشرفت این تانک‌ها در تخریب مواضع دشمن به قدری سریع و کارآمد بود که این واحدها، که به پانتزر مشهور بودند، اغلب مجبور می‌شدند کمی از سرعت پیشروی خود کم کنند تا واحدهای توپخانه از راه برسند.

▲ اعلام جنگ

بریتانیا و فرانسه در سراسر جهان دارای مستعمراتی بودند و اعلام جنگ بریتانیا و فرانسه علیه آلمان در ۳ سپتامبر ۱۹۳۹ بدان معنی بود که امپراطوری‌های وسیع آنها در فراسوی دریاها نیز وارد جنگ خواهند شد. اما اکثر کشورهای اروپائی از جمله ایرلند، سوئیس، اسپانیا و پرتغال همراه با ایالات متحده آمریکا، بی طرف ماندند.



▶ سلاح‌های پرتابی

توپخانه آلمان‌ها هنگام پیشرفت در خاک دشمن از نارنجک‌های دستی و چوگانی استفاده می‌کرد. نارنجک‌ها برای قتل نیروهای دشمن و پاکسازی ساختمانها از نیروهای کمین کرده استفاده می‌شدند.



نارنجک دستی

نارنجک چوگانی



◀ تسخیر فرانسه

ویرانی‌های ایجاد شده در شمال فرانسه بعد از بمباران یا در جریان حمله برق آسای آلمان در این تصویر، قابل مشاهده است. این گونه ویرانی‌ها که در عرض شش هفته رخ داد به فروپاشی فرانسه و شکست ارتش این کشور منجر شد.

نارنجک چوگانی برای پرتاب سریع به سوی دشمن به چکمه سرباز آلمانی بسته می‌شد.

▶ درنوردیدن کشورهای بنلوکس

در مه ۱۹۴۰، نیروهای تاین دندان مسلح آلمان به کشورهای بلژیک، هلند و لوکزامبورگ سرازیر شدند. هلند بخش اعظم خاک خود را با شکستن سدها به زیر سیلاب فرو برد تا از پیشرفت سریع دشمن جلوگیری کند. اما نیروهای آنان هم‌آورد ارتش آلمان نبودند و در نتیجه پس از ۴ روز تسلیم گشتند. خیلی زود بلژیک و لوکزامبورگ نیز تسلیم شدند.



اشغال

در اروپا، مردم به شکل‌های مختلف به زندگی تحت اشغال آلمان واکنش نشان می‌دادند. برخی به نیروی مقاومت (جنبشی که مخفیانه سعی می‌کرد برنامه‌های آلمان را بر هم بزند) پیوستند یا از همکاری با اشغالگران خودداری ورزیدند. برخی دیگر به همکاری فعال با آلمانها مشغول شدند و آنها را به عنوان مدافعان خود در برابر کمونیسم گرامی داشتند. اما برای اکثر مردم، گزینه‌های زیادی وجود نداشت و منفعلانه وضعیت موجود را پذیرفتند. در فرانسه و نروژ، دولتها به صورت جدی با آلمان همکاری کردند. نام رهبر طرفدار آلمان در نروژ، ویدکون کیسلینگ در زبان مردم عادی واژه‌ای معادل کلمه خائن بود. اما رهبران پیش از جنگ لهستان، چکسلواکی، نروژ، هلند، لوکزامبورگ، یونان و یوگسلاوی همه به لندن گریختند. آنها در آنجا دولت‌های در تبعید ایجاد کردند. شاه لئوپلد بلژیک زندانی شد. پادشاه دانمارک، کریستین دهم، و دولت او در دانمارک باقی ماند و کمابیش به همکاری با آلمان پرداخت. قدرت واقعی همیشه در اختیار اشغالگران آلمانی بود.



نشان لژیون داوطلبان
فرانسوی (LVF)

برادران مسلح

لژیون داوطلبان فرانسوی (LVF) سازمان شدیداً ضد کمونیستی بود. LVF داوطلبان را به جنگ در کنار آلمانها در جبهه شرقی علیه شوروی تحریک می‌نمود.

بعد از در دست گرفتن کنترل پاریس، هیتلر
نه روز از این شهر دیدار نمود.

هیتلر در پاریس

نیروهای آلمانی در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۰ پس از نبردی که کمتر از یک ماه به درازا انجامید، وارد شهر بی دفاع پاریس شدند. بعداً دو میلیون شهروند موفق به فرار از شهر گردیدند. اما همین که شوک ناشی از اشغال تمام شد، همچون قبل از جنگ زندگی عادی با وجود اختلاط افسران آلمانی با افراد محلی از سر گرفته شد.



رادئوی سری



گوشی

خانواده‌های دانمارکی برای گوش کردن به فرستنده‌های رادئویی کشورهای دیگر، این رادئو را در جعبه‌ای پنهان کرده بودند. برنامه‌های اکثر این رادئوها شامل اخبار کلی جنگ، پیام‌هایی از خانواده سلطنتی در تبعید دانمارک و پیام‌های رمزی به عوامل سری در مناطق تحت اشغال می‌شد. داشتن رادئو در بسیاری از کشورهای تحت اشغال ممنوع بود ولی این باعث رویگردانی مردم از رادئو یا استفاده مخفیانه از آن نشد.

موی یک زن خائن فرانسوی چیده می‌شود.

گیرنده بی سیم دست ساز که خانواده‌های دانمارکی طی دوران اشغال از آن استفاده می‌کرد.



صلیب انگلیسی سنت جرج

همدستی با آلمان‌ها

در سراسر دوران اشغال، بسیاری از افراد به همدستی جدی با آلمان‌ها روی آوردند. برخی به همسایگان خود که حامی جنبش مقاومت بودند، خیانت کردند برخی دیگر به آلمانها اطلاعات می‌دادند. تعدادی از زنان حتی با افسران آلمانی ازدواج کردند. با آزاد شدن کشورها، برخی از افراد محلی با ضرب و شتم و حتی اعدام خائنان یا با تراشیدن موی سر زنان خیانتکار به انتقامجویی دست زدند.

تامزین، کوچکترین قایق غیر نظامی که طی عملیات دینامو عرض کانال را پیمود.

پلاک یقه با علامت تبر دو سر دولت ویشی

نمادهای جدید

در دوران حکومت دولت ویشی، بسیاری از نمادهای جمهوری فرانسه جای خود را به نمادهای دولت ویشی دادند. تبر دوسر و رایج تر از همه، تمثال‌های مارشال پتن، از این دسته نمادها بودند.



عملیات دینامو

بین ۲۶ مه و ۴ ژوئن ۱۹۴۰، ۳۳۸۲۲۶ سرباز از سواحل دونکرک فرانسه طی عملیات دینامو تخلیه شدند. با حرکت ارتش آلمان از شمال فرانسه به سوی کانال انگلیس، آلمانها ارتش بریتانیا و بخش اعظم ارتش فرانسه را به دام انداختند. ناوگانی از کشتی‌های بریتانیایی، فرانسوی، دانمارکی و بلژیکی در عرض کانال برای نجات سربازان به عقب و جلو حرکت می‌کردند. تمامی تجهیزات به غنیمت آلمان‌ها درآمد. نبرد فرانسه شکست بزرگی برای ارتش انگلیس بود ولی تخلیه موفقیت آمیز سربازان در زمانی خطرناک، کمک موثری به افزایش روحیه نمود.



فرانسه ویشی

رهبر فرانسوی، مارشال پتن، در ۲۱ ژوئن ۱۹۴۰ با آلمان به آتش بس رسید. فرانسه ناچار بود اشغال شمال و غرب فرانسه توسط آلمان را بپذیرد. پتن ریاست دولتی دست نشانده (ظاهراً مستقل ولی عملاً تحت کنترل آلمان) واقع در شهر ویشی در جنوب فرانسه را عهده دار شد. دولت ویشی با آلمان‌ها همکاری کرد، یهودیان را اخراج و نیازهای حیاتی ارتش آلمان را تامین نمود. در نوامبر ۱۹۴۲، آلمان‌ها اشغال را ادامه دادند و سرانجام این دولت در اوت ۱۹۴۴ فروپاشید.



نجات غریق

با تنها ۱۴ فوت (۴/۴ متر) طول، تامزین کوچکترین قایقی بود که در عملیات دینامو (بنگرید به بالا) شرکت کرد. این یکی از حدود ۹۰۰ قایقی بود که شامل مین روبوها، کشتی‌های جنگی و قایقهای تفریحی خصوصی و قایق‌های ماهیگیری می‌شد و برای کمک به سربازان به دام افتاده در محاصره آلمان‌ها رفته بودند. تامزین پیش از بازگشت به انگلیس توسط یک قایق ماهیگیری بلژیکی مردان بسیاری را از ساحل به آبهای عمیق تر منتقل کرد.



مقاومت

در ابتدا، واکنش مردم اروپا به تجاوز و اشغال میهن شان، ناهماهنگ و ناموثر بود. مقاومت مسلحانه به شکل پراکنده انجام می‌شد و به عهده افراد از جان گذشته‌ای نهاده شد که زندگی خود را برای کمک به فرار عوامل متفقین یا دادن سرپناه به افراد تحت تعقیب به خطر می‌انداختند. رفته رفته، گروه‌های سازمان یافته شروع به شکل‌گیری کردند که از سوی بریتانیا حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی می‌شدند، البته گروه‌های کمونیست نیز در اروپای شرقی بعد از سال ۱۹۴۱ کمک‌هایی از سوی شوروی دریافت می‌کردند. خشن‌تر شدن آلمان‌ها، استفاده آنها از کار و محاصره مخالفان، اسلواها و دیگر مردمانی که آنها را «شبه انسان» تلقی می‌کردند، باعث شد مقاومت در سراسر قاره اروپا گسترش یابد. قبل از آن که در ۴۵-۱۹۴۴ آزادی از راه برسد، گروه‌های پارتیزانی در کنار نیروهای تهاجمی بریتانیا، امریکا و روسیه می‌جنگیدند.



رنگ آزادی

گروه‌های مقاومت دانمارکی در اروپا بسیار موثر بودند. اعضا از افراد تحت تعقیب

حمایت و برای آنها جان پناه تهیه کرده و کمک‌های ارزشمندی در اختیار خلبانان متفقین و نیروهای هواپرد قرار می‌دادند.



جاسوسی علیه دشمن

مقاومت دانمارکی‌ها علیه اشغال آلمان به موازات بدتر شدن اوضاع، گسترش یافت.

در سال ۱۹۴۳ جنبشی بزرگ برای جاسوسی به نفع بریتانیا و به راه انداختن اعتصابات و اعمال خرابکارانه شروع گردید.



نشان دادن حمایت

گروه‌های مقاومت اغلب، بازوبندهای تشخیص هویت مانند بازوبند فوق که متعلق به ارتش میهنی لهستان است، می‌بستند. این گروه در سال ۱۹۴۲ برای پیکار با ارتش اشغالگر آلمان به وجود آمد و این مبارزات در اوت ۱۹۴۴ به شورش ورشو منجر شد ولی آلمانها آن را در هم کوبیدند.



نیروهای فرانسه آزاد

هنگامی که فرانسه به دست آلمانها افتاد، ژنرال شارل دوگل به لندن گریخت. او در ۱۸ ژوئن ۱۹۴۰ برای پیوستن مردم به جنبش «جنگ برای فرانسه آزاد» درخواست کمک فرستاد.

اشغال ایران

در سپتامبر ۱۹۴۰ (شهریور ۱۳۲۰ شمسی) نیروهای سه کشور انگلیس، شوروی و آمریکا به کشور بی طرف ایران حمله کردند. ایران در آن زمان تحت حاکمیت رضاشاه بود. رضاشاه از سیاست‌های هیتلر طرفداری می کرد و از دخالت سه کشور نام برده در ایران می هراسید، ولی با توجه به پیشرفت آلمانها در خاک شوروی ترجیح داد منتظر نتیجه جنگ باقی بماند تا در صورت موفقیت هیتلر به نفع آلمان وارد جنگ شود. دولت‌های شوروی، انگلیس و آمریکا ابتدا به دولت رضاشاه اخطار دادند تا کارشناسان آلمانی را از ایران اخراج کند. ولی با بی توجهی وی به اخطار این سه کشور، به ایران حمله کردند. آمریکا و انگلیس از راه ایران به شوروی کمک رساندند تا در جنگ با آلمان پیروز شود. بعد از جنگ به خاطر اهمیت ایران برای ارسال نیرو و تجهیزات به شوروی و شکست آلمان، ایران پل پیروزی نام گرفت.



تمبرهای مقاومت، در زیر چشم چپ، یف کردگی بزرگتری داشتند

تمبر ساختگی



تمبر اصل

کارت سهمیه بندی، گواهینامه رانندگی و برگه نظامی فرانسه

کارت هویتی جعلی یو - تامس؛ او ناچار بود امضای دقیق فرانسوا تیرللی را تقلید کند.



زندگی مخفیانه

ماموران مخفی از کارت هویتی جدیدی که براساس اسناد تقلبی تهیه شده بود، استفاده می کردند. مامور انگلیسی، فورست فردریک ادوارد یوتامس (۱۹۰۱-۱۹۴۴)، معروف به «خرگوش سفید» در سه مأموریت با مقاومت فرانسه همکاری کرد. او خود را به عنوان فرانسوا تیرللی جا زد در حالی که تیرللی در الجزایر زاده شده بود. در سال ۱۹۴۴ آلمان‌ها او را دستگیر کرده و توسط گشتاپو مورد شکنجه قرار دادند. اما وی جان سالم به در برد و از خطر اعدام رهایی یافت.

دسته اسکلتی، چارچوبی سبک وزن



تفنگ‌های دست ساز جنبش مقاومت

تفنگ نیمه خودکار انگلیسی به نام استن، تفنگی سبک و ساده بود. تولید آسان و ارزان این تفنگ امکان پذیر بود و گروه‌های مقاومت در اروپای تحت اشغال از آن الگوبرداری کرده هر یک نمونه خاص خود را تولید کردند. در تصویر رو به رو تفنگ ۹ میلیمتری مارک تواین را می‌بینید که ساخته اعضای گروه مقاومت دانمارک بود.

حمله از پشت بوته‌ها

فرمانده یک گروه مقاومت فرانسوی به نام ماکیز، قبل از حمله برای جنگجویان توضیحاتی ارائه می‌کند. به مجرد ورود ارتش آلمان در مه ۱۹۴۰ به خاک فرانسه، مقاومت فرانسویان در برابر اشغال آغاز شد ولی عمدتاً ناموثر بود. در سال ۱۹۴۱، تعداد اندکی از گروه‌های سازمان یافته مقاومت، دست به انجام عملیات می‌زدند، آنها معروف به ماکه بودند که اصطلاح کورسیکانی معادل بوته یا خرچنگ است، زیرا آنها در زیر بوته‌ها پنهان شده سپس برای جنگ علیه متجاوزان به بیرون می‌پریدند.



پنهان در آستین

نیروهای فرانسه آزاد در یقه یا بالای آستین خود، برای حمله به اسیرکنندگان خود و فرار از دست آنها، چاقوهای کوچکی پنهان می‌کردند. این چاقوها موثر بوده و اغلب به فرار آنها از دست دشمن منجر می‌شد. نشان فرانسه آزاد - صلیب لورن - را می‌توان روی غلاف چاقو مشاهده کرد.



غلاف به بازبندی متصل است که زیر لباس بسته می‌شود.



بیوه دلیر

ویولت سزابو (۱۹۲۱-۴۵) در لندن پیش از پیوستن به اجرای عملیات ویژه (SOE)، عطر می‌فروخت. پس از کشته شدن شوهرش به گروه نظامی فرانسه آزاد پیوست. سزابو دوبار برای کمک به گروه مقاومت به فرانسه نفوذ کرد. وی دستگیر و در اردوگاه کار اجباری درگذشت.



شاه کریستین دهم

هنگامی که آلمانها در ۹ آوریل ۱۹۴۰ به دانمارک حمله کردند، شاه کریستین دهم (۱۸۷۰-۱۹۴۹) برخلاف پادشاهان اکثر کشورهای تحت اشغال، بر تخت سلطنت باقی ماند. دولت دانمارک تا حد ممکن از همکاری با آلمان اجتناب کرد و حتی به اکثر ۸۰۰۰ جمعیت یهودی خود یاری رساند تا به کشور بی طرف سوئد بگریزند.



صدا خفه کن بیشتر صدای شلیک گلوله را از بین می‌برد.



سلاح‌های بی صدا

این هفت تیر ۹ میلیمتری براتا، توسط ماموران سازمان ایتالیایی دی ویجیلاتزا ابرسیونه دل آنتی فاشیسمو (OVRA) مورد استفاده قرار می‌گرفت. این گروه برای سرکوب مخالفان فاشیسم ایتالیا ایجاد شده بود که با گروه‌های مقاومت فعال در منطقه آلپ فرانسه و منطقه بالکان می‌جنگیدند.

پارتیزان‌های تیمو

موفق ترین گروه مقاومت اروپایی، پارتیزان‌های یوگسلاو بودند که در تصویر در حال آموزش نظامی دیده می‌شوند. رهبر حزب کمونیست، تیمو (۱۸۹۲-۱۸۹۶) این ارتش را سازماندهی کرد که اعضای آن به ۱۵۰۰۰۰ نفر رسید. در سال ۱۹۴۴ پارتیزان‌ها در کنار نیروی ارتش سرخ ابتدا پایتخت و سپس کل کشور را از اشغالگران آلمانی‌ها بازپس گرفتند.



در ارتش آلمان

خدمات مسلح آلمان نام نیروهای نظامی این کشور بود که نیروی جنگی واحدی را تشکیل نمی داد، بلکه از مجموعه سازمان های مختلفی شکل گرفته بود که هر یک جداگانه به هیتلر در مقام فرمانده کل قوا گزارش می داد. ورماخت ارتش اصلی بود و کاملاً از شوستافل (SS) که در اصل بادی گارد هیتلر بود، متفاوت بود. بسیاری از اعضای پلیس مخفی (گشتاپو) از مقامات SS بودند. لشگرهای زرهی (پانتزر)، ناوگان دریائی (کرایکسمارین) و نیروی هوائی (لوفتوافه) نیز نیروهای جداگانه ای بودند، نیروهای ذخیره، شبه نظامیان متعدد، و پیراهن قهوه ای ها نیروهای نظامی جداگانه ای محسوب می شدند، یونیفورم ها و آرم ها نقش مهمی در ایجاد هویت و وجهه ای قوی برای سربازان داشتند و نیروهای جوان و وفادار را به خود جلب می کرد. خدمات مسلح آلمان بسیار مجهز و در مواردی بسیار سازمان یافته بود و تا اواخر سال ۱۹۴۲ بسیاری آن را شکست ناپذیر می پنداشتند.



▶ سلاح های سنگین

نیروهای زرهی آلمان متعلق به ارتش زرهی (پانتزر) بودند. پانتزر واژه آلمانی معادل زره است یکی از ۲۵۰۰ تانکی بود که در سال ۱۹۴۰ به فرانسه وارد شد؛ ۱۰ لشکر زرهی به فرانسه تجاوز کردند.



صلب شکسته، نماد باستانی معادل خوشبختی

◀ علامت پرافتخار

این علامت عقاب نقره ای بر زمینه سیاه نشان ملی بود که وافن - اس اس یا لشکر پیاده اس اس نصب می کرد. وافن - اس اس در اوج خود در ۳-۱۹۴۲ دارای ۳۹ لشکر یا بیش از ۹۰۰۰۰۰ سرباز بود.

کلاه منطقه عملیاتی

نشان مرگ بر روی کلاه



نشان یا درجه نظامی



ژاکت نیروهای زرهی SS

عنوان لشگری «آدولف هیتلر»

چکمه‌ها



شعار روی سگک «وفاداری افتخار من است»



کمربند

شلوار



تسمه کمربند

لبه تاشوی شلوار

چارک قوزک

لباس کشتار

اعضای نیروهای زرهی SS ژاکت‌های کوتاه چسبان سیاه به نام پانتزر ژاکت به تن می‌کردند که برای شرایط داخل تانک کاملاً مناسب بود. کلاه صحرایی آنها با نشان ملی آلمان، علامت SS و کله اسکلت، تزئین شده بود.

هراس انگیز پنهان

یکی از پرکاربردترین سلاح‌های ضد تانک ارتش آلمان Pak ۳۸ نام داشت. این تنها سلاحی بود که قادر بود تانک‌های T۳۴ شوروی را که بسیار مستحکم و شکست ناپذیر تصور می‌شدند، نابود سازد. برد آن ۲۷۵۰ متر بود و لوله کوچکش اجازه می‌داد سربازان بتوانند آن را از چشم دشمن پنهان نگاه دارند.

حلقه‌هایی برای هدفگیری سلاح



چرخ‌های فلزی که نیاز به حفاظت چندانی نداشتند



▶ نمادهای خدمت نظامی

نشان ملی جدید هیتلر - صلیب شکسته در چنگال عقاب - به تمامی یونیفورم‌های نظامی استاندارد آلمان اضافه شد. اما او اکثر نمادهای سنتی مانند درجه‌های نظامی ارتش آلمان را حفظ کرد. قیطان به رنگ‌های مختلف، نشان دهنده شاخه نظامی بود: رنگ زرشکی برای ستاد کل، رنگ سفید برای پیاده نظام و رنگ قرمز برای توپخانه.



◀ پیراهن قهوه‌ای‌ها

سربازانی که در لشکر طوفان (SA) خدمت می‌کردند به دلیل نوع یونیفورم شان به پیراهن قهوه‌ای‌ها معروف بودند. این نیرو در سال ۱۹۲۱ برای حفاظت از سخنرانهای حزب نازی در نشست‌های عمومی تشکیل شد و شمار آنها به بیش از ۵۰۰ هزار تن رسید. اما به دنبال نبرد قدرتی که بین SA و ارتش روی داد، در ژوئن ۱۹۳۴ اختیارات آنها به شدت کاهش یافت.



▲ بازو بند اس اس

اعضای شوتستاقل (اس اس)، مخوف ترین سازمان در آلمان نازی، این نوع بازو بندها را به بازو می‌بستند، اس اس که به خشونت و وحشیگری معروف بود، مسئول اداره اردوگاه‌های کار اجباری نیز بود.

نیم تنه نظامی

کمربند جلد اسلحه



جلد اسلحه

شلوار ژنرال ارتش



خمپاره شش لول به صورت پی در پی، دو به دو، شلیک می‌کرد.

▶ نی نی غرغرو

مه افکن یا به آلمانی نبلورفر، نام سلاحی بود که می‌توانست موشک‌های ۳۲ کیلوئی را تا برد ۶۹۰۰ متری پرتاب کند. با شلیک آن به هوا، به دلیل خروج شعله درخشان ۱۲ متری از دهانه لوله، شناسائی مکان استقرارش به راحتی امکان پذیر بود. انگلیسی‌ها به دلیل صدائی که به هنگام شلیک از آن برمی‌خاست، این پرتابگر را نی نی غرغرو می‌نامیدند.



◀ لباس ویژه

اس اس‌ها که در تصویر در حال سلام نظامی دیده می‌شوند در اصل توسط هیتلر و به عنوان بادی گارد او به وجود آمدند. رئیس آن، هاینریش هیملر، اس اس‌ها را به نیروی امنیتی جداگانه‌ای در دولت نازی تبدیل کرد. اس اس‌ها که کت‌های قهوه‌ای و کلاه‌های دارای علامت مرگ به تن می‌کردند، مسئول بسیاری از بدترین جنایت‌های نازیها به شمار می‌روند.

▶ در خط مقدم

یک پیاده نظام ارتش آلمان در مقابل مزرعه‌ای در حال سوختن در روسیه ایستاده است. او یکی از ۱۲/۵ میلیون سربازی بود که طی زمان جنگ، در ارتش آلمان خدمت می‌کردند. پیاده نظام نقش مهمی بازی می‌کرد، آنها قبل از عقب نشینی برای دفاع از برلین، در تمامی مسیرهای منتهی به حومه مسکو در حال نبرد بودند.



نبرد بریتانیا

با سقوط فرانسه در ژوئن ۱۹۴۰، هیتلر امیدوار بود بریتانیا آماده صلح و سازش با وی گردد. اما بریتانیا به رهبری وینستون چرچیل چنین قصدی نداشت. بنابراین، هیتلر تصمیم به انجام حمله دریائی عظیمی به بریتانیا، به نام عملیات شیر دریائی از طریق کانال انگلیس گرفت. برای انجام این کار، نیروی هوائی آلمان (لوفتوافه) مجبور بود نیروی هوائی شاهنشاهی بریتانیا (راف) را شکست دهد. نخستین حمله به فرودگاه‌های بریتانیا در ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۰ آغاز شد. امواجی از بمب افکن‌های موسوم به دورنیر آلمان که جنگنده‌های مسراشمیت آنها را اسکورت می‌کردند، جنوب شرقی بریتانیا را درنوردیدند. در مقابل، هوریکان‌ها و آتشبارهای انگلیسی در آسمان به پرواز درآمدند. روز به روز جنگ هوائی سخت‌تر می‌شد. راف به تدریج در اکتبر ۱۹۴۰ کنترل را به دست گرفت و آلمان عملیات خود را متوقف کرد.



هشت مسلسل براونینگ در لبه جلویی
بالها قرار داشتند.

آتشبارهای هوائی

در آغاز جنگ، مدرن‌ترین سلاح نیروی هوائی انگلیس، هواپیمای آتشبار ام کاو ان ای نام داشت. این سلاح قادر بود با سرعت ۳۶۲ م پی اچ حرکت کند و در ارتفاعات بالاتر سرعتش سریع‌تر هم بود و قدرت مانوری بیش‌تری از رقیب آلمانی خود یعنی مسراشمیت بی اف ۱۰۹ ئی، داشت.

دو خلبان راف (RAF) در سمت چپ مشغول بررسی نقشه‌ای همراه با خلبانهای لهستانی دیده می‌شوند.



نیروی هوائی بین‌المللی

راف (RAF)، خلبانانی از سراسر جهان از جمله لهستان، چکسلواکی و فرانسوی داشت که از کشورهای تحت اشغال آلمان گریخته بودند. همچنین کانادایی‌ها و نیوزیلندی‌ها و هفت امریکائی در این نیرو فعالیت می‌کردند. البته در این زمان هنوز امریکا وارد جنگ نشده بود. خلبانان جدید قبل از اعزام به صحنه جنگ، حداکثر ده ساعت آموزش می‌دیدند.

نیروی هوایی گورینگ

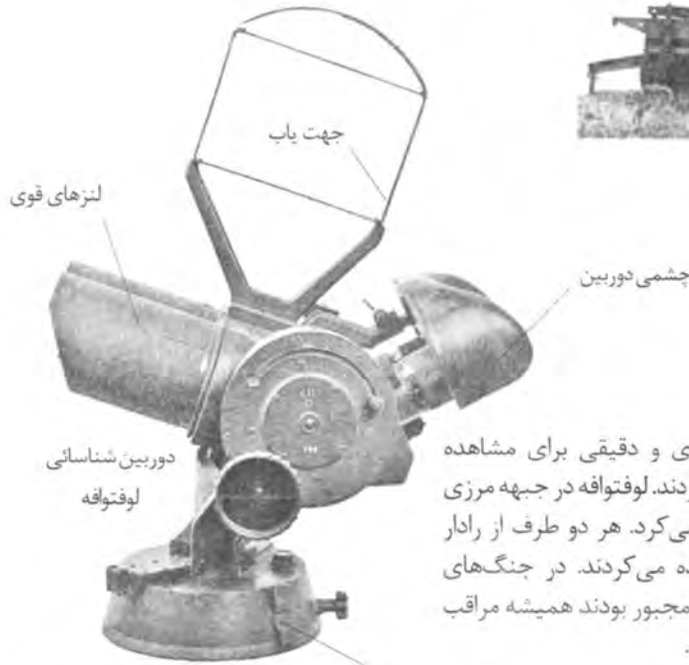


نیس لوفتوافه، رایش مارشال هرمن گورینگ، به همراه افسران خود نبرد بریتانیا را از ساحل فرانسه تماشا می‌کرد. گورینگ عقیده داشت لوفتوافه قادر است دفاع هوایی جنوب شرقی انگلستان را در عرض ۴ روز و RAF را در عرض چهار هفته نابود سازد. وی امیدوار بود آلمان بدین سان بتواند بریتانیا را تسخیر کند، اما لوفتوافه در رسیدن به این هدف، شکست خورد.

شناسایی دشمن

رادار برای موفقیت RAF بسیار مهم بود زیرا باعث شناسایی هواپیماهای در حال حمله دشمن می‌گردید. سیستم‌های رادار از دکل‌های ۹۰ متری برای ارسال امواج رادیویی استفاده می‌کردند. امواج به هواپیماهای دشمن برخورد می‌کرد و پژواک آن توسط رادارها دریافت می‌گردید. این به خلبانها هشدار می‌داد برای ادامه نبرد به هوا بلند شوند.

رادارهای شناسایی هوایی متحرک



گاهبانی

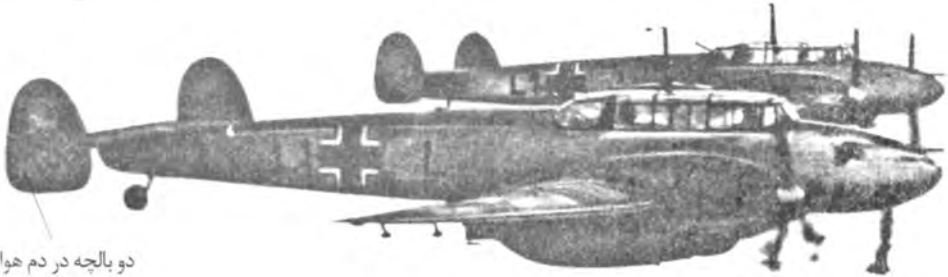
خدمه زمینی از دوربین‌های قوی و دقیقی برای مشاهده هواپیماهای دشمن استفاده می‌کردند. لوفتوافه در جبهه مرزی آلمان از این دوربین‌ها استفاده می‌کرد. هر دو طرف از رادار برای شناسایی از راه دور استفاده می‌کردند. در جنگ‌های هوایی رودررو، خلبان‌های جنگی مجبور بودند همیشه مراقب حرکات هواپیماهای دشمن باشند.

دوربین‌ها قادر بودند در تمام جهات برای مشاهده هواپیماهای آلمان بچرخند.



مسراشمیت بی اف ۱۰۹ نی

هرگز جنگ‌های تاریخ بشر تا این اندازه مدیون شمار اندکی از افراد نبوده است.



دو بالچه در دم هواپیما

▲ مسراشمیت

دو نوع مسراشمیت بدنه اصلی نیروی جنگنده لوفتوافه را تشکیل می‌داد. BF ۱۱۰C جنگنده اسکورتی برای بمب افکن‌های دوربرد بود. اما این جنگنده کند و استفاده از آن دشوار بود و نمی‌توانست با هوریکان‌ها و اسپیتفایرهای انگلیسی رقابت کند. همتای سریع‌تر BF ۱۱۰C جنگنده‌ای به نام BF ۱۰۹E بود که از هوریکان‌ها برتر بود ولی برد ۶۶۰ کیلومتری آن باعث می‌شد اثربخشی آن کاهش یابد.



جنگ RAF و لوفتوافه برای به دست گرفتن کنترل آلمان‌ها، به جنگ سگ‌ها معروف بود زیرا نبرد رودرو و نزدیک بین جنگنده‌های هوایی در گرفت. این گونه جنگ‌ها که در عکس رو به رو در فیلم نبرد بریتانیا به تصویر کشیده شده اغلب مستلزم شجاعت و دلاوری بسیار زیاد جوانان یعنی خلبانان کم تجربه و خسته بود.

بمباران‌ها

در جنگ، صدائی وحشتناک تر از صدای آمدن بمب افکن‌های دشمن وجود نداشت. آنها حامل مواد منفجره قوی و بمب‌های آتش‌زا بودند که بر سر خانه‌ها فرو افتاده شهرها را نابود می‌ساختند. هر دو طرف عقیده داشتند که نابودی تاسیسات استراتژیک مانند پالایشگاه‌های نفت، کارخانجات و خطوط آهن، ماشین جنگی دشمن را فلج خواهد ساخت. همچنین هر دو طرف امیدوار بودند که بمباران اهداف غیر نظامی روحیه جنگی را نابود و باعث تسلیم طرف مقابل خواهد شد. انگلستان از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ حملات هوایی آلمان به نام بلیتز را به اهداف غیر نظامی تحمل کرد ولی در نهایت اهداف غیر نظامی آلمان را از سال ۱۹۴۲ و ژاپن را از سال ۱۹۴۴ مورد بمباران‌های هوایی خود قرار داد. هزاران غیر نظامی کشته شدند، ساختمان‌ها ویران شد و بناهای باستانی تخریب شدند.



دو بازمانده از حمله هوایی آلمان، که خانه شان ویران شده از یک پناهگاه برای حفظ جان شان استفاده می‌کنند.

جان سالم پس از حمله هوایی

طی حملات هوایی، برخی افراد در پناهگاه‌های زیرزمینی مخفی می‌شدند و برخی دیگر از زیرزمین منزل خود یا از پناهگاه‌های موقتی در خانه‌های خود استفاده می‌کردند. بمباران سنگین شهرهای اروپا، ژاپن و چین ویران کننده بود. با این حال بسیاری توانستند جان سالم به در ببرند.



آتش نشان‌های لندن سرگرم فرونشاندن آتش در یک انبار، در سال ۱۹۴۱، هستند.

خدمات آتش نشانی انگلیس

آتش نشانی

اکثر خسارتهای بمب‌ها ناشی از آتشی بود که پس از انفجار برافروخته می‌شد. آتش نشان‌ها برای به کنترل درآوردن شعله‌ها جان خود را به خطر می‌انداختند. همچنین وظیفه آنها اطمینان یافتن از این بود که کسی در ساختمان‌های در حال سوختن به دام نیفتاده باشد.



۷۲ ۱۴ متر طول و یک تن وزن داشت و در ارتفاع ۸۰ کیلومتری پرواز می کرد.

◀ قدرت بمب

در پایان جنگ، آلمان مخفی ترین و مرگبارترین سلاح های خود را به کار گرفت. بمب های پرنده ۷۱ و موشک های ۷۲ (V به معنی انتقام) از این جمله بودند. هر دو بمب حامل کلاهک های ۲۲۰۰ ال بی (با قدرت یک تن) بوده و می توانستند خسارات سنگینی وارد سازند. اما بسیاری از ۷۱ ها در آسمان منفجر می شدند یا به اهداف خود اصابت نمی کردند زیرا هدف گیری دقیق برای آنها دشوار بود.

موشک ۷۲



◀ بمب های آتشین

هزاران بمب آتش زا طی جنگ روی شهرهای انگلستان و آلمان افکنده شد. این بمب ها دارای ترکیبات شیمیایی آتش زا مانند منیزیم یا فسفر بودند و برای به آتش کشیدن ساختمان ها و ایجاد شعله های عظیم طراحی شده بودند.

بمب آتش زای منیزیم



▶ بمباران مداوم

بمب افکن های سنگین، همچون این درّه های پرنده امریکائی، حامل بمب های ۵۸۰۰ کیلوگرمی بودند. این قدرت آتش، بمب افکن ها را قادر می ساخت خسارات سنگینی به تاسیسات نظامی و البته به مردم غیر نظامی وارد آورند.

مسئولان دفاع هوایی و غیر نظامیان مشغول جستجوی بازماندگان حمله هوایی در بین خرابه ساختمانها هستند.

خیابانی در لندن پس از شب بمباران طی عملیات یلیتر.





مسلسل عقبی یک بمب افکن هینکل

▲ مسلسل بمب افکن‌ها

تنها سلاح دفاعی که یک بمب افکن با خود حمل می‌کرد، مسلسل‌های قوی بود. یک بمب افکن در هوا و هنگام پرواز آرام به دلیل حمل بمب‌های سنگین، هدف آسانی برای هواپیماهای جنگی یا پدافند ضد هوایی بر روی زمین به شمار می‌رفت. در بعضی اوقات، بمب افکن‌ها همراه با اسکورت جنگنده‌های کوچک و سریع به پرواز درمی‌آمدند تا از هر گونه حمله‌ای در امان باشند.

▶ مدال جنگی

لوفتوافه (نیروی هوایی) آلمان بر اساس امتیاز، به سربازان خود نشان شجاعت می‌داد. فرو افکندن یک هواپیمای دشمن چهار امتیاز ارزش داشت. چهار هواپیما یا ۱۶ امتیاز برای دریافت این نشان لازم بود.



◀ دفاع از خلبان

مسلسل چی یک بمب افکن، شغل بسیار خطرناکی به شمار می‌رفت. مسلسل چی‌ها برای برخوردار شدن از دید کامل از تمامی نقاط آسمان در برچک بدون حفاظ هواپیما می‌نشستند یا می‌ایستادند تا بتوانند هواپیمای دشمن را مورد هدف قرار دهند.

▶ بمباران درسدن

بمباران شهر آلمانی درسدن در فوریه ۱۹۴۵ توسط نیروی هوایی متفقین یکی از بحث‌انگیزترین وقایع جنگ جهانی دوم بود. بمب‌ها باعث ایجاد طوفانی از آتش شدند که تمامی ساختمان‌ها را ویران و ۳۰ تا ۶۰ هزار غیر نظامی را به کام مرگ فرستاد. به دلیل وجود اهداف نظامی اندک در این شهر، بسیاری این حمله علیه غیر نظامیان بی دفاع را به عنوان جنایت جنگی تلقی کرده و آن را محکوم کردند.



▶ حمله برق آسا (بلیتزر)

بین سپتامبر ۱۹۴۰ و مه ۱۹۴۱، آلمان کوشید با بمباران شهرهای بزرگ انگلستان این کشور را وادار به تسلیم کند. آلمان ۱۲۷ حمله تمام عیار شبانه به انجام رساند. هفتاد و یک مورد از این حملات علیه لندن و مابقی علیه شهرهایی مثل لیورپول، گلاسکو و بلفاست بود. بیش از ۶۰ هزار نفر غیر نظامی کشته و دو میلیون خانه در حملات برق آسا معروف به بلیتزر نابود شدند.



جنگ تمام عیار

تا میانه سال ۱۹۴۱، آتش جنگ تنها در اروپا و شمال آفریقا شعله ور بود. در یک طرف دولتهای محور شامل آلمان، ایتالیا و برخی کشورهای اروپای شرقی قرار داشتند و در طرف مقابل دولتهای متحد شامل بریتانیا، فرانسه و امپراطوری‌های وسیع آنها صف آرایی کرده بودند. پس از سقوط فرانسه در ژوئن ۱۹۴۰، بریتانیا در مقابل دولتهای محور تنها ماند. این وضعیت هنگامی تغییر کرد که آلمان به روسیه، و ژاپن به آمریکا در پرل هاربر و بریتانیا در مالایا حمله کردند. در این هنگام جنگ مقیاس جهانی به خود گرفت. تنها امریکای جنوبی عملاً درگیر جنگ نشد. نبردها از آتلانتیک شمالی تا اقیانوس آرام و از صحراهای آفریقا تا علفزارهای یخ زده (استیپ) روسیه و تا جنگل‌های آسیای جنوب شرقی گسترش یافتند.

▶ اروپای تحت اشغال

در نوامبر ۱۹۴۲، آلمان و ایتالیا خاک اکثر کشورهای اروپایی را اشغال کرده بودند. و تنها بریتانیا و روسیه علیه آنها می‌جنگیدند. در شمال آفریقا، دولتهای متحد، مراکش و الجزایر را اشغال و مشغول بیرون راندن آلمان‌ها از مصر به سوی لیبی بودند. این نقشه تسلط و کنترل دولتهای محور در اروپا را نشان می‌دهد.



دولتهای محور

نواحی تحت کنترل دولتهای محور

دولتهای متحد

نواحی تحت کنترل متفقین

کشورهای بی طرف

مرز نواحی تحت اشغال آلمان

◀ جنگ به خاطر فرانسه

هنگامی که آلمان به فرانسه تجاوز کرد، ژنرال شارل دوگل به بریتانیا رفت و پرچم فرانسه را برافراشت. ابتدا، حمایت از وی محدود بود. سرانجام وی گروه بزرگی از نیروهای فرانسوی را در دریا و نیز نیروی مقاومت این کشور را در داخل خاک فرانسه فرماندهی کرد.



واحدهای پاتنزر آلمانی از یک دهکده کوچک روسی گذر می‌کنند، غیر نظامیان در حال فرار به سوی آنها مواد آتش‌زا پرتاب می‌کردند.



▶ به درون روسیه

در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱، آلمان‌ها حمله‌ای برق‌آسا را علیه روسیه آغاز کردند. این حمله نقض پیمان عدم تجاوز بین شوروی و آلمان نازی بود که براساس

آن هر دو طرف توافق کرده بودند علیه یکدیگر وارد جنگ نشوند. تجاوز به عملیات بارباروسا معروف شد و روسیه را در کنار بریتانیا وارد جنگ ساخت.

نخست وزیر بریتانیا وینستون
چرچیل (۱۸۷۴-۱۹۶۵)

رئیس جمهور آمریکا فرانکلین
روزولت (۱۸۸۲-۱۹۴۵)

رهبر شوروی ژوزف استالین
(۱۸۷۹-۱۹۵۳)



◀ سه رهبر بزرگ

رهبران بریتانیا، روسیه و آمریکا در این جا در کنفرانس یالتا در کریمه، جزیره‌ای متعلق به روسیه، در فوریه ۱۹۴۵ دیده می‌شوند. این سه تن دوبار در طول جنگ برای تصمیم‌گیری پیرامون استراتژی‌های همکاری نظامی با یکدیگر دیدار کردند.

▶ ایتالیای موسولینی

موسولینی (راست) ایتالیا را در ژوئن ۱۹۴۰ به نفع آلمان وارد جنگ ساخت. در این زمان، ایتالیا به بریتانیا و فرانسه اعلان جنگ داد و به جنوب فرانسه تجاوز کرد. در اکتبر ۱۹۴۱، ایتالیا به یونان حمله و سال ۱۹۴۱ یوگسلاوی را با آلمان تقسیم کرد. اگر چه نیروهای ایتالیایی در اکثر جبهه‌ها از جمله در روسیه در کنار آلمان‌ها نبرد می‌کردند ولی همیشه ایتالیا در دولت‌های محور شریکی فرودست بود.



کنترل ژاپن

تا اوایل سال ۱۹۴۲، ژاپن کل آسیای جنوب شرقی و اکثر بخش‌های اقیانوس آرام را تحت اشغال در آورده بود. پیروزی ناوگان آمریکا در می‌دوی، در ژوئن ۱۹۴۲، پیشرفت ژاپن را متوقف کرد.



تصویر ژنرال هیدکی توجو روی جلد مجله زمان جنگ ژاپن



ژنرال توجو

هیدکی توجو (۱۸۸۴-۱۹۴۸) حزب طرفدار جنگ را در ژاپن از سال ۱۹۳۱ رهبری می‌کرد و با آلمان و ایتالیا روابط نزدیکی داشت. وی در اکتبر ۱۹۴۱ به نخست‌وزیری رسید. در دوران زمامداری وی، ژاپن به آمریکا و مستعمرات بریتانیا در آسیا حمله کرد و امپراطوری ژاپن را در آسیای جنوب شرقی و اقیانوس آرام تشکیل داد. وی در سال ۱۹۴۸ به جرم ارتکاب جنایات جنگی محاکمه و اعدام شد.

یک کشتی طی بمباران ژاپن منفجر می‌شود.

حمله به پرل هاربر

در ۷ دسامبر ۱۹۴۱، ژاپن حمله‌ای غافلگیرانه به پایگاه نظامی پرل هاربر آمریکا واقع در هاوایی انجام داد. نوزده کشتی نابود و ۲۴۰۳ ملوان کشته شدند. رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از این واقعه به عنوان «نگی که در تاریخ باقی خواهد ماند» یاد کرد. کنگره فوراً به ژاپن و آلمان اعلان جنگ داد.



پرل هاربر زیر حملات ژاپن

سرزمین دشمن

در سراسر جنگ، مردان و زنان بسیاری با ورود به کشورهای تحت اشغال دشمن، زندگی خود را فدا کردند. آنها به قصد جاسوسی در مورد نیروهای متجاوز، همکاری با نیروهای مقاومت و انجام اقدامات خرابکارانه و نابودی برنامه‌های دشمن، به این کشورها می‌رفتند. انگلیسی‌ها، اداره عملیات ویژه (SOE) و امریکائی‌ها، اداره خدمات استراتژیک (OSS) را برای تربیت و آموزش عملیات پنهانی در عمق خاک دشمن به وجود آوردند. تکنسین‌ها به شدت مشغول طراحی راه‌های بهتری جهت پنهان سازی گیرنده‌ها، نقشه‌ها و دیگر تجهیزات لازم برای ماموریت‌های موفقیت آمیز بودند. البته همه ماموران موفق نبودند و بسیاری از اعضای SOE کشته یا به اسارت درآمده شکنجه شده و به اردوگاه‌های کار اجباری اعزام شدند. عده کمی که جان سالم به در بردند بعد از سالها از اعمال شگفت انگیز خود سخن گفتند.

▶ قرص خودکشی

ماموران مخفی انگلیسی با خود قرص‌هایی به معنی مرگبار حمل می‌کردند. در صورتی که عوامل دشمن جاسوسی را دستگیر می‌کردند او قرص را فرو می‌داد. قرص در عرض پنج دقیقه وی را از پای درمی‌آورد که زمان اندکی برای انجام اقدامات درمانی و نجات جان او به حساب می‌آمد. ماموران قرص‌ها را در جاهای مختلفی مثل قاب گردن‌بند، انگشتری و دیگر جواهرات شخصی خود پنهان می‌کردند.



▲ تهدید با قلم سمی

در این قلم، سوزنی تعبیه شده بود که آن را تبدیل به تفنگ می‌ساخت و از جمله سلاح‌های مبتکرانه‌ای بود که انگلیسی‌ها برای ماموران مخفی خود طراحی کرده بودند. ماموران با عقب کشیدن کلاهک و آزاد شدن سوزن تیز یک گرامافون، که در این قلم جاسازی شده بود، به سوی دشمن شلیک می‌کردند. این سلاح مرگبار نبود. اما همه تصور می‌کردند سوزن‌ها سمی است و باعث قتل می‌شود. اما بعداً معلوم شد ماموران مخفی سمی بودن این سوزن‌ها را به عنوان یک شایعه پخش کرده‌اند.

▶ سرگذشت مخاطره آمیز

در سال ۱۹۴۲ سازمان اطلاعاتی انگلستان، یکی از مأموران فرانسوی تبار خود بنام سانسون را برای کمک به واحدهای نظامی ارتش سری فرانسه به شمال آن کشور اعزام کرد. رابط او در آنجا



شخصی به نام پیتر چارلی بود. آنها در سال ۱۹۴۳ هنگام انجام یک عملیات جاسوسی توسط نیروهای آلمانی دستگیر شده و به اردوگاه کار اجباری اعزام شدند. بعد از پایان جنگ و آزادی اسراء این دو با هم ازدواج کردند.

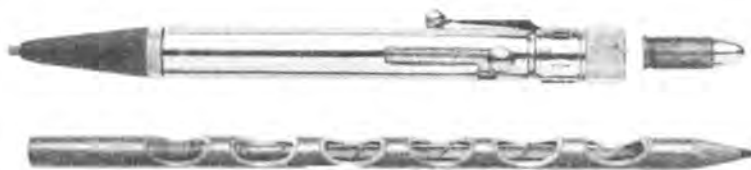
▶ ستایش یک جاسوس

در جنگ جهانی دوم، همگان ریچارد سورج (۱۹۸۵-۱۹۴۴) را یک نازی متعصب می‌دانستند. او در مدتی که مشاور سیاسی سفیر آلمان بود، اطلاعات سری آلمان را به دشمنان روسی آنها اطلاع می‌داد. تمبرهای شوروی، سورج را در مقام یک قهرمان نشان می‌داد.



▲ نقشه‌های پنهان در چپق

این چپق از بیرون کاملاً معمولی به نظر می‌رسید ولی در واقع حاوی اسرار پنهانی بود. لوله‌هایی در جام چپق قرار داده شده بود تا نقشه‌ها یا پیغام‌هایی در آن پنهان شوند، شخص جاسوس می‌توانست چپق دود کند، بدون اینکه آسیبی به نقشه‌ها و پیغام‌ها برسد. در لوله چپق نیز یک قطب‌نمای کوچک جاسازی شده بود.



▲ قلم مرگ بار

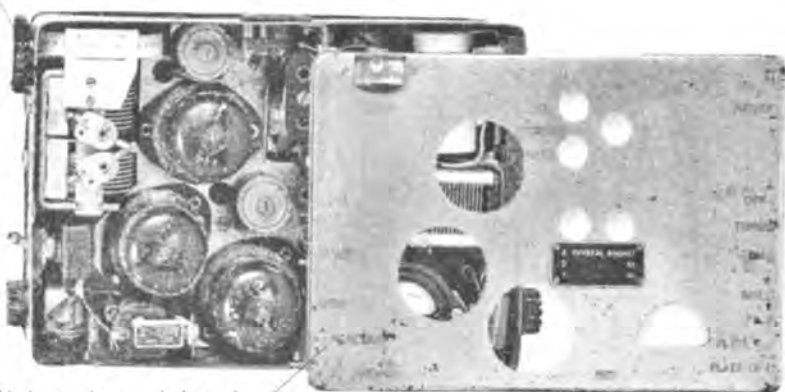
این دو اسلحه که با ظاهری شبیه مداد درست شده‌اند، در نبرد نزدیک استفاده می‌شدند. مداد خنجر مانند، شامل یک تیغ به شکل صلیب است، و مداد نوکی، یک تیر پاروکش کرم شلیک می‌کند. مأموران عملیات اجرایی ویژه بریتانیا از این نوع سلاح، برای دست‌یابی برتری جزئی بر دشمن استفاده می‌کردند تا بدین طریق بتوانند سلاح‌های قدرتمندتری را از چنگ آنها بیرون بیاورند.

بندها این تخته کفش‌های لاستیکی را به چکمه
ماموران محکم می‌کردند.



SOE به ماموران مخفی خود دستور می‌داد هنگام قدم گذاشتن بر ساحل، تخته کفش‌های لاستیکی شبیه به کف پا را به چکمه‌های خود ببندند. جاپاهای ایجاد شده باعث می‌شد جای چکمه‌ها مخفی باقی بماند. این حيله باعث می‌شد ژاپنی‌ها به غلط تصور کنند این جاپاهای متعلق به افراد محلی است که با پای برهنه روی ماسه‌ها قدم می‌زده‌اند، به این ترتیب توجه آنها از ماموران مخفی دور می‌گشت.

تنظیم کننده موج



جلد همراه با برجسبهائی به زبان انگلیسی

بی سیم‌های جیبی ▲

ابور، نام سازمان اطلاعات آلمان بود که بی سیم‌های جیبی کوچکی در اختیار ماموران خود می‌گذاشت. ماموران می‌توانستند هنگام انجام عملیات به ارسال و دریافت پیغام‌های موریس با این وسیله دست بزنند. تمامی برجسب‌ها به زبان انگلیسی بود تا در صورت به اسارت درآمدن ماموران، دشمن گمراه شود.



پیغام مخفی شده در پاشنه

پاشنه‌های حاوی پیام‌های سری ◀

قسمت‌های داخلی پاشنه لاستیکی چکمه‌ها، مکان مناسبی برای مخفی کردن پیغام‌ها، نقشه‌ها و دیگر اوراق چاپی بود. در طول جنگ، هر دو طرف از این ترفند ساده، استفاده زیادی بردند. اما بعد از گذشت مدتی، اولین جایی که بازجویان دشمن هنگام استنتاج از جاسوسان دستگیر شده، مورد بازرسی قرار می‌دادند، همین پاشنه‌ها بود.

▶ فرود مرگبار با چتر

هر عملیاتی که SOE انجام می‌داد با موفقیت توأم نمی‌شد. مادالین دامرمنت همراه با دو مامور دیگر در فوریه ۱۹۴۴ به وسیله چتر در فرانسه اسغالی فرود آمد. او هنگام فرود دستگیر شد. پس از بازجویی به اردوگاه کار اجباری داخو اعزام شد و همان جا اعدام گردید. بسیاری از ماموران SOE به سرنوشت مشابهی دچار شدند.



◀ کبریت خارجی



این جعبه کبریت، ظاهری شبیه به یک کبریت فرانسوی دارد ولی ساخت بریتانیا برای ماموران SOE بود. مامورانی که از خارج به منطقه تحت تسلط دشمن نفوذ می‌کردند، نباید اشیائی غیر معمول با خود حمل کنند تا هویت واقعی آنها افشا شود. همه وسایل شخصی آنها باید شبیه وسایل مورد استفاده در محلی می‌شد که قرار بود در آنجا عملیات صورت گیرد. بنابراین تصاویر خاص اشیاء محلی روی آنها چاپ می‌گردید.

کلیدها برای ایجاد علامت مورس استفاده می‌شدند

▶ دوربین کبریتی

شرکت کداک در آمریکا اقدام به ساخت دوربین‌های کوچک کبریتی برای ماموران اطلاعاتی انگلیس کرد تا آنها بتوانند بدون جلب توجه دشمن عکسبرداری کنند. برجسب روی دوربین کبریتی، بر اساس کشوری که قرار بود در آنجا مورد استفاده قرار گیرد، قابل تغییر بود.



EVACUEE



قسمت بالائی کارت باید کنده می‌شد تا کل نقشه معلوم شود.

◀ کارت

در این کارت‌های بازی، قسمتی از یک نقشه فرار، پنهان شده است. نقشه به دو قسمت تقسیم شده است. برای متصل کردن این دو بخش به یکدیگر، اسیران فراری محبوس بودند قسمت بالائی کارتها را خیسانده و دو بخش را به یکدیگر بچسبانند. سپس می‌توانستند راه فرار به سوی میهن را شناسایی کنند.

پیغام‌های ارسال شده از چمدان

هر دو طرف جنگ از بی سیم‌های جاسازی شده در چمدان برای ارسال و دریافت پیغام‌ها از داخل خاک دشمن استفاده می‌کردند. بیشتر بی سیم‌های امریکائی در چمدان‌هایی مخفی می‌شد که پناهندگان اروپائی به شهر امریکائی نیویورک، با خود آورده بودند. امریکایی‌های نمی‌خواستند آلمان‌ها به چمدان‌ها شک کنند. پیغام‌ها با استفاده از علامت مورس یعنی مجموعه‌ای از صداها ارسال و دریافت می‌شد.



اسیران جنگی

با اوجگیری و شدت یافتن جنگ، میلیونها سرباز به اسارت نیروهای دشمن درآمدند یا تسلیم شدند. در نخستین فصل سال ۱۹۴۱ یعنی زمان حمله آلمان به روسیه فاقد متحد، بیش از دو میلیون سرباز ارتش سرخ به اسارت درآمدند. برای اکثر این اسیران روزهای جنگ به اتمام رسیده بود و آنها مجبور بودند ماهها اگر نگوئیم سالهائی از عمر خود را در اردوگاههای ویژه زندانیان جنگی به سر برند. موافقت نامه‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو، به معنی تضمین رفتار خوب با اسیران جنگی بودند. ولی برخی از کشورها به این موافقت نامه‌ها احترام نمی‌گذاشتند. اسیران جنگی در اردوگاههای آلمان به شدت رنج می‌کشیدند زیرا جیره غذایی آنها در آخرین ماههای جنگ، قطع گردیده بود. بسیاری از اسیران شیوه‌های مبتکرانه‌ای برای فرار طراحی کردند ولی اندکی از آنها به موفقیت رسیدند و گاه مجازات‌های سختی علیه کسانی که دستگیر می‌شدند، اعمال می‌شد.

▶ علامتگذاری اسیران

تمامی اسیران جنگی مجبور بودند این گونه علامت‌های شناسائی را همیشه به گردن خود بیاویزند. این دو علامت از اردوگاههای افلاک XVILA و اشتلاک VI/A آلمان به دست آمده‌اند.



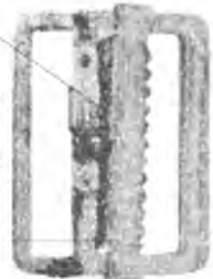
◀ پول اردوگاهها

اسیران کشورهای متحد در اردوگاههای آلمان در ازای کاری که انجام می‌دادند، پول ویژه اردوگاه (به نام لاگر گلد) به عنوان حقوق دریافت می‌کردند. از این پول مانند اسکناس می‌شد در خرید ریش تراش، صابون، خمیر دندان و گاه جیره غذایی بیشتر از غذاخوری اردوگاه، استفاده کرد.

تیغه ارای کوچک

▶ تیغه سگک

برخی از اسیران موفق شدند با ابزار ساده‌ای از اسارت بگریزند. تیغه‌ای که در سگک یک کمربند پنهان شده بود می‌توانست به یک اسیر کمک کند در صورت به بند کشیده شدن، بندهای خود را ببرد.



اسیران لهستانی روی بخاری‌های دست ساز داخل کلبه‌های خود در یک اردوگاه اسیران آلمان غذای قاچاقی خود را می‌پزند.



▶ زندگی در اسارت

کنوانسیون ژنو، موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی در مورد حقوق اسیران بود. در این موافقت‌نامه اعلام شده بود که اسیران باید از لباس کافی، غذا و رفتار مناسب مانند رفتاری که با نگرهبانان آنها می‌شود، برخوردار بوده و اجازه داشته باشند

اموال خود را حفظ و براساس مذهب خود رفتار کنند و از مراقبت و درمان پزشکی برخوردار شوند. این کنوانسیون همیشه رعایت نمی‌شد و بسیاری از اسیران در شرایط اسف‌باری نگاهداری می‌شدند.

سوزن قطب نما



◀ قطب‌نمای کوچک ای

قطب‌نمای کوچک ولی خوبی در داخل یک دکمه مخفی گردیده است. یک فراری به محض فرار، از آن برای جهت‌یابی مسیر خود در داخل خاک دشمن به سوی کشورش استفاده می‌کرد.

میخ نگه‌دارنده تیغه روی پاشنه

تیغه‌های قابل چرخش

▶ وسایل هوشمند

تیغه‌های مخصوص فرار که به شکل سکه‌های پول بود به پاشنه فلزی کفش‌های سربازان با میخ نصب و گاهی این تیغه‌ها به دو طرف سکه‌ها محکم می‌شدند. با این تصور که اگر به اسیران اجازه داده شود پول خردشان را نگه‌دارند هنگام فرار از آن تیغه‌ها استفاده کنند. نگرهبانان معمولاً اسکناس‌های زندانیان و اسیران را مصادره می‌کردند.



◀ فرار به صورت پرواز

ساختن این هواپیمای بدون موتور در اتاق زیر شیروانی پادگان کولدیتز آلمان، یکی از چندین برنامه مبتکرانه فراریان بود. کولدیتز، اردوگاه تنبیهی برای افسران متفقین بود که سعی کرده بودند از اردوگاه‌های دارای ایمنی کمتر فرار کنند. از ۱۵۰۰ اسیری که آنجا نگاهداری می‌شدند، ۱۷۶ تن سعی کردند فرار کنند ولی تنها ۳۱ نفر موفق شدند.



► مردان دارای مأموریت

زندانیان در کولدیتز و دیگر اردوگاه‌ها از تمامی مواد موجود در اردوگاه‌ها برای فرار کمک می‌گرفتند. این ابزار ابتدایی از چوب تخت‌خواب و تکه‌های فلز ساخته شده است که در کولدیتز برای ساختن هواپیمای بدون موتور مورد استفاده قرار گرفت.



اره و رنده دست ساز (زیر)

◀ چکمه فرار

خلبانان نیروی هوایی سلطنتی انگلستان از نوعی چکمه هوانوردی استفاده می‌کردند که به راحتی قابل بریده شدن و تبدیل به کفش معمولی بود. به همین دلیل آنها برای این کار همیشه یک چاقو در جیب مخفی لباس شان داشتند. این فکر، هوانوردان را قادر می‌ساخت هنگام فرود اجباری و یا سقوط هواپیمای شان در خاک دشمن، برای جلوگیری از خطر دستگیری، خود را به عنوان غیر نظامی جا بزنند.



کفش بریده شده

چکمه پرواز



بسته غذایی صلیب سرخ

◀ هدیه‌های کمیاب

بر اساس کنوانسیون ژنو، اسیران اجازه داشتند نامه دریافت کرده یا از غذا، لباس و کتابهایی که خانواده آنها ارسال می‌کردند، بهره‌مند شوند. صلیب سرخ که در یکی از شهرهای کشور بی طرف سوئیس به نام ژنو فعالیت می‌کرد، این عملیات را سازماندهی می‌نمود. ورود این مرسولات برای اسیران به شدت هیجان‌انگیز بود، زیرا بدین سان آنها با خانواده‌هایشان در تماس بودند و هدیه‌های خوراکی دریافت می‌کردند.

► کروکودیل‌های اردوگاه

این آلمانی‌ها در ژوئن ۱۹۴۴ در نرماندی به اسارت متفقین درآمدند. آنها از طریق کانال انگلیس وارد انگلستان شدند و سپس در یک صف به سوی اردوگاهی در آن نزدیکی پیاده روی کردند. اسیران جنگی معمولاً صدها مایل را برای رسیدن به اردوگاه می‌پیمودند. ایتالیایی‌های دستگیر شده در آفریقای شمالی به استرالیا، آفریقای جنوبی و هندوستان برده می‌شدند. حدود ۵۰۰۰۰ نفر از ایتالیایی‌ها به ایالات متحده فرستاده شدند.



کنس‌ها، مواد غذایی که در اردوگاه موجود نبود.

زندگی در کنار دشمن



پس از اعلان صلح، همه اسیران بلافاصله به میهن خود بازنگشتند. بعضی از آنها توانستند با افراد محلی روابط صمیمانه برقرار کنند. گاهی احساسات عاشقانه بین آنها به وجود می‌آمد. لودویک مایر (دومی از سمت راست)، معمار آلمانی زندانی در اسکاتلند در سال ۱۹۴۷ با زنی انگلیسی به نام لوسی توپر ازدواج کرد. او ناچار شد یک سال دیگر تا آزاد شدنش صبر کند.

خوشحال از زنده ماندن

در آوریل ۱۹۴۵، ۹۰۰۰ اسیر شوروی به دست نیروهای آمریکا از اردوگاه ۳۲۶ آلمان به نام اشتلاگ (زیر) آزاد شدند. متأسفانه ۳۰۰۰۰ اسیر قبلاً در آن جا تلف شده بودند. نگهبانان آلمانی با اسیران شوروی رفتار بسیار خشنی داشتند. آنها مجبور می‌شدند از



جبهه شرقی آلمان هفته‌ها برای رسیدن به اردوگاه‌های آلمان پیاده روی کنند. با ورود به اردوگاه جیره غذایی ناچیزی به آنها داده می‌شد.



رمز گشایان

یک رمز، جایگزین کلمات، حروف، شماره‌ها یا نمادهای موجود در یک پیغام می‌شود. صفر شکلی از رمز است که به حروف یا شماره‌های یک پیغام افزوده می‌شود یا جایگزین آنها می‌گردد تا پیغام برای همگان مفهوم نباشد. هم متفقین هم دولت‌های محور از رمز و صفر در طول جنگ استفاده گسترده‌ای بردند. پیام‌های دستگاه‌های رمزی ژاپن به نام مخمل و آلمان به اسم معما، با موفقیت رمز گشائی شد.

کارشناسانی رمز در آمریکا و اروپا ابتدا پیام‌های ژاپنی و سپس آلمانی را رمز گشایی کردند. از این طریق اطلاعات نظامی و دیپلماتیک ارزشمندی در اختیار متفقین قرار گرفت و برتری چشمگیری به آنها در برابر دشمن بخشید.

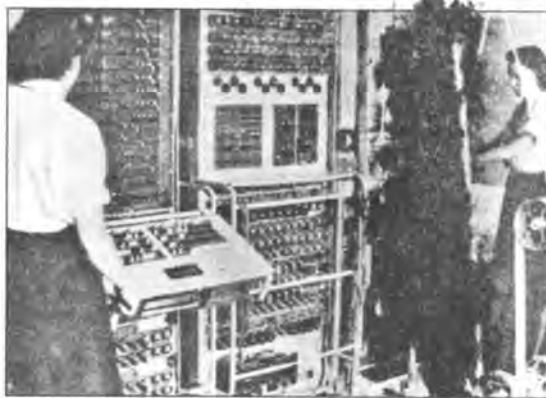
▶ آلن تورن

ریاضی دان آلن تورن (۱۹۱۲-۵۴) از جمله افراد ارزشمندی بود که در طول جنگ برای اداره اطلاعات انگلیس کار و فعالیت می‌کرد. او در رمزگشایی انیگمای آلمان نقش محوری بازی کرد و فعالیت او روی نظریه کامپیوتر و هوش مصنوعی در سال‌های بعد به توسعه کامپیوترهای مدرن منجر شد.



▶ کامپیوترهای اولیه

دانش پژوهان در مرکز رمزگشائی انگلستان یعنی پارک بلچلی، ماشینی به نام «بامبی» را برای رمزگشایی اولین پیام انیگمای آلمان، به وجود آوردند. بامبی می‌توانست هرگونه ترکیب حروف در دستگاه رمز آلمانی‌ها را کشف کند. با پیچیده تر شدن انیگما، انگلیسی‌ها کلوسوس یعنی طلایه دار کامپیوترهای الکترونیکی مدرن را پدید آوردند.



چراغ‌های چشمک زن

سوراخ‌هایی که حروف رمزگشایی شده را نشان می‌دادند.

موقعیت قرار گرفتن حروف، رمز هر یک از حروف جایگزین شده را مشخص می‌کرد؛ این حروف گردان پس از هر حرفی که رمزگشایی می‌گردید، می‌چرخیدند.

صفحه کلید برای تایپ یک پیغام

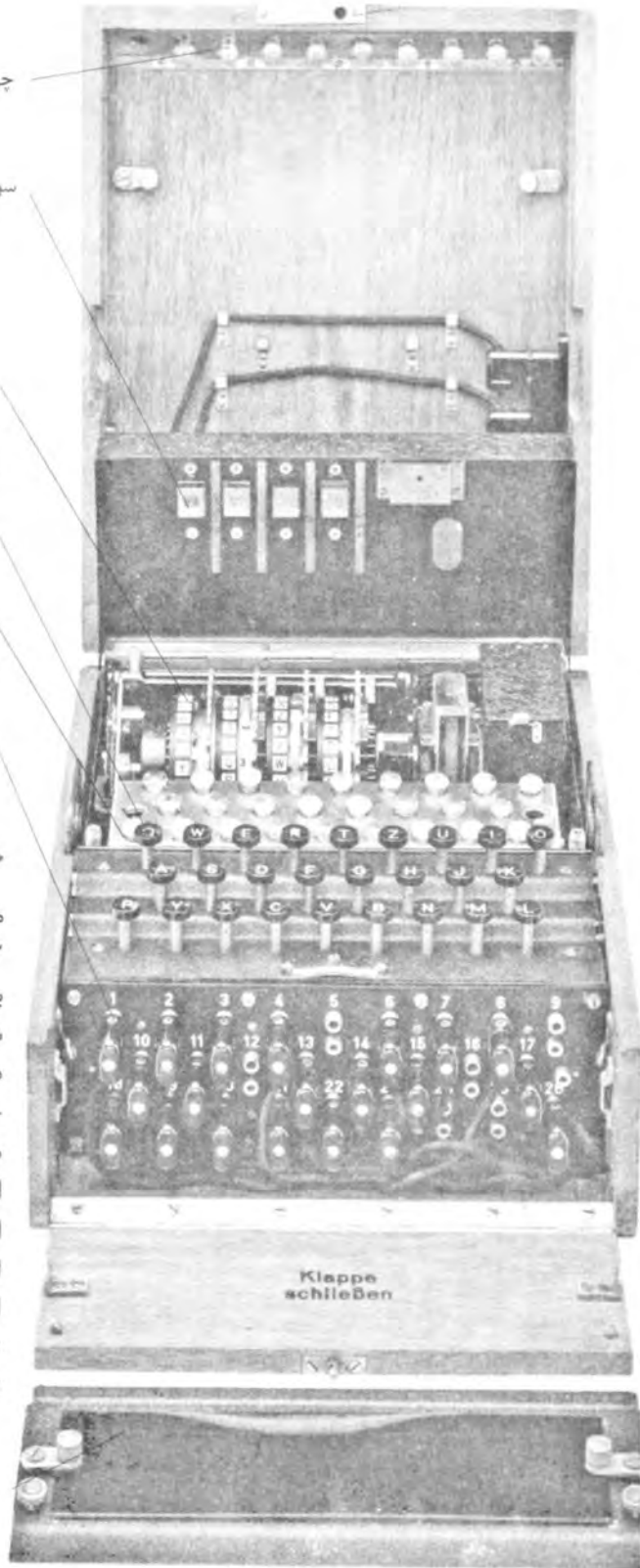
چراغ‌های الفبائی آخرین حرف رمزگشایی شده را نشان می‌دهند.

تنظیمات این صفحه هر روز تغییر داده می‌شد.

▶ صفر انیگما

ماشین آلمانی انیگما اولین ماشینی بود که در سال ۱۹۲۳ برای رمزگذاری اسرار و مکاتبات تجاری به کار گرفته شد. بعدها این ماشین توسعه داده شد و به دستگاه رمزگذاری اصلی در زمینه‌های دیپلماتیک و نظامی تبدیل گردید که در طی جنگ جهانی دوم مورد استفاده قرار گرفت. انیگما هر نامه‌ای را جداگانه رمزگذاری می‌کرد. این کار از طریق مجموعه‌ای از حروف الفبائی چرخان انجام می‌گرفت که روی یک سیلندر با فواصل از قبل تعیین شده قرار داشتند و به مجموعه‌ای از فیش‌های واقع در پشت دستگاه متصل بودند. تنظیمات دستگاه هر روز تغییر می‌کرد و میلیونها ترکیب احتمالی از حروف را به وجود می‌آورد.

صفحه چراغ‌های راهنما



حلقه سری ▶

اشیاء معمولی مانند این حلقه در طول جنگ برای مخفی کردن میکروودات استفاده می‌شد. میکروودات عکس بسیار کوچکی از یک پیغام رمزی است که تنها با میکروسکوپ قابل خواندن است. برای گشودن رمز میکرووداتها، باید آنها به اندازه واقعی بزرگنمایی شوند.

محفظه پنهانی

بیج بالایی



بوریس هاگلین، دستگاه تبدیل کننده خود به نام M-۲۰۹ را نشان می‌دهد.

تبدیل سازی ◀

در دهه ۱۹۳۰، کارشناس رمز سوئیسی به نام بوریس هاگلین دستگاه تبدیل ساز M-۲۰۹ را اختراع نمود. این اصلی ترین دستگاه رمز بود که طی جنگ مورد استفاده ارتش آمریکا قرار گرفت. بیش از ۱۴۰۰۰۰ عدد از این نوع دستگاه برای نیروهای امریکائی تولید شد.

یان فلمینگ، نویسنده رمان جاسوسی جیمز باند.



از واقعیت تا افسانه ▶

بعضی از افرادی که در طول جنگ مشغول رمزگشایی و کسب اطلاعات بودند بعدها تجربیات خود را به نگارش درآوردند. یکی از این افراد، یان فلمینگ (۱۹۰۸-۶۴) بود که برای اداره اطلاعات ناوگان انگلیس کار می‌کرد.

قسمت سوئیچ

اجزاء مرحله بندی کننده سوئیچها

سوئیچ مرحله بندی شده



رمز مخملی ◀

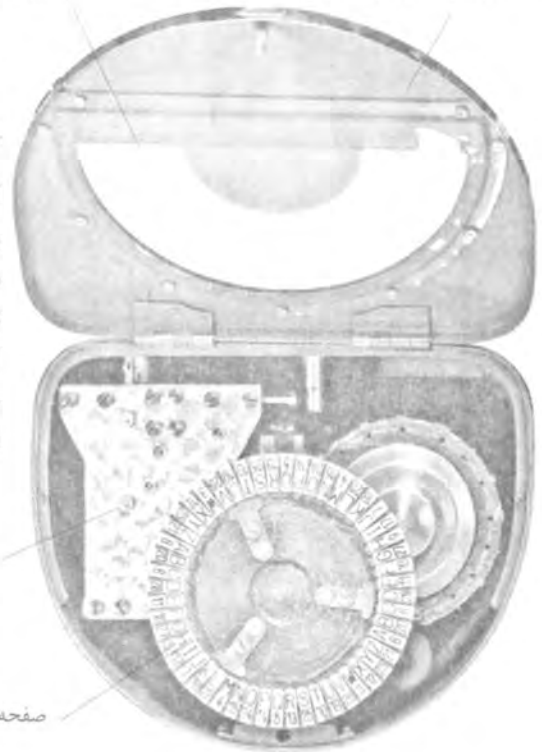
دستگاه رمز مخملی ژاپن از سوئیچهای صفحه کلید و تلفن برای ایجاد دستگاهی به پیچیدگی دستگاه انیگمای آلمان بهره می‌برد. سازمان اطلاعات امریکا در سپتامبر ۱۹۴۰ رمز مخملی را شکست و نسخه‌ای از این دستگاه را به وجود آورد.

پوشش بالایی در حالت باز

روزنه خواندن پیام

رمز کرایها

کرایها در سال ۱۹۲۴ اختراع شد که از یک چرخ فنری برای درج الفبا و رمزگذاری پیغامها استفاده می‌کرد. هر حرفی، در هر بار جایگزین حرفی دیگر می‌شد و در نگارش یک کلمه مورد استفاده قرار می‌گرفت و بنابراین کار رمزگشایی را دشوار می‌نمود. دیپلمات‌های آلمان طی جنگ از کرایها استفاده می‌کردند ولی نمی‌دانستند که امریکائی‌ها قبلاً رمز آن را گشوده‌اند.



موتور فنری

صفحه‌های نمایشگر

برل هاربر پس از حمله ژاپن

اطلاعات نادیده گرفته شده

اطلاعات دیپلماتیک ارسال شده توسط دستگاه رمز مخلمی ژاپن توسط امریکا دریافت و سپس رمزگشایی می‌گردید. یک پیغام حاکی از حمله ژاپن در سال ۱۹۴۱ بود ولی روشن نبود که آیا هدف برل هاربر در هاوایی است یا خیر و زمانی که قصد ژاپن معلوم شد دیگر خیلی دیر شده بود. با این حال در سال ۱۹۴۲ موفقیت در رمزگشایی پیغام‌ها، امریکا را قادر ساخت در نبرد سهمگین می‌دوی، ناوگان ژاپن را درهم بشکند.



ورود امریکا به جنگ

پس از ضربه پرل هاربر، ایالات متحده اقتصاد خود را به ماشین جنگی عظیمی مبدل ساخت. همان گونه که پرزیدنت فرانکلین روزولت گفت، اقتصاد تبدیل به «رزادخان دموکراسی» گردید. همه نوع سلاح لازم برای جنگ و پیروزی در هوا، زمین و دریا، در مقیاس گسترده توسط کارخانه‌های کشور تولید می‌شد. هزینه تولیدات جنگی افزایش گسترده‌ای یافت، بیکاری از بین رفت، و دستمزدها دو برابر شدند. اگرچه نظام سهمیه بندی کالا برقرار شد ولی خیلی کمتر از دیگر کشورهای درگیر جنگ، مساله‌ای جدی به شمار می‌آمد.



رمان درقطع جیبی مربوط به نیروهای آمریکایی

تولید انبوه

کارخانه‌های هواپیماسازی مانند کارخانه بوئینگ در سیاتل، نقش عمده‌ای در ساخت تسلیحات جنگی داشتند. در مجموع، کارخانجات ایالات متحده، بیش از ۲۵۰۰۰۰ هواپیما، ۹۰۰۰۰ تانک، ۳۵۰ کشتی جنگی و ۲۰۰ زیردریانی تولید کردند. در سال ۱۹۴۴ چهل درصد تسلیحات دنیا در امریکا تولید می‌شد.



مسلسل برونینگ

مسلسل کالیبر ۵۰ برونینگ، سلاح استاندارد بود که در بمب افکن‌های امریکا به کار گرفته شد. برای مثال بوئینگ جنگنده B-17، ۱۳ عدد از این مسلسل‌ها را با خود حمل می‌کرد. برونینگ در سایر بمب افکن‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. این مسلسل معمولاً در حمله علیه هواپیماهای جنگنده آلمان بی رقیب بود.

► نیروهای هوایی

این نشان‌های متعلق به نیروی هوایی ایالات متحده (USAAF) علامتی برای یگان‌های مختلف هستند. نیروی هوایی پانزدهم برای بمباران اهداف متعلق به آلمان را پایگاه‌های جنوب ایتالیا، تاسیس شد، نیروی هوایی نهم از عملیات متفقین در شمال آفریقا و ایتالیا پشتیبانی می‌کرد. نیروهای هوایی هشتم، نهم و پانزدهم بعداً در نیروهای هوای استراتژیک آمریکا در اروپا ادغام شدند.



نیروی هوایی پانزدهم



نیروی هوایی نهم



نیروی هوای استراتژیک ایالات متحده



◀ جنگ با آتش

یک دریانورد آمریکایی که چهره اش با کرم محافظت کننده پوشانده شده، هنگام جنگی سخت در گودال کانال در اقیانوس آرام دیده می‌شود. این تصویر در سال ۱۹۴۹ گرفته شده و نشان می‌دهد که از آتش افکن چگونه استفاده می‌کند. آتش افکن‌ها برای آتش زدن ساختمان‌ها، نابود کردن علفزارهای خشک و فراری دادن دشمن استفاده می‌شدند.

► لیبراتور B-۲۴

این لیبراتور B-۲۴ که راهی طولانی را از جنوب ایتالیا پیموده برای بمباران سکوهای نفتی در پلوستی، جنوب رومانی، در ارتفاع پائین در حال پرواز است. B-۲۴ بمب افکن سنگینی با برد طولانی بود که می‌توانست مأموریت‌های دور در داخل سرزمین‌های اروپایی تحت اشغال آلمان را انجام دهد.



موس‌ت‌انگ ۲۰۸۰ مایل (۳۳۴۷ کیلومتر) برد داشت.

حداکثر سرعت موس‌ت‌انگ ۴۳۷ Mph
(۷۰۴ kph) بود.

موس‌ت‌انگ P-۵۱
امریکای شمالی

مخزن سوخت قابل رها شدن

جنگنده

موس‌ت‌انگ P-۵۱ یکی از بهترین هواپیماهای جنگی در زمان جنگ بود. نمونه‌های اولیه ارتفاع و برد محدودی داشتند. ولی بعداً با تجهیز دوباره، بهبود عملکرد موتور و نصب مخزن‌های بزرگ تر سوخت آن را تکمیل کردند. قسمت عقبی بدنه هواپیما قابل جدا شدن بود و این باعث شد نمونه چهارم (D ۵۱-P) به جنگنده‌ای عالی تبدیل شود. این جنگنده برای اسکورت و دفاع از بمب افکن‌ها در مأموریت‌های طولانی در خاک آلمان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

چتر نجات فن‌دار

کیسه‌ای برای
پوک‌ه‌ف‌شنگ‌ها

محافظ مرکزی که چتر
به آن متصل می‌شد

کابل فولادی چتر

چهار چتر نجات برای
فروود آرام

صفحه ضد ضربه روی بالشتک
زیر چرخ‌ها برای محافظت از
جیب هنگام فروود آمدن

دسته آزاد کننده چتر

۵۴ تاریخچه جنگ



استراحت هوانوردان

استراحت مابین ماموریت‌ها، برای تجدید قوای هوانوردان ضروری بود. این خلبان‌های موستانگ P51 بخشی از نیروی هوایی پانزدهم آمریکا مستقر در جنوب ایتالیا بودند.



کلاه محافظ که در برچک‌ها و دیگر موقعیت‌های جنگی یعنی جاهانی که کلاهخودها خیلی بزرگ بودند، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

پوشیدن ژاکت ضد هوایی

این گونه ژاکت‌ها مانند عکس بالا را خدمه هوایی آمریکا برای محافظت از خودشان در برابر آتش هوایی‌ها به تن می‌کردند. این ژاکت‌ها در سال ۱۹۲۴ معمول شدند. در سال ۱۹۴۴، ۱۳۵۰۰ نفر در نیروی هوایی هشتم از این ژاکت‌ها استفاده می‌کردند که ماموریت آن بمباران خاک تحت اشغال آلمان در اروپا بود.

جیب آمریکائی می‌توانست ۳۶۰ کیلوگرم بار حمل کرده و در همان حال توپ کوچک ضد تانکی را نیز جابجا نماید.

جیب مخصوص عملیات هوایرد

ارتش آمریکا در عملیات هوایرد و ارسال نیروای چتر باز خود به پشت مواضع دشمن، به همراه نیروهای چتر باز، جیب‌های مخصوصی را نیز همراه آنها از هوایرد فرو می‌ریخت. این جیب‌ها تقریباً تمامی تجهیزات مورد نیاز را به همراه داشته و چرخ‌های آن طوری طراحی شده بود که توانایی فرود در زمین‌های مختلف را داشت. آمریکائیان این جیب را در سال ۱۹۴۰ تولید و بتدریج توسعه دادند. در آن زمان بیشتر ارتش‌ها آرزوی داشتن چنین جیب‌هایی را داشتند.

محافظ چرخ‌ها، هنگام فرود از آسمان



زنان در عرصه کار و فعالیت اجتماعی

قبل از وقوع جنگ جهانی دوم، اکثر زنان هنوز در درون خانه فعالیت می‌کردند، اما به دلیل دور شدن مردان و رفتن آنها به جبهه‌های جنگ، زنان تبدیل به نیروی کار اصلی شدند. تقریباً هر وظیفه‌ای که قبلاً انجام دادن آنها به مردان محدود می‌شد اکنون بر دوش زنان وانهاده شده بود، از جمله می‌توان مشاغل هم‌چون رانندگی اتوبوس، اپراتوری بلندگوهای ایستگاه‌های قطار، مکانیکی و فروشندگی مغازه‌ها و عملیات مهندسی را نام برد. همچنین زنان نقش مهمی در نیروهای مقاومت بازی می‌کردند و بعضی از آنها به عملیات ویژه‌ای پیوستند که در خاک دشمن انجام می‌شد. بدون همیاری جدی زنان، ادامه جنگ و پیروزی در آن ممکن نمی‌شد. پس از جنگ، نگرش به زنان در محیط کار برای همیشه تغییر کرد.



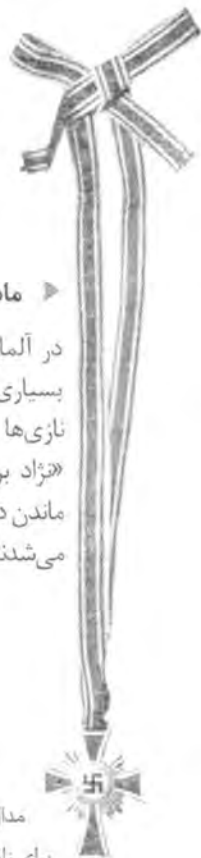
سربازان جدید ▲

در آلمان چون اعزام مردان زیادی برای جنگ ضرورت داشت، پوسترهایی برای جلب شمار بیشتری از زنان به عرصه فعالیت در پشت جبهه و صحنه نبرد چاپ شدند. این پوستر تصویر باشکوه از زندگی در مقام اسنادگر لوفترافه (نیروی هوایی آلمان) را به نمایش می‌گذارد.

► مادران نازی

در آلمان، مادرانی که صاحب فرزندان بسیاری بودند، مدال دریافت می‌کردند. نازی‌ها از زنان آلمانی به عنوان مادران «نژاد برتر» تجلیل می‌کردند. زنان به ماندن در خانه و پرورش کودکان تشویق می‌شدند.

مدال نقره‌ای (درجه دوم) پاداش برای زایش شش تا هفت فرزند بود



یک زن در حال کمک به تعمیر و نگهداری هواپیما



تعمیر و نگهداری هواپیما ▲

کمبود خلبان ها و مکانیک‌های مرد بدان معنا بود که زنان باید پرواز و نگهداری از هواپیماها در طول جنگ را بیاموزند. به آن‌ها هواپیماهای جدیدی از سوی کارخانجات تحویل داده شد و آنها نقش عمده‌ای در سرویس و آماده سازی هواپیماها در بین مأموریت‌ها بازی کردند.

▶ دختران کشاورز

یکی از کمک‌های مهم زنان در عملیات پشت جبهه، به عهده گرفتن اداره مزارع و تامین غذاهای بسیار ضروری برای سربازان بود. در بریتانیا ارتش زنان کشاورز حدود ۷۷۰۰۰ نفر را برای انجام امور کشاورزی مانند شخم زنی و برداشت محصول استخدام نمود.



▲ دوزندگان چتر

خیاطان زن ساعت‌های متمادی کار می‌کردند تا نیاز مداوم به چتر را تامین کنند. نیروهای مسلح به هزاران چتر نیاز داشتند. سربازان و خلبانان پرواز در صورتی که مجبور به خروج از هواپیما می‌شدند و همچنین نیروهای هواپرد برای فرود از آسمان به عرصه نبرد، نیازمند چتر بودند.



نگهبانی شبانه

بسیاری از زنان، اپراتور نورافکن‌هایی بودند که جنگنده‌های مهاجم را ردیابی می‌کردند. به محض تشخیص موقعیت هواپیماهای دشمن توسط زنان، پدافند ضد هوایی برای نابودی آنها هدف‌گیری کرده و مانع از ریختن بمب‌های مرگبارشان می‌شد. اگرچه برخی از زنان وظیفه آماده‌سازی توپ‌های ضد هوایی را بر عهده داشتند ولی عملاً اجازه شلیک به آنها داده نمی‌شد. زنان غیر از همکاری با نیروهای یگان ضد هوایی، به نگهبانی از خیابان‌ها و محوطه پادگان‌ها به عنوان پاسدار مشغول بودند.



۳۴۳ (A) اپراتور نورافکن خانمی است که آسمان شب را برای شناسایی بمب افکن‌های دشمن تجسس می‌کند.

کیف ماسک ضد گاز

خطر حملات شیمیایی در انگلیس آنقدر زیاد بود که همگان همیشه باید ماسک ضد گاز با خود همراه می‌داشتند. این کیف دستی زیبایی زنانه، قسمتی برای مخفی کردن ماسک ضد گاز دارد. اما اکثر مردم، ماسک‌های خود را در جعبه‌های مقوایی نگهداری می‌کردند که گاهی خانم‌ها با پارچه آنها را تزئین می‌نمودند.



قسمت ماسک ضد گاز

روزی ریوتر

در آمریکا شخصیت افسانه‌ای روزی ریوتر به نماد ملی فعالیت‌های جدید زنان تبدیل شد. ضروری بود زنان وارد کارخانه‌ها شده و جایگزین ۱۶ میلیون شهروند آمریکایی گردند که به خدمت نظام وظیفه فراخوانده شده بودند. مشاغل جدید زنان بمب‌سازی، هواپیماسازی، کشتی‌سازی و تانک‌سازی و اداره خطوط آهن و دیگر خدمات اساسی بود.

«روزی ریوتر» که توسط نورمن راکول برای مراسم شامگاه شنبه، مه ۱۹۴۳ به تصویر کشیده شده است.



► تبدیل ماهی تابه به هواپیما

در زمان جنگ به دلیل کمبود آهن، قلع و آلومینیوم، دولت با چاپ و پخش پوسترهایی از زنان خانه دار درخواست کرد که وسایل خانگی بدون استفاده خود را به دولت واگذار کنند. قابلمه و ماهی تابه‌های قدیمی ذوب می‌شدند و از آنها هواپیما ساخته می‌شد. میله‌های آهنی از پارک‌ها، باغ‌ها، خودروهای قدیمی و هر نوع آهن قراضه از نقاط مختلف جمع آوری شده و برای ساخت کشتی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت، حتی لباس‌های پشمی قدیمی شکافته می‌شد و برای بافتن جوراب و شال گردن نیروهای نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفت.



ماهی تابه ساخته شده از تکه پاره‌های هواپیمای آلمانی



◀ ماهی تابه

هواپیمای ساقط شده دشمن گاهی بازیافت شده تبدیل به ماهی تابه و سایر اقالام خانگی مفید می‌شدند.



▲ آموزش حمله هوایی

در هندوستان، ترس از حمله ژاپن باعث شد دولت اقدامات احتیاطی انجام دهد. این زنان در بمبئی در حال آموزش انجام اقدامات احتیاطی ضد هوایی (ARP) هستند. برخی دیگر به عنوان دستیار برای نیروهای نظامی آموزش می‌دیدند تا از سربازان مشغول جنگ در خاور دور پشتیبانی کنند.

کودکان زمان جنگ

در سراسر دنیا، کودکان تمامی کشورهای درگیر جنگ، مانند پدر و مادر، پدربزرگ و مادربزرگ‌های خود تحت تاثیر جنگ قرار گرفتند. خانه‌های آنان بمباران می‌شد یا در آتش می‌سوخت، پدران آنها به جنگ فراخوانده می‌شدند و مادران شان به کار در کارخانجات یا صنایع جنگی مشغول می‌شدند. خاک بعضی از کشورهای اروپای مرکزی و آسیای شرقی اشغال شده یا صحنه نبرد سربازان با دشمنان خارجی بود. تعدادی از کودکان نیز همیشه در زیر سایه تهدید و تجاوز دشمن زندگی می‌کردند. برای یک دسته از کودکان خاص، جنگ ترس و ویژه به دنبال آورد زیرا مقامات آلمانی در پی یافتن کودکان مخالفان و فرستادن آنها به اردوگاه‌های مرگ بودند. برای بسیاری از کودکان مهم نبود که به کدام طرف جنگ تعلق دارند زیرا جنگ آنها را از آموزش و زندگی عادی و سعادت‌مندانه بازداشته بود.

▶ رشد و پرورش در ژاپن

به کودکان ژاپنی در مدرسه، برتری کشور آنها و وظیفه آنها به جنگ برای امپراطور آموزش داده می‌شد. با پیشرفت جنگ، آموزش نظامی اجباری شد و تعدادی از کودکان مجبور شدند در نیروی کارگری دانش آموزی کار کنند. در سال ۱۹۴۴ بمب افکن‌های امریکا تقریباً هر روز به شهرهای بزرگ ژاپن حمله می‌کردند. در نتیجه، بیش از ۴۵۰۰۰۰ کودک از شهرهای بزرگ تخلیه شدند و در پی سرنوشتی نامعلوم از خانواده‌های شان جدا گردیدند.



یک کارت بازی کودکان انگلیسی



◀ سرگرمی در زمان حمله هوایی

در طول سالهای جنگ، اسباب‌بازی و سرگرمی‌های بسیاری با موضوعات گوناگون مانند بازی با این کارت‌ها ابداع می‌شدند. در طول ساعت‌های طولانی که در پناهگاه‌های ضد هوایی سپری می‌شد، بازی با کارت، روش همه‌پسند و سرگرمی مناسبی برای گذران اوقات مردم بود.

مسی افرادی که در مواقع اضطراری جابجا می‌شدند کارت هائی
 - گردن خود می‌آویختند که نشان دهنده مقصد آنها بود.



تخلیه شوندهگان

در سراسر جهان، جنگ بسیاری از نوباوگان را از خانواده‌هایشان جدا کرد. در طول حملات هوائی شدید آلمان، کودکان انگلیسی برای در امان ماندن از خطرات احتمالی، به زندگی با خانواده‌هایی غیر از خانواده خودشان در روستاها و یا حتی خارج از کشور مجبور شدند. اگرچه بعضی کودکان از زندگی جدیدشان لذت می‌بردند ولی بسیاری از آنها دچار درد و وحشتناک دوری از وطن می‌گردیدند.

بچه‌های تخلیه شده اجازه داشتند اسباب‌بازی مورد علاقه‌شان را همراه بیاورند.

این کودکان منتظر اتوبوس برای رسیدن به خانه جدیدشان در حومه شهر هستند.

عینک محافظ



فیلتر هوا

ماسک‌های جدید

ماسک‌های ضد گاز «میکی موس» برای کودکان انگلیسی ساخته شدند. به کودکان در مدرسه آموزش داده می‌شد که در هر زمان ماسک‌های خود را همراه داشته باشند، روش فوری نصب آنها نیز نمایش داده می‌شد.

ماسک ضد گاز «میکی موس»

کودک یارتیزان مسلح در لتینگراد، روسیه، سال ۱۹۴۳



► برای مام میهن

با پیشروی ارتش آلمان در خاک روسیه در سال ۱۹۴۱، بسیاری از کودکان یتیم و آواره شدند. بعضی از نوجوان‌ها به گروه‌های مبارزه کننده با آلمان‌ها پیوستند. کودکان در سنین حدود ده سال

در نقل و انتقال پیام مبارزین، تهیه مواد غذایی و حتی با شرکت در عملیات کمین و خرابکاری سهم خود را ادا می‌کردند.



◀ اسباب‌بازی‌های نازی

تبلیغات تمامی جنبه‌های حیات مردم آلمان را تحت تاثیر قرار داده بود. حتی اسباب‌بازی‌هایی مانند این تصویر، تعبیری از تاریخ را آموزش می‌داد که نژاد «آریائی» (موهای بلوند و چشم‌های آبی) و نابودی مخالفان را تجلیل می‌کرد. به کودکان آموزش داده می‌شد که آلمان‌ها نژاد برتر جهان هستند.

► در خفا

مانند همه کودکان یهودی، آنه فرانک (۱۹۲۹-۴۵) یا آینده وحشتناک دستگیری و گسیل به اردوگاه‌های کار اجباری توسط آلمان‌ها مواجه شد. به مدت دو سال او و خانواده‌اش در یک زیر شیروانی مخفی در هلند پنهان شده بودند. آنه وقایع و خاطرات روزمره‌اش و امید خود برای آینده را می‌نوشت. اما در اوت ۱۹۴۴ به خانواده او

خانت شد. آنه در اثر تیفوس در اردوگاه کار اجباری، بلسن در مارس ۱۹۴۵ درگذشت.

Dit is een foto van
ik me zou wensen.
dit is zo te zijn
dat had ik nog wel
een kans om naar
Hollywood te komen
Dusseldorf
18 Oct. 1942



حیوانات وحشی ساخته
شده از کاغذ

▶ بازی کاغذی

در زمان جنگ، در سراسر اروپا تولید اسباب‌بازی به حداقل خود رسیده بود. زیرا بیشتر مواد اولیه برای تولید سلاح و ماشین جنگی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در نتیجه، کودکان باید خود را با اسباب‌بازی‌های ساده‌ای سرگرم می‌کردند که از مقوا یا کاغذ ساخته می‌شدند.



◀ اجبار به پیروی از هیتلر

در ابتدا، عضویت در گروه جوانان هیتلری داوطلبانه بود. اما در سال ۱۹۳۶ تمامی گروه‌های جوان آلمانی منحل شدند و پیوستن به گروه جوانان هیتلری برای تمامی جوانان بین ۱۰ تا ۱۸ سال اجباری شد.

کارت عضویت جوانان هیتلری

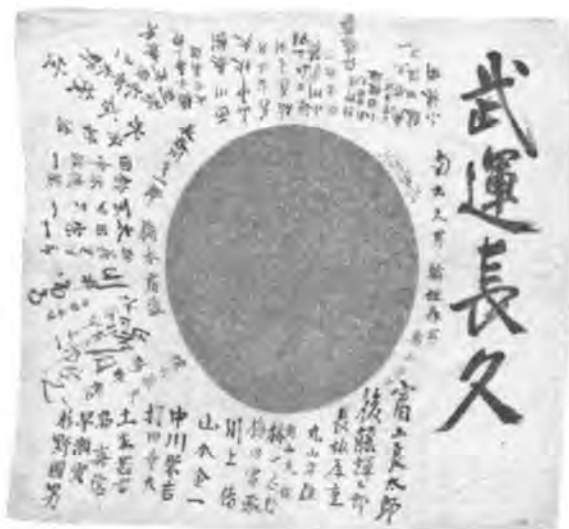
▼ نازی‌های جوان

در سال ۱۹۲۶، گروه جوانان هیتلری به عنوان شاخه جوانان پسر حزب نازی تشکیل شد. دختران به اتحادیه دختران آلمان پیوستند. اعضا یونیفورم پوشیده، رژه می‌رفتند و در اردوهای تابستانی حاضر می‌شدند. در سال ۱۹۴۳، جوانان ۱۶ سال به بالا به جنگ فراخوانده شدند. سربازان کم سن و سال تر در مزارع یا تحویل نامه‌ها کمک می‌کردند.



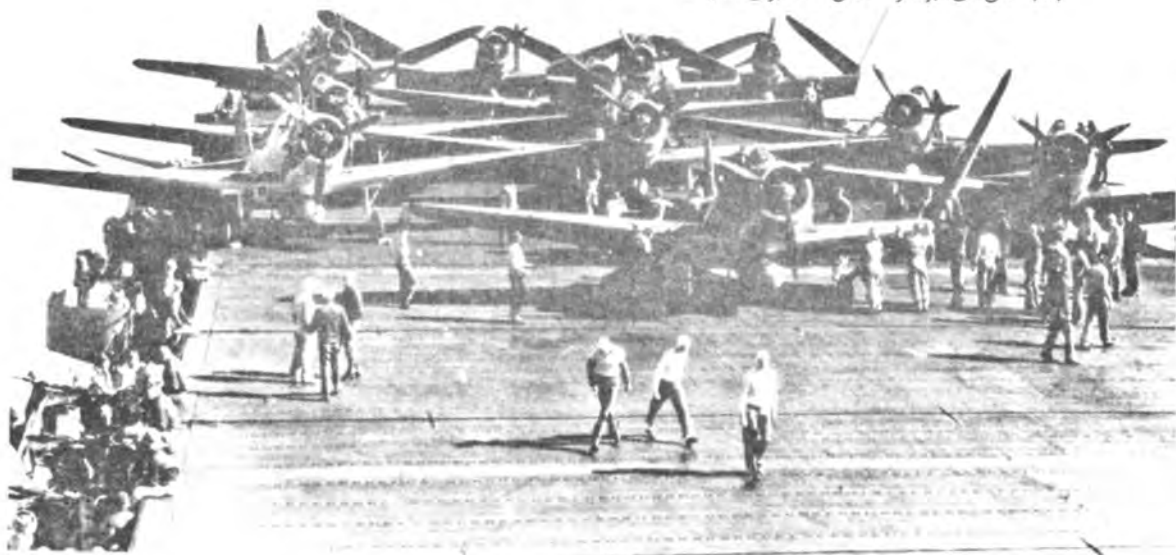
نبرد اقیانوس آرام

پس از حمله غافلگیرانه به پرل هاربر در دسامبر ۱۹۴۱، ژاپن تمامی آسیای جنوب شرقی و جزایر اقیانوس آرام را تسخیر کرد. در مه ۱۹۴۲، ژاپنی‌ها، برمه، مالایا (مالزی فعلی)، هند شرقی، هلند (اندونزی کنونی)، سنگاپور و فیلیپین را مورد حمله قرار دادند و در حال پیشرفت از جزیره‌ای به جزیره دیگر در اقیانوس آرام و به سمت جنوب یعنی استرالیا و به سوی شرق یعنی آمریکا بودند. هدف ژاپنی‌ها ایجاد امپراطوری عظیمی از کشورهای مختلف بود تا بتوانند با استفاده از نفت و دیگر مواد خام موجود در آنها، مواد اولیه مورد نیاز برای صنایع نظامی خود را تامین و قدرت مسلط خود در جنگ را تحکیم بخشد. ژاپن به نظر شکست ناپذیر می‌رسید ولی دو نبرد دریائی بزرگ یکی در دریای کورال، مه ۱۹۴۲ و دومی در می‌دوی، در مرکز اقیانوس آرام، ژوئن ۱۹۴۲ پیشرفت آن را متوقف کرد. سد کردن پیشرفت ژاپن برای نیروهای امریکائی، کاری طولانی و پرهزینه بود. هر دو طرف تلفات سنگینی متحمل شدند.



▲ پرچم متبرک شده ژاپن

تمامی خدمه نظامی ژاپن در زمان نبرد با خود پرچم‌های متبرک شده حمل می‌کردند. دوستان و خویشاوندان روی پس زمینه سفید پرچم ژاپن دعا و نیایش می‌نگاشتند. آنها هرگز روی خود خورشید چیزی نمی‌نوشتند زیرا آن را مقدس می‌پنداشتند. بعضی افراد این پرچم‌ها را دور سر خود می‌بستند و برخی دیگر آن را در جیب خود می‌گذاشتند.



▲ ناو هواپیمابر

بمب افکن‌های نابودگر داگلاس در زمان نبرد می‌دوی آماده برخاستن از عرشه ناو اینترپرایز امریکا هستند. نابودگرها، هواپیماهای مسافربری قدیمی و فرسوده‌ای بودند که آمریکاییان بعد از بازسازی در ناوگان هواپیمابر خود از آنها به عنوان بمب افکن استفاده می‌کردند. ثابت شد که آنها رقیب جنگنده‌های سریع ژاپن به نام میتسوبیشی A&M زرو نیستند. هر کدام از این جنگنده‌های ژاپنی به تنهایی می‌توانستند چهار بمب افکن اینترپرایز را یک جا سرنگون سازند. اما در مجموع، ژاپنی‌ها در می‌دوی دستخوش شکست گردیدند.

▼ دریای کورال

یک هواپیمای ژاپنی در دریای کورال (شمال شرق استرالیا) غوطه‌ور است. ژاپنی‌ها می‌کوشیدند تا پایگاه‌های موجود در یکی از جزایر را برای انجام حملات هوایی به استرالیا تسخیر کنند ولی ناوگان هوایی امریکا در مه ۱۹۴۲ راه پیشرفت آنها را مسدود ساخت. دریای کورال اولین عرصه نبرد ناوگان‌هایی از هواپیماها بود که در عرصه آسمان به نبرد با یکدیگر پرداختند. آنها از عرشه ناوهای هواپیمابر به پرواز در می‌آمدند و ناوهای دریایی هرگز با یکدیگر روبه‌رو نشدند.

هواپیمای ژاپنی بعد از خسارت دیدن در آسمان روی آب غوطه‌ور شده است





مبارزه برای جزیره گودال کانال

ناو هواپیمابر امریکائی هورنت، طی نبرد سانتاکروز در اکتبر ۱۹۴۲، زیر آتش هواپیماهای ژاپنی قرار می‌گیرد. این نبرد دریائی یکی از چندین نبردی بود که در اطراف گودال کانال (یکی از جزایر سلیمان در شرق گینه‌نو) در گرفت و نیروهای ژاپنی و امریکائی برای کسب کنترل این پایگاه استراتژیک جنگیدند. امریکا سرانجام در فوریه ۱۹۴۳ ژاپنی‌ها را از جزیره بیرون راند ولی شدت مقاومت ژاپنی‌ها نشان داد که آنها چه قدر آماده‌اند تا از سرزمین‌های تازه کسب کرده خود دفاع کنند.



ماموریت‌های انتحاری

با بالا گرفتن نبرد بر سر فیلیپین در اکتبر ۱۹۴۴، در اقدامی از سردرماندگی، ژاپنی‌ها سلاحی وحشتناک را به کار گرفتند. واحد ویژه خلبانان داوطلب به نام کامیکازها، هواپیماهایی مملو از مواد منفجره را به پرواز

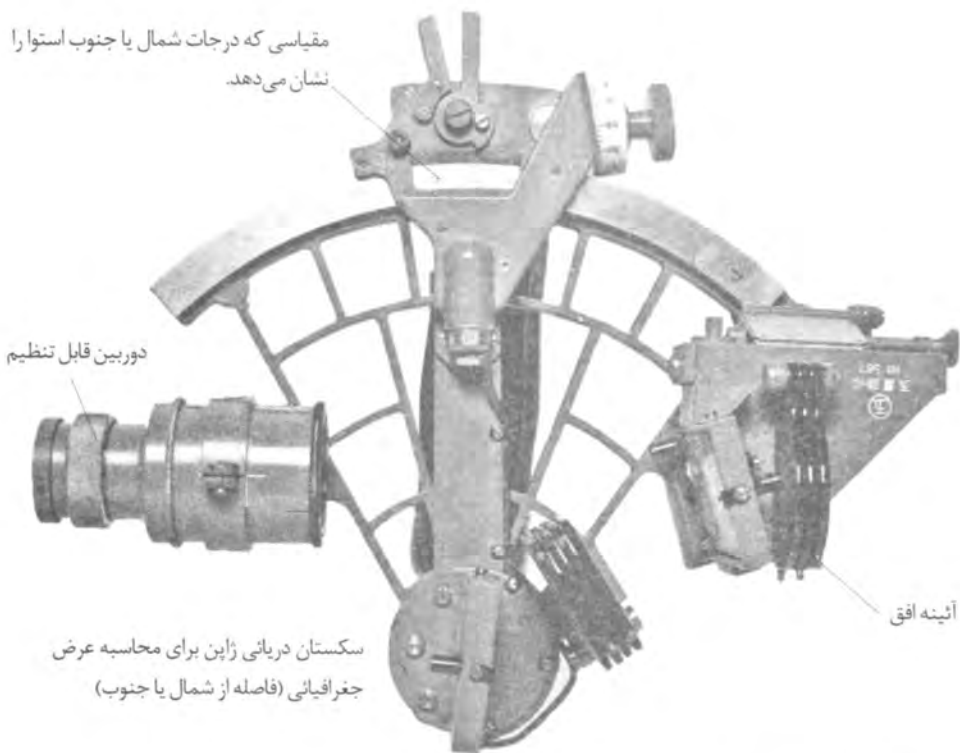
درآورده و اگرچه می‌دانستند کشته خواهند شد ولی عمداً هواپیماهای خود را به کشتی‌های جنگی امریکائی می‌کوبیدند تا آنها را غرق کنند. کامیکازها اندک‌شمار نبودند، در ۶ آوریل ۱۹۴۵، ۷۰۰ حمله به ناوگان امریکا مستقر در اوکیناوا انجام شد.

خلبان کامیکاز هاچی‌ماکی را به دور سر می‌بندد



خلبان‌های کامیکاز

خلبان‌های ژاپنی داوطلبانه به پروازهای کامیکاز می‌پیوستند در حالی که می‌دانستند این به معنای مرگ حتمی آنها است. کامیکاز به معنای «تسیم الهی» است. آنها خود را مردان فدایی امپراتور دانسته و این کارشان را نوعی فداکاری با شکوه تصور می‌کردند. برخی دیگر از خلبان‌ها از سنت‌های فداکارانه در ارتش ژاپن الهام می‌گرفتند. آنها هاچی‌ماکی (پیشانی‌بند) جنگجویان خشن سامورائی ژاپن در قرون وسطی را به سر می‌بستند.



▲ دستگاه زاویه یاب (سکستان) ناوگان ژاپنی

سکستان ها برای جهت یابی ناوگان ژاپن در اطراف اقیانوس وسیع اطلس اهمیت اساسی داشت. ژاپن پس از بریتانیا و امریکا سومین ناوگان بزرگ جهان را با ۱۰ ناو هواپیمابر، ۱۲ کشتی جنگی سنگین، ۳۶ رزمنا و بیش از ۱۰۰ ناوشکن و یک نیروی هوایی ضد ناو پر قدرت در اختیار داشت.



▶ ماسک پرواز

خلبانان ژاپنی ماسک های چرمی به چهره می زدند تا از صورت خود در حین پرواز حفاظت کنند. ماسک ها آن ها را خشن تر از شهرتی که در زمان جنگ داشتند، نشان می دادند. بعضی از خلبان ها که به اسارت متفقین درمی آمدند، ترجیح می دادند قبل از تسلیم شدن خود را از پای در آورند.

ژاپن در جنگ

در سراسر دوران جنگ جهانی دوم، امپراطوری ژاپن در سه جبهه در حال نبرد بود. در شمال، مبارزان چینی برای رهائی کشورشان از چنگ اشغالگران ژاپنی در حال جنگ بودند. در جنوب و در شرق، آمریکا، استرالیا و زلاندنو جزیره به جزیره در اقیانوس آرام به پیش می‌رفتند تا نیروهای ژاپنی را به عقب رانده پایگاه‌های هوایی و دریائی خود را نزدیک ژاپن برقرار سازند. در جنوب غرب، جنگ معروف به «جنگ فراموش شده» در جنگل‌های برمه در جریان بود. در این جبهه ارتش بریتانیا و چیندیت‌ها (واحد رزمی انگلیسی - برمه‌ای) تحت فرمان ماژور ژنرال اوردوینگیت، برای آزادی برمه با ارتش ژاپن می‌جنگیدند. در تمامی این نبردها، بسیاری از سربازان ژاپنی تا سر حد مرگ به نبرد ادامه دادند و به دشمنی قوی و غیر قابل شکست برای حریفان خود تبدیل شدند.



مسلل سبک استرالیائی

دفاع از استرالیا

نیروهای استرالیائی به شدت درگیر جنگ علیه ژاپن بودند. کشور آنها مستقیماً مورد تهدید توسعه‌طلبی ژاپن در آسیای جنوب شرقی قرار گرفته بود. استرالیا نقش مهمی در جلوگیری از اشغال جزیره پایوای گینه نو در سال ۱۹۴۲ توسط نیروهای ژاپنی داشت. آنها در کنار نیروهای امریکائی برای آزادسازی گینه‌نو و جزایر دیگر پیکار کردند.

سرباز ژاپنی پرچمی در دست دارد که به خورشید در حال برآمدن معروف بود.

جنگجویان وفادار

بیش از ۱۷۰۰۰۰۰ سرباز ژاپنی از قانون سرباز سال ۱۹۴۲ اطاعت می‌کردند. این قانون مبنی بر قانون بوشیدو (جنگجو) سامورائی‌ها بود. براساس این قانون، سرباز باید کاملاً به امپراطور وفادار می‌ماند و وظیفه او این بود که به جای شرم اسارت ترجیح دهد که با مرگ روبه‌رو شود. در نتیجه، سربازان ژاپنی اغلب جنگجویان متعصبی بود که به هر قیمت خود را وقف دستیابی به پیروزی می‌کردند و در هر موقعیتی جان خود را فدا می‌کردند.

► سهمیه‌های ساعتی

نیروهای انگلیسی در حال جنگ در اقیانوس آرام و آسیای جنوب شرقی بسته‌های غذایی مانند تصویر سمت راست دریافت می‌کردند. اگرچه غذا از محل نبرد دور بود ولی یک بسته، غذای کافی یک سرباز در طول یک روز را تامین می‌کرد.



تلفن صحرایی ارتش امریکا

◀ ابزار مخابراتی سیار

متحدین و سربازان ژاپنی برای حفظ تماس با فرماندهان و دیگر یگان‌های ارتش خود از تلفن‌های صحرایی استفاده می‌کردند. سرعت پیشرفت ژاپن در آسیای جنوب شرقی و اقیانوس آرام ایجاب می‌کرد که نیروها ابزار مخابراتی کارآمدی برای در جریان قرار دادن ستاد فرماندهی از پیشرفت خود و وضعیت دشمن داشته باشند.

► آزادسازی برمه

نبرد تعیین کننده بر سر برمه در جاده بین شهر کوهیما و ایمفال که هر دو دقیقا در مرز هندوستان قرار دارند، رخ داد. بعد از آن که انگلیسی‌ها در مه ۱۹۴۲ توسط ژاپن از برمه بیرون رانده شدند، از ایمفال به عنوان پایگاهی برای گروه‌بندی و تسلیح مجدد نیروها استفاده کردند. در این نبرد ژاپنی‌ها قصد داشتند ابتدا دست به تهاجم زده و سپس در مارس ۱۹۴۴ به هندوستان تجاوز کنند. اما نیروهای انگلیسی و هندی (سمت راست) پیش دستی کرده و دست به ضد حمله زدند و نیروی ۸۰ هزار نفری ژاپن را شکست دادند. این پیروزی راه را برای آزادسازی خود برمه هموار کرد؛ این هدف سرانجام در مه ۱۹۴۵ به دست آمد.



▶ راه آهن تایلند - برمه

کامیون‌های دیزلی که می‌توانستند روی خط آهن یا جاده حرکت کنند از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳ مورد استفاده ژاپنی‌ها قرار می‌گرفت. ژاپنی‌ها به کمک آنها از تایلند تا برمه‌ای که تازه فتح کرده بودند، راه آهن تاسیس کردند. ژاپنی‌ها قصد داشتند با استفاده از این راهپله، نیروها و تجهیزات خود را به سرعت در سراسر امپراطوری وسیع خود در شرق آسیا جابه‌جا کنند.



نجات از گرسنگی
این مردان هلندی در سال ۱۹۴۵ از اردوگاه اسرای جنگی ژاپن آزاد شدند که از جمله افراد خوش‌شانس محسوب می‌شدند. حدود یک چهارم از تعداد ۱۰۳ هزار نفر سرباز استرالیایی، امریکائی، انگلیسی و هلندی به اسارت گرفته شده توسط ژاپنی‌ها، تا سال ۱۹۴۴ در اردوگاه‌های اسرا مرده بودند. از این تعداد، ۱۲ هزار نفر در خط آهن تایلند - برمه کار می‌کردند. اسیران آسیائی رنج بیشتری متحمل شدند، حداقل ۱۰۰ هزار نفر فقط در جریان ساخت راه آهن مردند.

▶ در اسارت ژاپنی‌ها

اسیران جنگی در ژاپن مجبور بودند برای تهیه مایحتاج اساسی خود هر روز کار کنند با این حال ژاپنی‌ها مایحتاج اندکی در اختیار آنها می‌گذاشتند. ژاپنی‌ها احترامی برای اسیران قائل نبودند و بسیاری از آنها را وامی‌داشتند تا سر حد مرگ برای ساختن راه آهن، جاده و پل کار کنند.



عینک و شانه دوران درماندگی



▲ حمله به پل

راه آهن ۴۱۵ کیلومتری تایلند - برمه از جنگل ها، کوه ها و از کنار رودخانه کوای نوی می گذرد. پل های خط آهن چنانچه که در عکس فوق دیده می شود، توسط اسیران جنگی طراحی و ساخته شدند. هواپیماهای انگلیسی که از هندوستان به پرواز در می آمدند، همیشه پل ها را به امید نابودی راه آهن و توقف ژاپنی ها بمباران می کردند.



یادبودی در واسینگتن دی.سی، تشریحی از دریانوردانی است که پرچم را در ام تی، سوریناجی، آیوجیما، برافراشته نگاه داشته اند.

▶ برافراشتن پرچم در آیوجیما

در فوریه ۱۹۴۵، دریانوردان امریکا به آیوجیما، جزیره ای کوچک در جنوب ژاپن، حمله بردند. ژاپنی ها تا آخرین قطره خون از آن دفاع کردند. از ۲۱۰۰۰ سرباز تنها ۲۱۶ نفر به اسارت گرفته شدند. بقیه تا سر حد مرگ جنگیدند. پس از تلفات سنگین در آیوجیما و اوکیناوا، امریکائی ها شروع به بمباران سرزمین اصلی ژاپن کردند و سپس دو بمب هسته ای روی هیروشیما و ناگازاکی فرو افکندند.



نبرد آتلانتیک

در طی جنگ، پیکاری خشن بین متفقین و آلمان‌ها در آب‌های یخبندان اقیانوس اطلس شمالی در گرفت. هنگامی که دریانوردان متفقین سختی آب و هوا را به جان خریدند تا تجهیزاتی را از امریکا به بندرهای انگلیس بیاورند، زیردریایی‌ها و ناوشکن‌های آلمانی در هر فرصتی به آن‌ها حمله می‌کردند، قدرت ناوگان آلمان در مقایسه با قدرت متفقین اندک بود ولی ناوگان زیردریایی آن‌ها قادر بود ضربات مهلکی به دشمن وارد آورد. در ابتدا، زیردریایی‌ها برتری کسب کردند. آن‌ها در چهار ماهه نخست سال ۱۹۴۱ به تنهائی، دو میلیون تن و در سال ۱۹۴۲، ۵/۴ میلیون تن محموله دریائی متفقین را غرق کردند. اما، استفاده برتر متفقین از سیستم اسکورت، گشت هوائی دوربرد، ناوگان ضد دریائی واکنش سریع، و رادار پیشرفته باعث شد زیردریایی‌ها روز به روز آسیب‌پذیرتر شوند. در میانه سال ۱۹۴۳ با غرق شدن ۹۵ زیردریائی آلمان تنها در سه ماه، متفقین به برتری دست یافتند و اقیانوس اطلس بار دیگر برای کشتی‌های باری امن‌تر گردید.

► خیش برای پیروزی

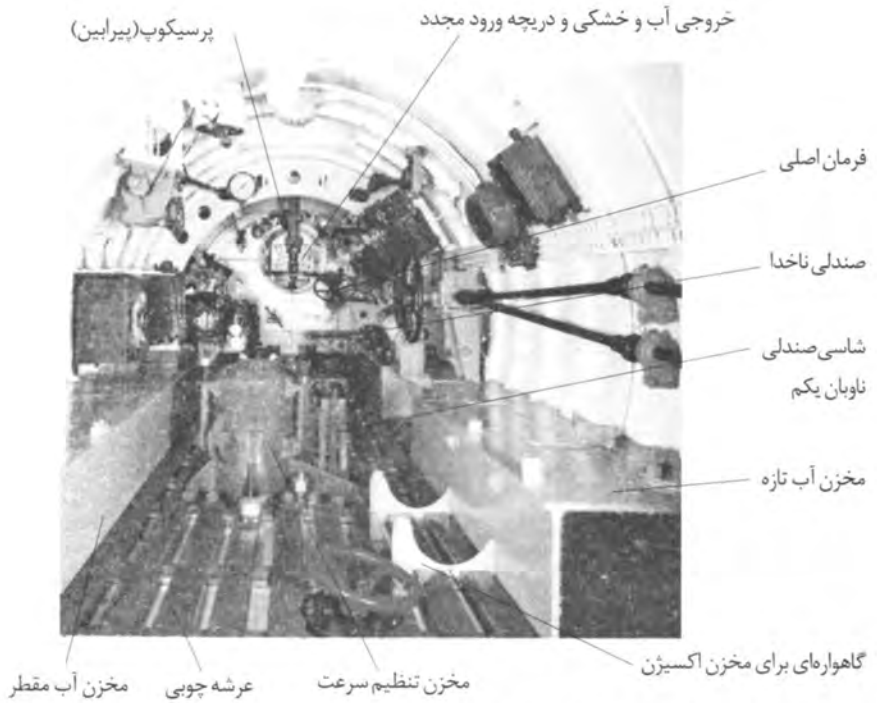
در اثر حملات هوایی آلمان، واردات غذا از خارج به شدت در اثر جنگ آسیب دید. در انگلستان، برای تامین مایحتاج زندگی مانند غذا و سبزیجات، جهاد «خیش برای پیروزی» اعلام شد و از مردم خواسته شد تا در هر جایی که ممکن بود به کشت و زرع بپردازند. هر قطعه از زمین‌های حاصلخیز، از جمله حیاط‌ها و پارک‌ها شخم زده شد و محصولات غذایی کشت گردید. بعد از پیروزی متفقین در نبرد آتلانتیک، امکان واردات محصولات غذایی مجدداً فراهم شد.



ازدر

ملخ



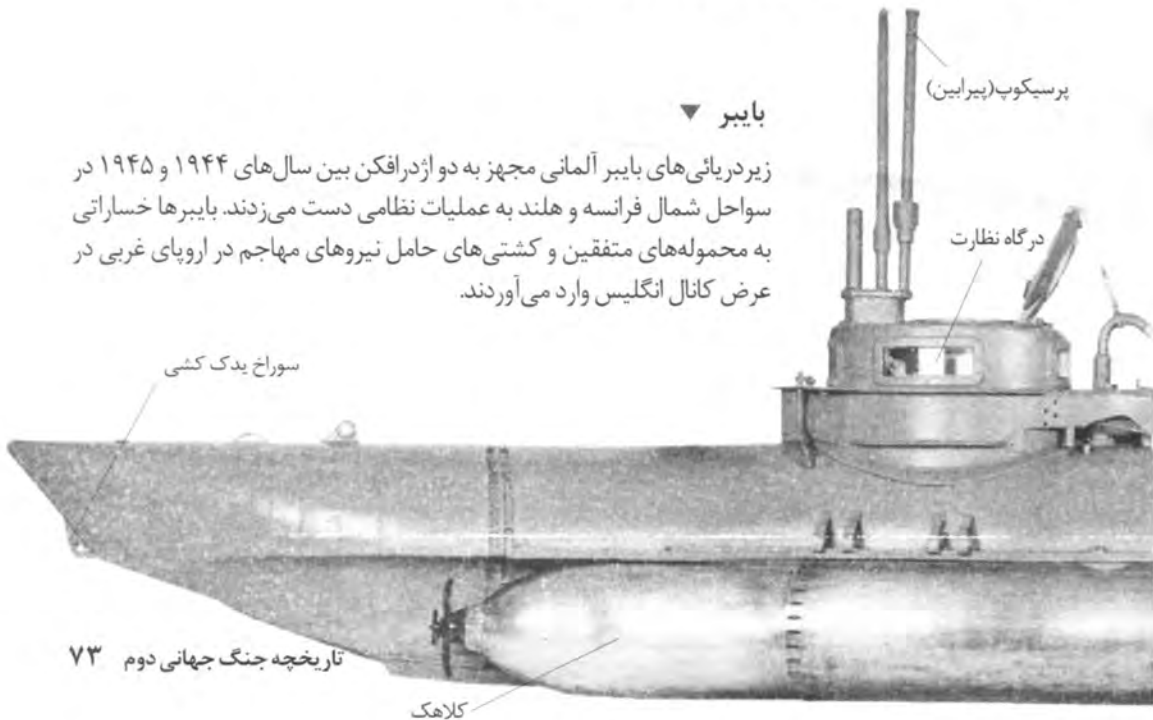


▲ در درون یک زیردریائی کوچک

زیردریائی کوچک ایکس کرافت انگلیسی دارای تیمی ۴ نفره بود که طی نبرد آتلانتیک ماموریت‌های متعددی را به انجام می‌رساند. این زیردریائی با کمک مواد منفجره کشتی‌های جنگی تیرپیتز آلمان را در ساحل نروژ در سپتامبر ۱۹۴۳ مورد حمله قرار می‌داد و با موفقیت از کار می‌انداخت. تیرپیتز ثابت کرده بود که تهدیدی بالقوه و بزرگی علیه محموله‌های ارسالی بریتانیا برای روسیه از شمال است.

▼ بایبر

زیردریائی‌های بایبر آلمانی مجهز به دو اژدرافکن بین سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ در سواحل شمال فرانسه و هلند به عملیات نظامی دست می‌زدند. بایبرها خساراتی به محموله‌های متفقین و کشتی‌های حامل نیروهای مهاجم در اروپای غربی در عرض کانال انگلیس وارد می‌آوردند.



«همه ما سلام نظامی دادیم به پرچم احترام گذاشتیم و پریدیم... مانند یک دسته چوب پنبه بیرون پریده و غوطه‌ور در آب کنار یکدیگر شنا می‌کنیم.»

افسر زیردریائی از پیرابین برای تعیین موقعیت کشتی‌های دشمن استفاده می‌کند.



به کمک پرسیکوپ (پیرابین)

سرنشینان زیردریائی‌های آلمانی در حین گشت‌زنی در زیر سطح دریا، از وسیله‌ای به نام پرسیکوپ برای ردیابی رفت آمد کشتی‌های متفقین استفاده می‌کردند. آنها از این طریق به راحتی می‌توانستند اهداف مورد نظر خود را انتخاب و سپس توپ‌ها و اژدرهای مرگبار خود را به سوی آنها شلیک کنند. اما وقتی زیردریائی‌ها به هر دلیل در نزدیکی سطح آب یا روی سطح بودند، از هوا به آسانی شناسائی شده و توسط هواپیماهای متفقین نابود می‌شدند.

تنها ۳۰ تن از خدمه این زیردریائی آلمانی که در اثر حمله یک رزم ناو آمریکایی در حال غرق شدن است، جان سالم به در بردند. زیردریائی‌ها در زیر آب، در صورت هدفگیری توسط کشتی یا هواپیماهای متفقین، به شدت آسیب‌پذیر بودند. آنها همچنین در روی سطح آب در معرض خطر اصابت بمب، اژدر یا گلوله بودند و در آب‌های کم عمق نیز مین‌ها، خطری جدی برای آنها محسوب می‌شدند. از مجموع ۳۹۰۰۰ خدمه زیردریائی‌های آلمان تنها ۱۱۰۰۰ نفر از جنگ جان سالم به در بردند.



این کشتی ۲۵۱ متر طول داشت



توپ هدف گیری کرده و آماده شلیک به سوی کشتی‌ها و زیردریایی‌های دشمن است



یک دریانورد در روی عرشه یک کشتی جنگی که حامل یک محموله بار از اقیانوس اطلس است، مراقب هواپیماهای دشمن می‌باشد.

▲ کاروان کشتی‌ها در اقیانوس اطلس

کشتی‌های تجاری منفرد که از عرض اقیانوس اطلس می‌گذشتند به شدت در برابر حمله زیردریایی‌های آماده شلیک، آسیب‌پذیر بودند. در نتیجه، آن‌ها به صورت کاروان‌های عظیم، تحت حفاظت اسکورتی از رزمناوها و در صورت امکان، پوشش هوایی سفر می‌کردند. این کاروان‌ها مجبور بودند با سرعت کندترین عضو خود حرکت کنند و این باعث می‌شد عبور از اقیانوس اطلس کار خطرناک و زمانبری باشد. دریانوردان بسیاری جان خود را در این کاروان‌ها از دست می‌دادند.

▼ غرق شدن بیسمارک

یکی از بزرگترین کشتی‌های جنگی ناوگان دریایی آلمان کشتی بیسمارک بود که آلمان‌ها آن را غرق ناشدنی می‌پنداشتند. در ۱۸ مه ۱۹۴۱ این کشتی بزرگ از گینیا در دریای بالتیک به حرکت در آمد. کشتی در شمال ایسلند با نیرویی عظیم در حال حرکت بود که ناو HMS هود انگلیس آن را غرق کرد. قبل از آن در ۲۷ مه یک ناو انگلیسی آن را غافلگیر کرده درهم شکسته بود. تنها ۱۱۵ تن از ۲۲۲۲ سرنشین بیسمارک زنده ماندند.

مجهز به ۸۸ توپ از جمله ۲۰ توپ دوربرد و ۶۸ توپ ضد هوایی ناویان بور خارد فون مولنهایم رچبرگ، بازمانده بیسمارک



به سوی استالینگراد

در سال ۱۹۴۱ آلمان به اتحاد شوروی تجاوز کرد. آلمان در سه جهت پیشروی نمود. از شمال به سوی لنینگراد، از شرق به سوی مسکو و از جنوب به سوی گندم زارها و چاه‌های نفت اوکراین و قفقاز. برای رسیدن به موفقیت در جنوب، آلمان‌ها مجبور بودند استالینگراد را تسخیر کنند که در کنار رودخانه ولگا قرار دارد. این شهر برای هیتلر اهمیتی عظیم داشت زیرا بعد از انقلاب کمونیستی نام رهبر شوروی، استالین بر آن نهاده شده و استالینگراد نامیده می‌شد. به دلایلی مشابه، استالین نیز به همین اندازه مصمم به حفظ این شهر بود. نبرد استالینگراد نبردی سهمگین بود و خسارات سنگینی به دو طرف جنگ وارد آمد. از اوایل سال ۱۹۴۳ و بعد از شکست ارتش آلمان در استالینگراد، زمینه نابودی نهائی ارتش مهاجم آلمان و شکست و تسلیم آن، به وجود آمد. ارتش آلمان دیگر شکست‌ناپذیر نبود.



نشان برتری تانک‌های مهاجم آلمانی



در برف ▲

جنگ در اتحاد جماهیر شوروی (روسیه کنونی) در اثر زمستان سرد، برای هر دو طرف رو به وخامت گذارد. کاهش دمای هوا به نقطه یخبندان، آلمان‌ها دریافتند تجهیزات کافی برای مقابله با سرمای طاقت فرسا را در اختیار ندارند. اما روس‌ها به سوسا بیشتر عادت داشتند و با پوشیدن اوزک‌های سفید قابل استتار، زیرپوش‌های ضخیم، کلاه خز و چکمه‌های چرمی، از تجهیزات بهتری برخوردار بودند.



▲ نبرد استالینگراد

نبرد استالینگراد در اوت ۱۹۴۲ آغاز شد. ارتش ششم آلمان از غرب به شهر حمله کرد و مدافعان را به رشته باریکی از ساختمان‌ها و کارخانجات در طول رودخانه ولگا عقب راند. شوروی‌ها در ۱۹ نوامبر به ضد حمله دست زدند و به زودی ارتش ششم را به محاصره درآوردند. آلمان‌ها کوشیدند محاصره را بشکنند ولی در ۲ فوریه ۱۹۴۳ مجبور به تسلیم گردیدند.

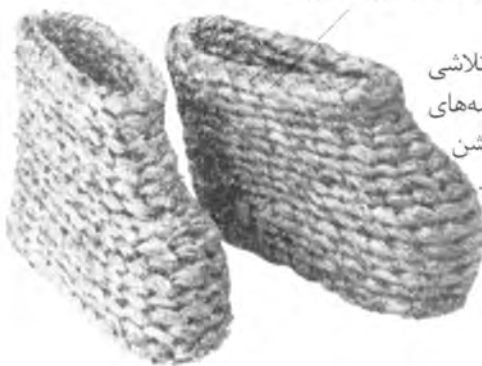
▶ مجروحان

در پایان نبرد استالینگراد، حدود ۹۱۰۰۰ سرباز آلمانی مجروح یا اسیر شدند. تعداد کشته شدگان از هر دو سو حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر بود. تخمین زده می‌شود ۲ میلیون غیر نظامی اهل استالینگراد جان خود را از دست دادند. شگفت آن که ۱۰۰۰۰ غیر نظامی در حین نبرد در این شهر زندگی می‌کردند و زنده ماندند.



چکمه‌های حصیری که سربازان آلمان در اتحاد شوروی می‌پوشیدند

◀ یخ زده



سربازان آلمانی که در اتحاد شوروی می‌جنگیدند در تلاشی بیهوده برای گرم و خشک نگاه داشتن پاهای خود چکمه‌های حصیری مخصوص در برف تهیه کردند. طی زمستان خشن روسیه، بسیاری از آن‌ها از یخبندان رنج می‌کشیدند. لباس‌های معمولی کافی نبود و چکمه‌های چرمی و سفت آنها تنگ‌تر از آن بود که بتوانند جوراب ضخیم به پا کنند، به علاوه چکمه‌های آنان سوراخ سوراخ بود و برف و باران به داخل آن نفوذ می‌کرد.

مسلسل ساخت شوروی



سلاح‌های ارتش سرخ

در دوران جنگ هزاران قبضه مسلسل، مانند این ppsH در سال ۱۹۴۱ مورد استفاده ارتش سرخ قرار گرفت. این مسلسل‌ها در شمارگان زیاد ولی کیفیت پائین و به سرعت تولید می‌شدند تا در نبردهای تن به تن و نزدیک به کار گرفته شوند.

کلت استاندارد



کلت نیمه خودکار ۷/۶۲ میلیمتری تاکارف IT۳۳، سلاح کمتری استاندارد بود که به افسران، هوانوردان و خدمه تانک شوروی‌ها داده می‌شد. اگر تانکی از کار می‌افتاد خدمه آن ابزاری برای دفاع از خود در اختیار داشتند.

نارنجک دستی



سربازان شوروی برای توقف پیشرفت دشمن به سوی استالینگراد از نارنجک دستی استفاده می‌کردند. سربازان زخمی گاهی قبل از پرتاب نارنجک ناگزیر بودند با دندان‌های خود ضامن آن را بکشند.

جنگ خانه به خانه

آلمان‌ها و شوروی‌ها در استالینگراد بر سر هر ساختمانی می‌جنگیدند. گاهی دو طرف حتی در دو طبقه مختلف یک ساختمان با هم پیکار می‌کردند. جنگ خانه به خانه وسیع بود و هر کس دست خود را از کف زمین بالا می‌آورد احتمال داشت با آتش دشمن کشته شود.





سواره نظام ارتش سرخ در حین جولان دادن در برف شمشیر خود را نشان می دهند.

▲ سواره نظام ارتش سرخ

توپخانه ارتش سرخ توسط لشکرهای سواره نظامی پشتیبانی می شد که می توانستند در طول جبهه به سرعت جابه جا شوند. هر دو طرف برای جابه جایی توپخانه و واگن های مملو از تجهیزات از اسب استفاده می کردند. اما اسبها در زمستان ناکارآمد بودند زیرا به راحتی در گل یا برف فرو می ماندند.

بعد از سال ۱۹۴۳، T-۳۴ به لوله توپ ۸۵ میلیمتری مجهز شد.

◀ تانک برتر

تانک T-۳۴ شوروی، طراحی شده در سال ۱۹۳۹، ستون فقرات واحدهای زرهی ارتش سرخ بود. بین سال های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۵، ۶۹۸۳۹ فروند از آنها ساخته شد. این تانکها حامل پنج نفر بودند، یک فرمانده، دو مسلسلچی، یک گلوله گذار و یک راننده. اما شرایط داخلی تانک دلچسب نبود. حداکثر سرعت تانک ۳۲ کیلومتر در ساعت بود که می توانست ۴۰۰ کیلومتر را بدون سوخت گیری حرکت کند. تانک های آلمانی سرعت و برد کمتری داشتند و حریف خوبی برای T-۳۴ شگست ناپذیر نبودند.

لوله توپ در یک قسمت دوار قرار داشت

موتور دیزلی T-۳۴ در سرمای سخت به خوبی کار می کرد

وزن کلی ۳۲ تن



زنجیرهای پهن برای عبور از نواحی دارای خاک نرم و ناهموار مناسب بود.

در درون اتحاد شوروی

جنگ تأثیری عظیم بر اتحاد شوروی داشت. اگرچه تقریباً آماده شدن برای جنگ نزدیک دو سال به طول انجامید ولی هیچ چیز نمی‌توانست با مقدار رنجی که از جنگ بر ملت وارد آمد، برابری کند. برای ایمن نگه داشتن صنایع از حمله دشمن، ۱۵۰۰ کارخانه، به طور کامل به صدها مایل آن طرف‌تر یعنی در شرق کوه‌های اورال منتقل شدند. ۶ میلیون کارگر نیز همراه با آن کارخانه‌ها به مناطق جدید انتقال یافتند. میلیون‌ها نفر دیگر به اسارت آلمان‌ها درآمده یا در اردوگاه‌های کار اجباری کشته شدند. حدود ۲۰ میلیون نفر از شهروندان شوروی کشته شدند. با این حال غیرنظامیان برای نجات کشورشان کمر همت بستند و برای پیروزی سخت مقاومت کردند. جنگ به یک پیکار عظیم میهن پرستانه و پر آوازه تبدیل گشت.

▶ جنگجویان مقاومت

پوسترها از اهالی شوروی که در سرزمین‌های تحت اشغال آلمان زندگی می‌کردند درخواست می‌نمود به پارتیزانها و گروه «ضربه بی‌رحمانه به دشمن» پیوندند. گروه‌های مقاومت که در جنگل‌ها زندگی می‌کردند در کمین محموله‌های آلمانی می‌نشستند و به قرارگاه‌های فرماندهی و خطوط ارتباطی آنها حمله می‌بردند.



ستاره سرخ



پرچم سرخ

◀ مدال‌های ارتش سرخ

مدال‌های مهمی که به سربازان شوروی اعطا می‌شدند نشان قهرمان اتحاد شوروی و نشان پرچم سرخ و ستاره سرخ بودند. استالین نشان کوتوزوف و نسوروف را معمول نمود که نام دو ارتشبد سده نوزدهمی بود که حمله لهستانی‌ها، ترک‌ها و فرانسه ناپلئونی را دفع کردند.



برداشت سبزیجات از حیات کلیسای جامع لنینگراد

غذارسانی به شهر

در دوران محاصره لنینگراد، بزرگترین تهدید علیه اهالی شهر، سرما و گرسنگی بود. هر قطعه زمینی برای کشت سبزیجات خوراکی مانند کلم و سیب زمینی مورد استفاده قرار می‌گرفت. ولی در طول دوران محاصره جیره‌بندی دقیقی اعمال می‌شد. در مجموع، بیش از ۶۳۰۰۰۰ نفر بر اثر سرما و گرسنگی شدید جان باختند.



آب، آب همه جا

در زمستان سال ۱۹۴۱ دمای لنینگراد به ۴۰- درجه سانتیگراد افت نمود. غذا کم شد و ذخایر آب یخ بست. مردم ناچار شدند برف و یخ را برای نوشیدن ذوب کنند. یک فرد محلی به یاد می‌آورد که: «تمی توانستیم حمام کنیم زیرا فقط آن قدر توان داشتیم که برویم و آب برای نوشیدن فراهم کنیم.»

اهالی لنینگراد منازل خود را که در اثر بمب‌های نازی ویران گشته ترک می‌کنند

محاصره لنینگراد

طولانی‌ترین محاصره جنگی، محاصره شهر لنینگراد شوروی بود. سربازان آلمانی با حمایت فنلاندی‌ها، در سپتامبر ۱۹۴۱ شهر را محاصره کردند. کشور فنلاند برای انتقام گرفتن از تجاوز سال قبل شوروی‌ها به نفع آلمان وارد جنگ شده بود. آلمان‌ها بیش از ۱۰۰۰۰۰ بمب و ۲۰۰۰۰۰ گلوله توپ روی لنینگراد فرو ریختند. علی‌رغم کشته شدن ۲۰۰۰۰۰ غیرنظامی آن‌ها موفق به تسخیر شهر نشدند. سرانجام، ارتش سرخ در ژانویه ۱۹۴۴ یعنی ۸۹۰ روز پس از شروع محاصره، موفق به شکستن محاصره گردید.





ایستگاه متروی مایوکوفسکی در مسکو به عنوان پناهگاه
ضد هوایی استفاده می‌شد.

بمباران شدید مسکو

در اکتبر ۱۹۴۱ شهر کمونیستی مسکو به شدت توسط هواپیماهای آلمانی بمباران شد، مردم عادی برای درمان ماندن به ایستگاه‌های مترو پناه بردند. تعدادی ناگزیر به ترک شهر شده و به روستاهای اطراف رفتند. ارتش آلمان به هر عنوانی می‌خواست مسکو را فتح کند. اما سرمای شدید و نرسیدن

نیروهای پشتیبانی، آنها را از رسیدن به هدفشان ناامید کرد. البته در دسامبر همان سال نیروهای ارتش شوروی به حمله متقابل دست زده و آلمانی‌ها مجبور به عقب نشینی شدند. و بدین ترتیب پایتخت امپراتوری جدید کمونیستی از خطر سقوط نجات یافت.



بالستک لاستیکی ضد لگد

تکیه‌گاه چوبی روی گونه



در این پوستر ۱۹۴۲ شوروی آمده است:
«به این کارگر نمونه پیوندید برای
بهبه‌های بیشتر تولید کنید.»

بیشتر تولید کنید!

علی‌رغم وجود تصویر مردی نیرومند روی این پوستر، بیش از نیمی از نیروی کار شوروی در پایان جنگ را زنان تشکیل می‌دادند. غیر نظامیان شوروی در شکست هیتلر نقش عظیمی بازی کردند. آنها در

کارخانه‌ها سخت کار می‌کردند تا تولید تسلیحات و تجهیزات جنگی اساسی افزایش یابد.



تک تیراندازان روسی

▲ تک تیراندازان

تک تیراندازان بیشماری از جمله قهرمانان زمان جنگ در ارتش سرخ بودند که وظیفه‌شان شلیک به دشمن بود. استفاده از تک تیراندازان از استالین‌گراه شروع شد. وقتی یک کمین کننده موفق به کشتن چهل سرباز دشمن می‌گردید، به او لقب «تک تیرانداز نخبه» داده می‌شد.



حفاظ دستی چوبی
مگسک
لاهتی فنلاندی ۲۰ میلیمتری، تفنگ ضد تانک L۳۹

▶ جنگ روسیه - فنلاند

بعد از تجاوز آلمان به لهستان در سال ۱۹۳۹، اتحاد شوروی کوشید مرزهای غربی خود را امن نگه دارد. در نوامبر ۱۹۳۹، ارتش شوروی به فنلاند، همسایه غربی خود تجاوز کرد. فنلاندیها با شجاعت بسیار آنها را به عقب راندند ولی در مارس ۱۹۴۰ آنها مجبور به پذیرش پیمان صلح و واگذاری مقداری از سرزمین خود به روسیه شدند. شوروی‌ها، بیش از ۸۰۰۰۰ سرباز خود را از دست دادند در حالی که تلفات فنلاندی‌ها فقط ۲۵۰۰۰ نفر بود. این مساله، ضعف ارتش سرخ را آشکار ساخت.

کوکتل مولوتف

طی جنگ روسیه - فنلاند، سربازان فنلاندی بمب‌های گازی دست ساز به سوی تانک‌های روسی پرتاب می‌کردند. به یاد سیاستمدار روسی ویاجسلاو مولوتف (۱۸۹۶-۱۸۹۰) که فنلاندی‌ها به شدت او را مسئول جنگ می‌شناختند، نام این بمب‌ها را کوکتل مولوتف گذاشته بودند.



نبرد در صحرا

در ژوئن ۱۹۴۰، ایتالیای موسولینی به نفع آلمان وارد جنگ شد و در سپتامبر همان سال از مستعمره خود، لیبی، به خاک مصر لشکر کشید. طی ماه‌های بعد ارتش بریتانیا، ایتالیایی‌ها را در هم شکست و ۱۳۰۰۰۰ سرباز آنها را به اسارت درآورد. آلمان‌ها از ترس سقوط متحد ایتالیایی خود، اقدام به اعزام نیرو به شمال آفریقا در فوریه ۱۹۴۱ کردند. برای تقریباً دو سال نبرد در صحرا جریان داشت تا آن که ارتش هشتم بریتانیا به پیروزی قاطعی بر نیروهای آفریقائی آلمان در نوامبر ۱۹۴۲ دست یافت. در همان ماه نیروهای امریکا و بریتانیا در الجزایر و مراکش پیاده شدند. آنها به سمت شرق برای محاصره آلمان‌ها که به سوی غرب عقب‌نشینی می‌کردند، پیشروی نمودند. در مه ۱۹۴۳ نیروهای آفریقائی آلمان و متحدین ایتالیایی آن‌ها مجبور به تسلیم شدند. بریتانیا و امریکا اکنون می‌توانستند توجه خود را به سوی اروپا معطوف سازند.

عملیات روباه صحرا ▶

ارتشبداروین رومل (۱۸۹۱-۱۹۴۴) چپ، فرمانده نیروهای آفریقائی آلمان به روباه صحرا معروف بود. او قادر بود وضعیت را به سرعت ارزیابی و نقاط ضعف دشمن را «بو بکشد». هم آلمان‌ها و هم بریتانیایی‌ها به او احترام می‌گذاشتند، دلیل بریتانیایی‌ها آن بود که وی با اسرا رفتار خوبی داشت. در سال ۱۹۴۴، رومل بعد از افزایش نقش‌اش در توطئه علیه جان هیتلر، دست به خودکشی زد.



نبرد تبروک ◀

بندر مدیترانه‌ای تبروک در شرق لیبی، صحنه چند مورد از خشن‌ترین نبردهای جنگ صحرا بود. این شهر ابتدا در تصرف ایتالیا بود، سپس بریتانیا در اوایل سال ۱۹۴۱ آن را تصرف نمود. بعداً در همان سال آلمان‌ها آن را به محاصره درآوردند و در ژوئن ۱۹۴۲ کنترل آن را به دست گرفتند. بریتانیا در نوامبر ۱۹۴۱ دوباره آن را آلمان‌ها پس گرفت.

نیروهای بریتانیایی در حال پیشروی در شن‌زار العلمین

نبرد العلمین

در اکتبر ۱۹۴۲، نیروهای افریقائی آلمان به العلمین رسیدند. این شهر ساحلی مهمی بود و دروازه مصر و کانال سوئز (آبراه مهم بین‌المللی کشتیرانی که مدیریت آن را به دریای سرخ متصل می‌کند) به شمار می‌آمد. در این جا نیروهای آلمان و ارتش هشتم بریتانیا در مقابل هم قرار گرفتند و سرانجام آلمان‌ها در عرض ۱۲ روز نبرد طاق‌فرسای توپخانه، تانک و پیاده نظام، دچار شکست شدند. این پیروزی، اولین موفقیت زمینی مهم بریتانیا در برابر ارتش آلمان و نقطه عطفی در جنگ به شمار می‌رفت.

دوربین مخصوص صحرا

نیروهای افریقائی آلمان در سال ۱۹۴۱ برای کمک به ایتالیا در شمال افریقا شکل گرفت. این جا، یکی از اعضای این نیرو از دوربین خرگوشی برای مشاهده دشمن استفاده می‌کند. اگرچه رومل رهبر فوق‌العاده‌ای بود ولی نیروهای مزبور برای تجدید قوا و تجهیزات ناچار به استفاده از مسیر ترابری مدیریت‌ناهنواز بودند که مورد حمله انگلیسی‌ها قرار می‌گرفتند.



مین‌یاب بریتانیایی

خطر مین

هر دو طرف نبرد، مناطق وسیعی را در اطراف العلمین مین‌گذاری کردند. با حرکت تانک‌ها و توپخانه برای عبور از اطراف مین‌ها، تلفات سنگینی به نیروهای پیشرو وارد می‌آمد. اگرچه بسیاری از مین‌ها در حین و بعد از جنگ کشف شدند ولی تعداد زیادی از مین‌های منفجر نشده هنوز در صحرا زیر خاک وجود دارند.



مین ضد تانک آلمانی



▶ تهاجم به سیسیل

نیروهای متفقین بعد از تهاجم به جزیره سیسیل در ژوئن ۱۹۴۳ اقدام به آوردن وسایل نقلیه و تجهیزات به ساحل نمودند. آلمان در شمال آفریقا شکست خورده و راه برای حمله متفقین به اروپا

هموار گشته بود، ولی متفقین هنوز تصور می کردند قدرت کافی برای اقدام به حمله مستقیم علیه نیروهای آلمان را ندارند. بنابراین، تصمیم گرفتند به امید خارج کردن ایتالیا از صحنه نبرد به ایتالیا حمله کنند.



◀ یاری کشورهای همسود

برخی از نیروهای زلاندنو و دیگر واحدهای ویژه که در شمال آفریقا می جنگیدند دستارهائی به سبک لباس های عرب برای مقابله با شرایط آب و هوای گرم به سر می بستند. واحدهای زلاندنو به ارتش هشتم بریتانیا پیوستند از جمله جنگجویان مانوری (زلاندنوئیان بومی) که در شمال آفریقا و ایتالیا جانفشانی کردند.

دستار برای دور ماندن از شن روان و آفتاب



▲ خرگوش های نجات بخش

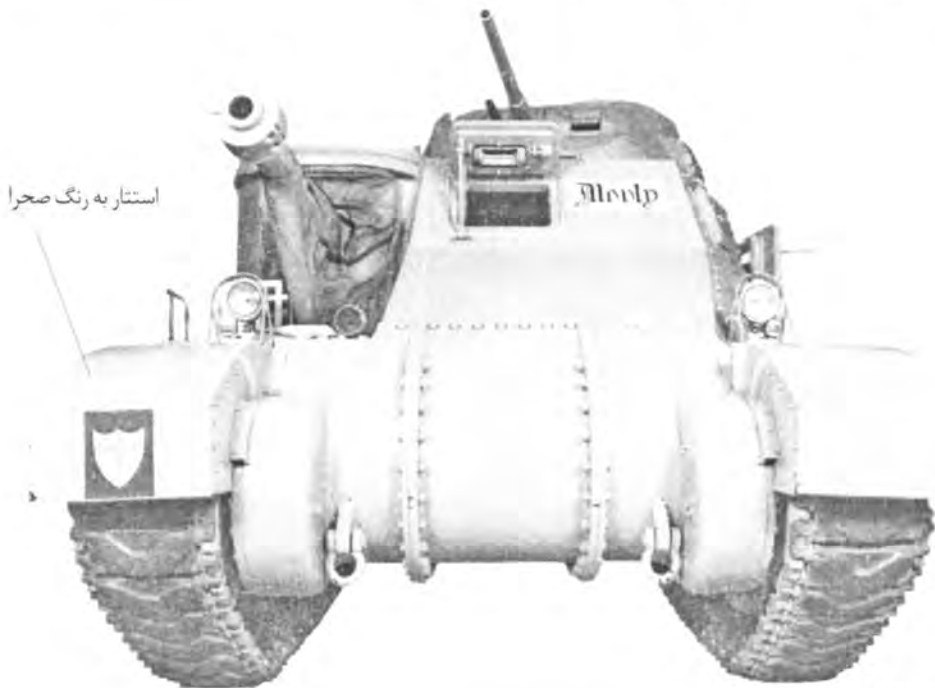
رهبر ارتش هشتم بریتانیا در شمال آفریقا، ارتشید مونتگمری (۱۹۷۶-۱۸۸۷)، عکس بالا، بود توجه «موتی» به حفظ و افزایش روحیه نیروها، ارتش وی را به پیروزی در العلمین رساند. سربازان بخشی از ارتش، یعنی لشکر هفتم زرهی، به خرگوش های صحرا معروف شدند.



تانک ماتیلدا A ۱۲ ساخت انگلستان

▲ جنگ تانک‌ها

در طول جنگ جهانی دوم، تانک‌ها به عنوان زره پوش سنگین در تمامی جبهه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. پیشرفت جنگی به یاری تانک مستلزم برقرار ارتباط رادیویی دو سویه، و بکارگیری سیستم تعلیق بهتر بود که قدرت تحرک و قدرت آتش تانک را بهبود می‌بخشید. تانک M ۴ شرمین که بیشتر نیروی متحدین از آن استفاده می‌کردند، در کارخانه‌ها، بیش از سایر تانک‌ها تولید می‌شد.



▲ تانک مونتی

مونتگمری (بنگرید به بالا) تانک ویژه خود را داشت که یک M۳A۳ اهدائی امریکا بود. و از آن برای مشاهده خط مقدم نبرد در شمال افریقا و بعداً در نبرد سیسیل و ایتالیا استفاده می‌کرد. تانک‌های مشابه این، نقش مهمی در شکست ارتش رومل داشتند.

تبلیغات و روحیه

هر دو سوی جنگ، متحدین و متفقین مجبور بودند مردم خود را قانع کنند که در این جنگ ویرانگر حق با آنهاست و طرف آن‌ها پیروز خواهد شد، تلاش در جهت بسط و گسترش این اندیشه و اقناع مردم، احتیاج به تبلیغات داشت و این کار به اندازه مهمات جنگی مهم بود. اما همیشه مرز بین حقیقت و تبلیغات بسیار باریک است. هر دو طرف برای حفظ روحیه جمعیت غیر نظامی در داخل کشور خود و نیروهای در حال نبرد در خارج، افکار عمومی را دستکاری می‌کردند. همچنین از تبلیغات برای شکستن روحیه دشمن نیز استفاده می‌گردید. برخی اعمال تبلیغاتی، خشن و برخی پیچیده بودند. ولی همان‌گونه که ژوزف گوبلز، وزیر تبلیغات آلمان نازی گفت: «یک حکومت خوب بدون تبلیغات خوب نمی‌تواند ادامه حیات بدهد.» از ابزار مانند سینما، رادیو (در دوران جنگ تلویزیون خیلی رواج نداشت)، پخش جزوه و پوستر در میدان نبرد در جهت ربودن دلها و عقل‌ها و القاء اندیشه‌های مورد نظر استفاده می‌شد، همچنین برای روحیه دادن به سربازان دور از وطن، بعضی از بازیگران سینما به نقاط مختلف سفر می‌کردند و برای این نیروها برنامه‌های سرگرم‌کننده اجرا می‌کردند تا اندکی از درد دروی از میهن آنها کاسته شود.

► هیتلر به عنوان رهبر

تبلیغات نقش مهمی در موفقیت هیتلر داشت. تبلیغات باعث شد وجهه او از رییس یک دولت به عنوان رهبر برجسته مردم آلمان ارتقا یابد. در اکثر تصاویر پخش شده وی اغلب در محاصره طرفداران آتشین خود قرار دارد و همچون یک سیاستمداری بزرگ و دوراندیش نمایش داده می‌شد که مردم خود را از طریق جنگ به سروری جهان و پیروزی دشمنان خواهد رساند.



► توکیورز

اوا توگوری داکینو، عمدتاً معروف به توکیورز، تنها شهروند آمریکائی متهم به خیانت بود که مورد عفو قرار گرفت. وی پس از رویداد پرل هاربر در ژاپن به دام افتاد و برنامه رادیوئی اش بر علیه متفقین خاتمه یافت. در آن زمان حدود دوازده برنامه رادیویی به زبان انگلیسی از طرف ژاپن پخش می شد که بسیاری از آنها به تبلیغات ضد آمریکائی می پرداختند. GIS به تمام آنها لقب کنایه آمیز «توکیو رز» را داده بود. پس از جنگ خانم داکیتو به ده سال زندان محکوم شد وی در سال ۱۹۷۷ مورد عفو رئیس جمهور فورد قرار گرفت.



بازوبند آلمانی

چتری برای نشان دادن کاریکاتور
سرباز انگلیسی استفاده شده است

یونیفورم و نشان ژاپن



▲ کارتونی به نام اردنگی زدن به بریتانیائی ها

از سال ۱۹۴۲ انگلیسی ها موضوع کارتون های ایتالیائی بودند. در یکی از این کارتونها، مدیترانه «دریاچه ای ایتالیائی» نامیده می شد که ایتالیایی ها تلاش دارند انگلیسی ها را از شمال آن یعنی آفریقا بیرون اندازند. در این کارتون، آلمان ها مشغول حسین اقدام در اروپا و ژاپنی ها در حال بیرون راندن انگلیسی ها از آسیا نشان داده می شدند. سه قدرت محور یعنی آلمان، ایتالیا و ژاپن دارای هدفی مشترک و ضد انگلیس بودند.

هوانوردان بریتانیایی اعلامیه‌های تبلیغاتی را بار

هوایمائی کنند

مباران دشمن با اندیشه‌ها



این اعلامیه‌های ضد نازی به هوایمائی RAF انگلیسی آورده می‌شوند تا در وین و پراگ به پائین ریخته شوند. طی جنگ، بمب افکن‌های بریتانیایی و امریکائی تقریباً ۶ میلیارد اعلامیه روی اروپای اشغالی فرو ریختند. هدف بعضی از آنها رسیدن به دست غیر نظامیان کشورهای اشغالی و هشدار به آنها علیه همکاری با دشمن بود. برخی دیگر از سربازان دشمن می‌خواستند دست از تلاش بیپرده بردارند و از فرمان مافوق‌های خود سرپیچی کنند یا تسلیم شوند.



برجم انگلستان

برجم سه رنگ فرانسه

داس و چکیش شوروی
روی برجم سرخ

ستاره‌ها و نوارهای برجم امریکا

قدرت متفقین

اغلب، ساده‌ترین تصاویر موثرترین ابزار تبلیغاتی هستند. این پوستر که در سال ۱۹۴۳ در امریکا به چاپ رسیده مثال بسیار خوبی است. در این پوستر چهار کشور تشکیل دهنده متفقین در حال تکه تکه کردن علامت صلیب شکسته نازی دیده می‌شوند. یادآوری: در این پوستر، کاری و مشارکت کشورهای متحد بر قدرت دولت‌های محور غلبه خواهد کرد در افزایش روحیه مردم حتی در تاریک‌ترین روزهای جنگ کمک زیادی کرد.

ورالین برای دریانوردان هلندی نامه یادبود امضای کند



► سرگرم کردن نیروها

خواننده بریتانیایی ورالین معروف به «محبوب قلب نیروها» یکی از چندین هنرمندی بود که برای بالا نگه داشتن روحیه نیروها، ترانه اجرا می کرد. آوازهای وی، عامه پسند، به روز، آرام و احساسی بوده و موجب تسکین اعصاب درهم شکسته سربازان شده و به آنها اطمینان می داد که به زودی به میهن باز خواهند گشت.



◀ خدایان جنگ امریکا

در اعلامیه چینی که در اوایل سال ۱۹۴۵ منتشر شد، آمده است: این خلبان امریکائی به شما کمک کرد تا ژاپنی ها را از آسمان چین بیرون برانید... اما او و همکاران چینی اش به هنگام مجروح شدن، گم شدن یا گرسنه شدن به کمک شما نیاز دارند. چنین درخواست هایی لازم بود تا به روستائیان چینی گفته شود کدام کشور، دوست و کدام دشمن است.

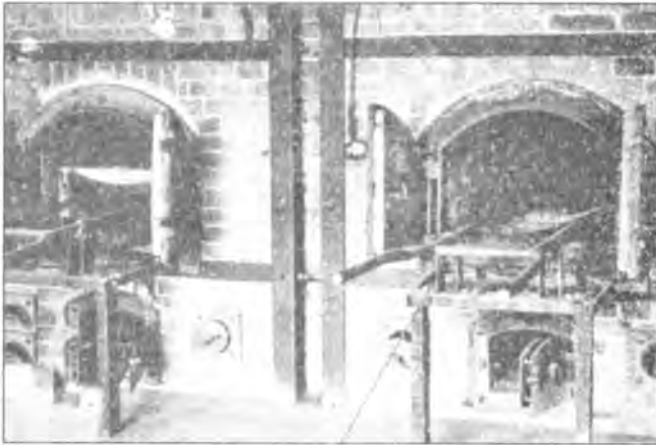


► نابودگر سامورائی

در این پوستر از قدرت دولت های محور بعد از غرق کردن دو رزمنا بریتانیایی به دست ژاپنی ها تجلیل می شود. ژاپن که همچون جنگجویی سامورائی به تصویر درآمده است، رزمناوهای HMS شاهزاده ویلر و HMS ریپلز را نابود نمود که در سال ۱۹۴۱ از سنگاپور در برابر حمله ژاپن دفاع می کردند.

نسل‌کشی

یکی از اقدامات رعب‌آوری که در جنگ انجام شد، نسل‌کشی و تلاش نازی‌ها برای انهدام کامل بعضی از گروه‌های مذهبی در اروپا بود که می‌توان از آن به عنوان تکان دهنده‌ترین وقایع جنگ نام برد. نازی‌ها به شدت ضد نژاد یهود بودند و آنها را به همکاری با دشمن و جاسوسی متهم می‌کردند. بنابراین هزاران یهودی را به اردوگاه‌های کار اجباری فرستادند که در آن جا بسیاری تا سر حد مرگ کار کردند. برخی دیگر مجبور شدند در محلات پست شهرها زندگی کنند. هنگامی که ارتش هیتلر در سال ۱۹۴۱ به روسیه تجاوز کرد، میلیون‌ها یهودی غیر آلمانی تحت کنترل نازی‌ها قرار گرفتند. نازی‌ها برای حل کامل مسئله یهودیان «راه حل نهائی» را طراحی کردند. آنها برای کشتن هزاران تن از یهودیان به صورت روزمره اردوگاه‌های مخصوصی تاسیس کردند. هیچ کس نمی‌داند چه تعداد به این شیوه منهدم شدند. بعضی می‌گویند بیش از ۶ میلیون نفر بدین سان به قتل رسیدند.



برای قرار دادن اجساد در داخل کوره از برانکار استفاده می‌شد

▲ کوره‌های آدم‌سوزی

لباس، مو، جواهرات و هرگونه دندان طلا از بدن زندانیان مرده جدا می‌شد و سپس آماده سوزاندن می‌گردید. دیگر زندانیان مجبور بودند در سوزاندن مرده‌ها به زندانبانان کمک کنند. در آشویتز، بعضی از زندانیان با منفجر کردن یکی از کوره‌های آدم‌سوزی، علیه این عمل هراس‌انگیز شورش کردند.



◀ کاسه غذاخوری

این قوطی خالی توسط زندانی یکی از اردوگاه‌ها به عنوان کاسه غذاخوری استفاده می‌شد. زمانی این قوطی حاوی کریستال‌های گاز سیانور بود که در اتاق‌های گاز به صورت گسترده برای کشتار هزاران نفر استفاده می‌گردید.

▶ اندیشه‌های ضد یهود

در این پوستر تصویری نمایش داده می‌شود که در مونیخ آلمان در سال ۱۹۳۷ آن را «یهود ابدی» می‌نامیدند. این یکی از چندین روشی بود که نازی‌ها برای گسترش اندیشه‌های ضد یهود مورد استفاده قرار می‌دادند. آنها با به قدرت رسیدن در سال ۱۹۳۳ محدودیت‌هایی برای تجار یهودی ایجاد کردند. در سال ۱۹۳۵ قوانین نورمبرگ را به تصویب رساندند که طبق آن یهودیان از حقوق شهروندی محروم می‌شدند.



یهودیان در محله پست ورشو در تیررس تفنگ نازی‌ها جمع‌آوری شده‌اند.



◀ محله پست ورشو

در سال ۱۹۴۰، ۴۴۵۰۰۰ یهودی در ورشو پایتخت لهستان و در یک محله فقیر دیوارکشی شده جمع‌آوری شدند. سپس این محله کاملاً در محاصره نظامی قرار گرفت. شرایط داخل آن وحشتناک بود و بسیاری از بیماری،

سرما و گرسنگی جان باختند. در آوریل ۱۹۴۳، نازی‌ها با تانک و هواپیما برای پاکسازی آنها به این محله هجوم آوردند. یهودیان تا حد مرگ مقاومت کردند ولی تنها ۱۰۰ نفر از آنها موفق به فرار گردیدند.

▶ رو به رو شدن با حقیقت

نیروهای متفقین، آلمانی‌های محلی را به درون بعضی از اردوگاه‌ها بردند تا از نزدیک با وحشی‌گری‌هایی که به نام نازیسم انجام شده بود روبه‌رو گردند. با آزاد شدن اردوگاه‌ها به دست نیروهای مهاجم روسیه، انگلیس و آمریکا، حقیقت وحشتناک نسل‌کشی آشکار گردید.



ستاره زرد

از سال ۱۹۴۲ بدین سو، یهودیان در اروپای تحت اشغال آلمان مجبور گردیدند ستاره‌های زرد روی لباس خود بدوزند. بدین سان، شناسائی آنها برای مقامات آسان تر می‌شد. کسانی که در اردوگاه به سر می‌بردند نیز چنین لباس‌هایی به تن می‌کردند.



اردوگاه‌های مرگ

نازی‌ها برای نگاهداری کمونیست‌ها، زندانیان سیاسی، کولی‌ها و کسانی که «نامطلوب» می‌دانستند، اردوگاه‌های کار اجباری ایجاد کردند. بسیاری مجبور شدند در نزدیک کارخانه‌ها ساکن و کار کنند. در سال ۱۹۴۲، هشت اردوگاه مرگ به اتاق‌های گاز برای سرعت بخشیدن به کشتار مخالفین مجهز شدند. معروف‌ترین آنها اردوگاه آشویتز (عکس بالا و روبرو) و تربلینکا در لهستان بودند.

تصویرات اولیه

بسیاری از اسیران و زندانیان که با استفاده از راه‌آهن به اردوگاه‌ها فرستاده شدند تصور نمی‌کردند قرار است در اروپای شرقی کار کنند. به بعضی از قربانیان گفته شده بود که اتاق‌های گاز، حمام برای استحمام می‌باشد.



یک قربانی مجارستانی، یکی از بازماندگان بلسن



اردوگاه آشویتز در لهستان به عنوان یادگارِ همیشگی نسل‌کشیِ ناکسون حفظ شده است.

► شرایط اردوگاه

شرایط داخل اردوگاه‌ها هراس‌انگیز بود. غذا به سختی یافت می‌شد و کسانی که قادر به کار بودند مجبور به انجام کارهای طاقت فرسا در شیفت‌های ۱۲ ساعته بودند. بسیاری از افسرانی که اردوگاه‌ها را اداره می‌کردند از آزار و اذیت زندانیان لذت می‌بردند. بعضی دیگر، معروف تر از همه دکتر ژوزف منگل در آشویتز، روی زندانیان زنده و مرده آزمایش‌های وحشتناکی انجام می‌دادند.

نگهبانان اس اس در بلسن دستگیر شدند.



▲ مجازات نگهبانان

برای نیروهای متفقین که اردوگاه‌ها را آزاد ساختند، تحمل این واقعیت دهشتناک بسیار دشوار بود. وقتی سربازان آمریکایی در آوریل ۱۹۴۵ به داخو وارد شدند، ۱۲۲ نگهبان اس اس آلمانی را در دم اعدام کردند. بعضی از نگهبان‌ها وادار شدند اجساد را دفن کنند. برخی افسران دستگیر و به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه شدند.



حمله روز دی (D - Day)

در سپیده دم ۶ ژوئن ۱۹۴۴ (روز دی)، بزرگترین حمله دریائی تاریخ از سواحل نورماندی فرانسه آغاز شد. عملیات خداوند بزرگ، نامی بود که متفقین برای آغاز حمله از فرانسه بر آن نهاده بودند. این عملیات نتیجه سالها برنامه ریزی دقیق بود. بیش از ۱۵۰۰۰۰ سرباز امریکایی، انگلیسی و کانادائی در عرض کانال انگلیس صفآرایی کردند تا پنج پل دریایی برای عبور تجهیزات جنگی ایجاد کنند. تمام خطوط ساحلی در تسخیر دشمن بود. به دلیل آب و هوای نامساعد حمله به تعویق افتاد ولی سرانجام فرمانده کل نیروهای متحد، ژنرال دوایت دی آیزنهاور (۱۹۶۹-۱۸۹۰) مسئولیت خطر پیشروی را به عهده گرفت. آلمانها تهاجمی دورتر و در شرق را انتظار داشتند و بیشتر نیروهای خود را به شرق گسیل کرده و یا در آنجا استحکامات دفاعی ایجاد کرده بودند. عملیات در شب شروع شد چون در آن هنگام، پلها امن به نظر می رسیدند و تلفات جانی در حدود ۲۵۰۰ سرباز برای عملیاتی در این مقیاس حداقل تلفات به حساب می آمد. آزادسازی اروپای غربی تحت اشغال آلمان آغاز شده بود.

حمله از آسمان

چتربازان در پیاده شدن نیروها در نورماندی نقش مهمی بازی کردند. در اولین ساعات روز دی، چتربازان ارتش آمریکا برای حفظ امنیت مواضع حیاتی نیروها، در پشت ساحل یوتا فرود آمدند. در این بین، چتربازان انگلیسی در پشت ساحل شمشیر فرود آمدند و در آن جا باطری (اسم رمز توپخانه) آلمان را از کار انداختند.



بندرهای مولبری

یک افسر نیروی دریائی بریتانیا گفت «اگر نتوانیم بندری را برای استقرار نیروها تسخیر کنیم باید بندری درست کرده و آن را با خود ببریم». در نتیجه، دو بندر شناور یا مولبری در بریتانیا ساخته شد. این بندرها دو جاده شناور عظیم فولادی بودند که در عرض کانال قرار داده شدند و ساحل گلد را به ساحل اوماها متصل نمودند.

▶ کارت پستال‌های هوشمند

سرویس‌های اطلاعاتی متفکین از کارت پستال‌های نرماندی برای تهیه تصویری کامل از خط ساحلی، قبل از تهاجم استفاده می‌کردند. نقشه‌ها، عکس‌های هوایی و اطلاعات جاسوسان، دیگر منابع اطلاعاتی آنها بودند.



«شمشیر» رمز یکی از عملیات پیاده سازی نیرو در ساحل در روز دی



▲ ساحل «شمشیر»

این نقشه تفصیلی از ساحل «شمشیر»، نشان دهنده ویژگی‌های فیزیکی و خطراتی است که سربازان هنگام پیاده شدن در ساحل با آن روبه‌رو می‌شدند. «شمشیر» نام رمز شرقی‌ترین بخش ساحل بود و مانند سواحل مجاور «جونو» و «گلد» در طوفان حملات نیروهای انگلیسی و کانادایی قرار گرفت. نیروهای امریکایی در سواحل باختری «وماها» و «یوتا» پیاده شدند.

فرمان جداشو

▶ موتورسیکلت تاشو

موتورسیکلت‌های تاشو برای آسان کردن ترابری نیروهای هواپرد در حال پیاده شدن، در پشت خطوط دشمن فرو افکنده می‌شدند. موتورهای سوخت لازم برای طی مسیر ۱۴۴ کیلومتری را داشتند و می‌توانستند با سرعتی بیش از ۴۸ کیلومتر در ساعت حرکت کنند.

سازوکار جداسازی زین

موتور بنزینی



موتورسیکلت دوچرخه مانند انگلیسی

خمبارۀ آماده آتش



عمل انفجاری

با رسیدن به ساحل، متفقین شروع به پیشروی در درون خشکی، مقابله با تک تیراندازها، تانک‌ها و استحکامات مخفی شده در میان علفزارهای نرماندی کردند. پیشروی کند بود اما تا آخر ماه ژوئیه، متفقین تقریباً یک میلیون نیرو در فرانسه پیاده کرده بودند. سپس آنها به سوی شرق یعنی به سمت پاریس حرکت همه جانبه خود را آغاز کردند.

بالون‌های سد کننده برای حفاظت از تجهیزات در برابر حملات هوایی



در ساحل

این منظره از ساحل اوماها روز پس از روز دی، نمونه‌ای از تهاجم به ساحل است که کامیون‌ها، تانک‌ها و نیروهای نظامی به گل می‌نشستند. همین که موج اول سربازان به ساحل می‌رسید آنها شروع به امن کردن ساحل از خطر حمله دشمن می‌کردند. سپس کشتی‌ها شروع به پیاده سازی حجم وسیعی از تجهیزات می‌نمودند.

حمله «وماها»

سخت‌ترین مکان از پنج مکان پیاده سازی نیروها، ساحل «وماها» بود. دور تادور این ساحل را تپه‌های بلند احاطه کرده و تنها چند مسیر جاده‌ای در آن وجود داشت که دفاع از آن را مشکل می‌ساخت و حمله به آنجا دشوار بود. نیروهای امریکائی حداقل ۳۰۰۰ نفر تلفات متحمل شدند. اما توانستند تا نیمه شب یک پل ۳ کیلومتری ایجاد کنند.



بمب هسته‌ای

دو دانشمند، فیزیک‌دان آلمانی بمب هسته‌ای را در اوایل سال ۱۹۳۸ کشف کردند. آنها هسته اورانیوم را شکافتند و واکنش زنجیره‌ای اتم‌ها، قدرت نهفته عظیمی را آشکار کرد. بعد از ورود آمریکا به جنگ در سال ۱۹۴۱ یک تیم از دانشمندان کشورهای مختلف، که بسیاری‌شان از آلمان نازی گریخته بودند، برای تبدیل این کشف به بمب هسته‌ای تلاش کردند، پروژه مانهاتان، نام معروف این عملیات بود که در لوس آلموس، ایالت نیومکزیکو، مستقر بود و رابرت اوپنهاইمر، فیزیکدان هسته‌ای (۱۹۰۴-۱۹۶۷) رهبری آن را به عهده داشت. در ژوئیه ۱۹۴۵، این تیم سه بمب هسته‌ای به وجود آورد. اولین بمب با موفقیت در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ در صحرای نیومکزیکو آزمایش شد.



موتورهای قدرتمند دوگانه هواپیمای B-۲۹ را قادر می‌ساختند بمب‌های سنگین را در مسافت‌های طولانی حمل کنند.

بطری ذوب شده در اثر انفجار در هیروشیما



▲ انولاگی

بمب افکن غول پیکر آمریکایی، معروف به «انولاگی» در ساعات اولیه بامداد ۶ اوت ۱۹۴۵ از زمین برخاست. هواپیما بار خود را روی هیروشیما ژاپن فرو افکند. این واقعه در ساعت ۸:۱۵ صبح انجام شد.



پسر کوچک بمبی (۳ متری با قطر ۷۱ سانتیمتر بود).

▲ کوچک اما مرگبار

«پسر کوچک» بمب مبتنی بر اورانیوم ۲۳۵، در حدود ۴۰۸۲ کیلوگرم وزن داشت و نام بمبی بود که روی هیروشیما افکنده شد. قدرت انفجار آن ۲۰۰۰ برابر بزرگتر از بزرگترین بمب‌هائی بود که قبلاً منفجر شده بودند.

ابر قارچی شکل از فاصله ۵۸۰ کیلومتری قابل مشاهده بود.



تنها مشتی آجر از انفجار بمب در ناکازاکی باقی ماند

بمباران ناکازاکی

در بامداد ۹ اوت ۱۹۴۵، سومین و آخرین بمب هسته‌ای روی جنوب شهر ناکازاکی ژاپن افکنده شد. نام بمب «مرد چاق» بود. این بمب مبتنی بر پلوتونیوم و وزنی معادل ۴۵۳۶ کیلوگرم داشت. هدف اصلی در واقع پایگاه مهم نظامی ژاپن به نام کوکورا بود. اما شرایط بد جوی باعث شد در آخرین لحظه ناکازاکی جایگزین شود. حدود ۷۳۸۸۴ نفر کشته و ۵۱۰۰۰ ساختمان شهر به کلی ویران، یا به شدت خسارت دید.

ابر تا فاصله ۱۰۰۰۰ متری بالا می‌رود



اسیران ژاپنی از تسلیم کشورشان آگاه می‌شوند

تسلیم ژاپن

در ۹ اوت ۱۹۴۵ و در همان روز انفجار ناکازاکی، روسیه با پیشروی در منچوری به ژاپن حمله کرد. در آن شب، شورای عالی جنگ ژاپن به ریاست امپراتور هیروهیتو تشکیل جلسه داد. اما نتوانست در مورد یک برنامه عملی تصمیم‌گیری کند. سپس هیروهیتو مسئولیت را عهده‌دار شد و تقاضای متفقین برای تسلیم ژاپن را پذیرفت. بدین شرط که وی بتواند امپراطوری باقی بماند. روز بعد هیروهیتو در رادیوی ملی ژاپن سخنرانی کرد. این برای اولین بار بود که صدای او شنیده می‌شد و تسلیم ژاپن را به مردم اعلام نمود.

موج انفجار تا ۵۰۰ م پی ایچ (۸۰۰ کی پی ایچ) قدرت داشت

► هراس بر فراز هیروشیما

بمبی که روی هیروشیما افکنده شد در فاصله ۶۰۰ متری بالای شهر منفجر شد. این بمب نور کورکننده و گرمائی تولید کرد که در اثر انفجار تشعشعات آن تا فاصله ۳/۶۶ کیلومتری منتشر شد و تا ۱۳ کیلومتر مربع، هر ساختمانی را با خاک یکسان نمود. در عرض پنج روز بیش از ۱۳۸۶۶۱ نفر جان باختند.

بازماندگان، جیره اضطراری برنج در دست دارند

► بازماندگان

بیش از ۲۰۰۰۰۰ شهروند هیروشیما و ناکازاکی در اثر انفجار هسته‌ای کشته شدند. و بسیاری دیگر از سوختگی‌های شدید و دیگر جراحات‌ها مانند تشعشع‌زدگی آسیب دیدند. اثرات بلندمدت تشعشع مانند سرطان و کم‌خونی، هم روی بازماندگان هم فرزندان آنها باعث شد محاسبه آمار دقیق مرگ‌ها ناممکن شود. اما احتمال می‌رود که فقط در هیروشیما ۱۵۰۰۰۰ نفر در پنج روز اول انفجار در اثر تشعشع جان باخته باشند.



«برقی خیره کننده آسمان را
پر کرد... و دنیای اطرافم فرو
ریخت و از هم پاشید»

سخن یک بازمانده هیروشیما

موزه علم و صنعت از اوت ۱۹۴۵
تاکنون دست نخورده مانده است



▲ اگرچه هیروشیما و ناکازاکی بعد از جنگ بازسازی شدند ولی ناحیه مرکزی ویران شده هیروشیما به عنوان یادبود وحشت سلاح‌های هسته‌ای، دست نخورده باقی ماند. از سال ۱۹۵۵ تاکنون هر ساله در هیروشیما کنفرانس بین‌المللی ضد سلاح‌های هسته‌ای برگزار می‌شود.

دما در سطح زمین به ۵۰۰۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد

آزادسازی

آزادسازی اروپا از حاکمیت آلمان و ایتالیا به تلاشی طولانی و خستگی ناپذیر نیاز داشت. از نخستین پاتک نیروهای روسیه در استالینگراد در سال ۱۹۴۲، ارتش سرخ به آرامی ارتش آلمان را به سوی غرب روسیه به عقب رانده بود. جبهه لهستان تا ژانویه ۱۹۴۴ گشوده نشد، اما نبرد در منطقه بالکان تا سال ۱۹۴۵ تداوم یافت. آزادسازی ایتالیا به دست نیروهای متفقین از حاکمیت فاشیسم به همین نسبت کند بود و این در حالی بود که آزادسازی فرانسه تا ژوئن ۱۹۴۴ آغاز نشد. دانمارک، نروژ، و بخش‌هایی از هلند و اتریش تا تسلیم نهایی آلمان در مه ۱۹۴۵ تحت حاکمیت آلمان نازی باقی ماندند. در آسیا، تنها فیلیپین و اکثر بخش‌های برمه و برخی جزایر تا پایان جنگ از سلطه ژاپن خارج شده بود. در همه جا، مردم محلی باید زندگی خود را از سر می‌گرفتند و خسارات ناشی از جنگ را در میان ویرانه‌های منازل خود محاسبه می‌کردند.



پارتیزان‌های ایتالیایی در اقدامی برای آزاد سازی میلان

▲ آزاد از فاشیسم

در ژانویه ۱۹۴۵ نیروهای متفقین به سمت شمال ایتالیا پیشروی نمودند؛ از آن جا پارتیزان‌های ارتش مقاومت به آنها یاری می‌رساندند. این پارتیزان‌ها برای سرنگون سازی حکومت پوشالی موسولینی و اخراج آلمان‌ها از ایتالیا می‌جنگیدند. آنها میلان و تورن را آزاد ساختند و مسئول اعدام موسولینی در آوریل ۱۹۴۵ نیز بودند.

▶ آزادسازی پاریس

رهبر فرانسه ژنرال دوگل، در جلو صف راهپیمایان به سوی انتهای خیابان شانزه لیزه در پاریس در ۲۶ اوت ۱۹۴۴ حرکت می‌کند. آلمان‌ها از ۱۴ ژوئن ۱۹۴۰ پاریس را به اشغال درآورده بودند. در ۹ اوت ۱۹۴۴، جنبش مقاومت شکل گرفت و نیروهای فرانسه آزاد، شش روز بعد شهر را در نور دیدند. فرمانده آلمان‌ها ژنرال چولتیز تسلیم شد.



سینه‌خیز سربازان روی ویرانه‌های صومعه‌ای در مونت کازینو

◀ سقوط مونت کازینو

چتربازان آلمانی روی آوارهای صومعه مونت کازینو در ایتالیا در سال ۱۹۴۴ با سربازان متفقین وارد جنگ شدند. پس از حمله متفقین و آزادسازی سیسیل در ژوئیه ۱۹۴۲، ایتالیا تسلیم شد. در ماه اکتبر ایتالیا تغییر جهت داد و به آلمان متحد قبلی خود اعلان جنگ نمود. نیروهای آلمانی سپس به ایتالیا سرازیر شدند و متفقین مجبور شدند برای پیشروی خود در تمام طول این کشور به جنگ بپردازند.

دو زن علامتی را در جلو ستاد نازی در ترویز، فرانسه درهم می‌شکنند.

▶ نازی زدائی

با بیرون رانده شدن آلمان‌ها از کشورهای اشغالی توسط متفقین، مردم محلی شروع به زدودن تمامی علائم برجا مانده از حاکمیت قبلی نازی‌ها نمودند. علائم به زبان آلمانی ناپود و نمادهای نازی از ساختمان‌ها حذف شدند و مردم شروع به بازسازی کشورهای ویران شده خود نمودند.





عقاب برنزی

ترکش سوراخی در بال عقاب ایجاد کرده

نشان ملی آلمان

◀ عقاب هیتلر

این عقاب برنزی عظیم در دفتر کار رسمی هیتلر در برلین یا اتاق رایش، نصب شده بود. این دفتر در تسخیر نیروهای روس قرار گرفت و یک افسر ارتش سرخ در سال ۱۹۴۴ آن را به سربازی انگلیسی در برلین داد. در بالهای آن هنوز نشانه‌هایی از اصابت ترکش‌های جنگ در برلین به چشم می‌خورد.

صلیب شکسته در بین کلافی از برگ بلوط

سرباز روسی پرچم سرخ را در بالای ساختمانی در پایتخت آلمان، برلین بالا می‌برد



◀ سقوط برلین

در ۲ مه ۱۹۴۵، دو روز بعد از خودکشی هیتلر، سربازان شوروی برای برافراشتن پرچم سرخ به علامت پیروزی، بر بام رایشتاگ، پارلمان اشغال شده آلمان رفتند. عقب راندن آلمان‌ها از دروازه‌های استالینگراد تا حومه برلین، پایتخت آلمان، دو سال و نیم نبرد بی‌رحمانه زمان برد.

◀ آزادی فرانسه

با آزاد شدن فرانسه، صلیب‌های شکسته نازی پائین آورده شد و جای خود را به پرچم سه رنگ فرانسه داد. آزادسازی فرانسه از روز دی (۶ ژوئن ۱۹۴۴) آغاز شده بود و با پیشروی متفقین به سوی شرق یعنی آلمان در اوایل سال ۱۹۴۵ پایان یافت. نیروهای فرانسه آزاد قبلاً به رهبری دو گل، دولت موقتی را برای بازپس‌گیری فرانسه از چنگ آلمان تاسیس کرده بودند.

یک سرباز در حال کشیدن پرچم نازی پشت سر خود بعد از آزادسازی فرانسه

پیروزی

مراسم تسلیم بی قید و شرط نیروهای آلمانی در ساعت ۲:۴۱ بامداد ۷ مه ۱۹۴۵ در مدرسه کوچک ریمز، شمال فرانسه، انجام شد. سفیرانی از چهار کشور متحد، انگلستان، فرانسه، آمریکا و شوروی شاهد این واقعه بودند. مراسم در فردای آن روز یعنی ۸ مه مجدداً در برلین تکرار شد که رسماً به عنوان روز وی (پیروزی در اروپا) معروف شد. سه ماه بعد، پس از فرو افکندن دو بمب هسته‌ای روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی، ژاپن در ۱۴ اوت تسلیم گردید. مراسم رسمی تسلیم بر روی عرشه رزمناو میسوری آمریکا در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵، در خلیج توکیو انجام شد. پس از شش سال جنگ بین المللی، سرانجام دنیا به صلح رسیده بود. متفقین برنامه‌های مفصلی برای برخورد با دشمنان پیشین خود آماده کرده بودند، که به سرعت می‌خواستند اجرا کنند و فقط چند روز را صرف برپائی جشن پیروزی کردند.

مردم با ریختن نوار کاغذی فضای جشن در خیابان وال استریت شهر نیویورک را شادمانه‌تری سازند.

روز پیروزی در شهر نیویورک

چند روز پس از تسلیم بی قید و شرط نیروهای آلمانی در ۷ مه، دنیا سرانجام بهانه‌ای برای جشن گرفتن در اختیار داشت. در سراسر آمریکا، مردم به خیابان‌ها ریختند و جشن‌های خودجوش برگزار کردند. در لندن، نخست‌وزیر بریتانیا، وینستون چرچیل در پیشخوان کاخ باکینگهام همراه با خانواده سلطنتی در برابر مردم شادمان انگلیس حاضر شد. در پاریس و دیگر شهرهای تازه آزاد شده اروپا، جشن‌ها و مهمانی‌های پرشورتری برگزار گردید.





«شرق و غرب به هم رسیده‌اند. این خبری است که کل دنیای متفقین منتظر آن بوده‌اند. نیروهای آزادی بخش دست یکدیگر را افشرده‌اند.»

مفسر خبری رادیو امریکا، ۱۹۴۵

▲ آتش بازی در مسکو

مسکو با نمایش آتش بازی و رژه نظامی در میدان سرخ، پیروزی خود بر آلمان را جشن گرفت. علامت‌های جنگی به غنیمت گرفته شده، مانند پرچم‌های آلمان نازی، زیر پای رهبران پیروزمند روسیه افکنده شد.

روزنامه هندی که به زبان انگلیسی چاپ شده است



► تسلیم ژاپنی‌ها

وی.جی (روز پیروزی در ژاپن) در ۱۵ اوت ۱۹۴۵ عاملی برای برگزاری جشن‌های دیگر در سراسر جهان بود. اما اگرچه ژاپن رسماً تسلیم شده بود، بسیاری از نیروهای ژاپنی به جنگ ادامه می‌دادند تا آن که در ماه سپتامبر سرانجام صلح برقرار شد.



سنت جرج قاتل اژدها

▲ صلیب سنت جرج بریتانیا

این نشان را نخستین بار جرج پانزدهم در سال ۱۹۴۰ به کسانی اهدا نمود که در جنگ از خود فداکاری نشان داده بودند. در سال ۱۹۴۲ این نشان به مردم مالتا به افتخار رنج‌های آنان در جنگ اهدا شد.

► صلیب والور

به نظامیان لهستانی که در جنگ شجاعت بسیار نشان داده بودند، نشان صلیب والور اعطا شد. تصویر عقاب بومی لهستان در وسط صلیب به چشم می‌خورد.



پیامدها

کشورهای دنیا در سال ۱۹۴۵ با وظیفه‌ای عظیم روبه‌رو بودند. هم طرف‌های پیروز و هم طرف‌های شکست خورده، خسارت‌های وحشتناکی را متحمل شده، و حدود ۵۵ میلیون نفر در صحنه جنگ یا در جبهه میهنی خود جان باخته بودند. بدترین اثرات در اتحاد شوروی با ۲۰ میلیون کشته و یا در لهستان که یک پنجم کل جمعیت پیش از جنگ خود را از دست داد، به چشم می‌خورد. ادعا می‌شود که شش میلیون یهودی جان خود را در هولوکاست از دست دادند. تمام کشورها به جز ایالات متحده آمریکا، بعد از جنگ با شهرهای بمباران یا ویران شده یا کارخانه‌ها و کشتزارهای نابود شده، روبه‌رو بودند. رهبران آلمان و ژاپن در برابر دادگاه‌های جنایات جنگی محاکمه شدند و بسیاری از سربازان به مدتهای طولانی در اردوگاه‌های اسرا زندانی شدند. در همه کشورها، بازسازی پس از جنگ کند پیش می‌رفت. هنوز آثار دردناک ناشی از این جنگ و وحشتناک در شهرها و حتی روحیات مردم باقی مانده بود و شب ترس از جنگی ویرانگر و مجدد مردم را می‌ترساند. اما در تمام کشورها، اراده نیرومندی برای گذار از این مرحله و بازسازی ویرانی‌ها به چشم می‌خورد.

◀ سازمان ملل

سازمان ملل یکی از آخرین میراث‌های جنگ بود. نمایندگان ۲۶ کشور از جمله آمریکا، شوروی، بریتانیا و چین در ۱ ژانویه ۱۹۴۲ در واشینگتن دیدار کردند. همه طرفها توافق کردند که بدون موافقت دیگر اعضای سازمان ملل با دولتهای محور (ایتالیا، آلمان و ژاپن) صلح نکنند. در اکتبر ۱۹۴۵، سازمان دائمی ملل متحد با ۵۱ عضو تاسیس شد. ایران از جمله اولین اعضای سازمان ملل بود.



▶ ادامه جیره‌بندی

پایان جنگ به معنای پایان کمبودها در سراسر اروپا نبود. تا زمانی که کشاورزی و صنعت بتواند به وضعیت عادی تولید باز گردد، غذا و نیازهای اساسی کماکان با کمبودهای نومیذکننده‌ای روبه‌رو بود. نان برای اولین بار در انگلستان در سال ۱۹۴۶ جیره‌بندی شد و سهمیه‌بندی گوشت تا سال ۱۹۴۵ پایان نیافت.

دفترچه سهمیه‌بندی وزارت مواد غذایی انگلستان
برای سال‌های ۵۰-۱۹۴۵



▶ خانه‌های پیش ساخته

خانه‌های پیش ساخته در بریتانیا برای اسکان هزاران نفر از مردم بی‌خانمان شده در اثر بمباران مورد استفاده قرار گرفت. مصالح فولادی، آلومینیومی و فایبرگلاس در ابعاد کوچک آماده شده بود و نصب آنها برای ساختن یک سرپناه تنها چند روز زمان نیاز داشت. در دهه ۱۹۴۰ بیش از ۱۵۰۰۰۰ منزل پیش ساخته نصب گردید. گرچه هدف از ساختن آنها، راه حلی موقتی برای اسکان مردم بود ولی بعضی از آنها امروز نیز سرپا باقی مانده‌اند.



بدنه در هم شکسته جنگنده M11۰ سراسمیت متعلق به هس (جانشین هیتلر)

▲ سقوط به زندان منجر می‌شود

در ۱۰ مه ۱۹۴۱، رودلف هس، جانشین رهبر حزب نازی، از آلمان به اسکاتلند پرواز کرد. هواپیمای او سقوط کرد و هس تسلیم شد و ادعا نمود به دنبال صلح بوده است. در جریان دادگاه‌های نورمبرگ، هس به حبس ابد محکوم شد و تا زمان مرگش در سال ۱۹۸۷ در زندان اسپاندو در برلین باقی ماند. دلایل واقعی پرواز هس هرگز کاملاً فاش نگردید.



◀ دور کردن آوارها

در سراسر آلمان، مردم برای بازسازی شهرهای بزرگ و کوچک ویران شده خود تلاش می‌کردند. آنها خانه‌های بمباران شده را تخلیه کرده، آوارها را از جاده‌ها و گذرگاه‌ها زدوده و به بازسازی شهرها یاری رساندند. کار دشوار و ناخوشایند، بود زیرا گاهی آنها با اجساد در حال تجزیه در سرداب‌ها و زیرزمین‌های ساختمان‌ها مواجه می‌شدند.

▶ امریکای ثروتمند

امریکا بعد از جنگ، بسیار قوی تر و ثروتمندتر از زمانی که وارد جنگ شده بود، به عنوان قدرتی بین المللی ظهور کرد. به استثنای تعدادی از جزایر اقیانوس آرام که جزو قلمرو این کشور محسوب می شد، هیچ نقطه دیگری از آن مورد بمباران یا تجاوز قرار نگرفت و مردم بدون اینکه به فکر بازسازی باشند به سرعت وارد عرصه تولید شده و دولت آمریکا نیز به سرعت کارخانجات تولید وسایل و تجهیزات جنگی را به کارخانه های تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز تبدیل کرده و با صادرات این کالاها به دیگر کشورهای جنگ زده، درآمد و سود سرشاری بدست آورد. دستمزدها به سرعت افزایش پیدا کرد و بسیاری از امریکائی ها به راحتی توانستند از عهده خرید منازل ویلایی در حومه شهر و اتومبیل های جدید برآیند.



◀ دادگاه های جنایت جنگی

پس از جنگ، بسیاری از مقامات ارشد نازی و ژاپنی به اتهام ارتکاب جنایت های جنگی گوناگون به محاکمه کشیده شدند. در نورمبرگ آلمان ۶-۱۹۴۵ دادگاه ۲۲ مقام ارشد نازی توسط دادگاه نظامی بین المللی متشکل از قضات امریکائی، فرانسوی، روس

و انگلیسی برگزار شد. دوازده تن از ۲۲ متهم به مرگ محکوم شدند. در ژاپن، ژنرال توجو در سال ۱۹۴۸ به مرگ محکوم گردید. دادگاه های بعدی مانند دادگاه افسران اردوگاه های اسیران نازی در سال ۱۹۴۸ برگزار و سالها ادامه یافت.



◀ پارک صلح هیروشیما

این تندیس یادبود، در پارک صلح شهر هیروشیما واقع است. پارک یادآور صدمات وحشتناکی است که سلاح های هسته ای در هر جا می توانند به مردم وارد آورند. از زمان جنگ تاکنون، کوشندگان صلح در سراسر جهان به اعتراضات خود ادامه داده اند تا یقین پیدا کنند دو بمب هسته ای افکنده شده روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی، آخرین سلاح های هسته ای خواهند بود که که دولتها مورد استفاده قرار داده و یا خواهند داد.

آیا می دانید؟

رخدادهای کم اهمیت

استونیایی که در گوتشکا ساندئون (۱۵۰ کیلومتری سوئد) مخفی شده بود، ارسال گردیده بود. حدود ۲۰۰۰ پناهنده کشورهای بالتیک در طول جنگ در این جزیره پناه جسته بودند.

در جاهائی که فرستنده یا تلفن در دسترس نبود، نظامیان برای ارسال گزارش‌های اضطراری از کیبوتر نامه‌بر استفاده می‌کردند. ارتش‌ها دارای کیبوترهای ویژه و قفس‌های متحرک نگاهداری از کیبوتر بودند.

پیغام آورده شده توسط پست کیبوتر



اعضای ارتش هشتم بخش سرویس کیبوترهای نامه‌بر

ژاپن و روسیه هرگز بعد از جنگ رسماً به دشمنی‌های خود پایان ندادند. برنامه‌ها برای واداشتن آن دو کشور به امضای پیمان صلح رسمی در سال ۲۰۰۰ به هیچ نتیجه‌ای نرسید. ژاپن خواهان آن است که چهار جزیره در منطقه کوریل، نزدیک به ساحل خود را که روسیه در پایان جنگ به تصرف خود درآورده، به آن کشور بازگردانده شود.

یک یگان متشکل از ۲۹ تانک آبی - خاکی شرمز از کشتی‌های متفقیین در روز حمله به نرماندی (۶ ژوئن ۱۹۴۴) پیاده شد ولی فقط دو تانک موفق به این کار شدند. تانک‌های دیگر در دریا‌های ژرف غرق شدند. در سال ۲۰۰۰ غواصان توانستند محل قرار گرفتن اکثر تانک‌ها روی بستر دریا را کشف کنند.

در سال ۱۹۷۴ سربازی ژاپنی به نام هیرو اونادو، از جنگل‌های جزیره لوبانگ اقیانوس آرام بیرون آمد. او هنوز فکر می‌کرد جنگ ادامه دارد و به مدت ۲۹ سال در آن جا مخفی شده بود. غافل از آن که کشورش مدت‌ها پیش تسلیم شده بود.

بعد از جنگ اسباب و اثاثیه‌های ارزانی با استفاده از کمترین مقدار چوب و دیگر مواد خام ممکن طراحی شد. این نوع اثاثیه‌ها در اصل مورد استفاده تازه عروس و دامادها یا خانواده‌هائی قرار می‌گرفت که همه چیز خود را در حمله هوائی از دست داده بودند.

در سال ۱۹۴۲ برای جمع آوری اعانات و مراقبت از کودکان در یونان جنگ زده، سازمان خیریه اوکنام به وجود آمد. امروزه، این سازمان برای رفع مشکلات کودکان سراسر جهان تلاش می‌کند.

در سال ۲۰۰۳ پیغامی در یک بطری در ساحل سوئد به دست آمد. این پیغام ۶۰ سال قبل توسط یک پناهنده



سربازی بریتانیایی لباس مرخصی خود را برمی دارد

پنیسلین «داروی شگفت‌انگیز» جان میلیونها سرباز را نجات داد. در سال ۱۹۴۲ این دارو در مقیاس عظیم در

خط تولید قرار گرفت.



هر دو سوی جنگ از سگ‌های پیغام‌بر استفاده می‌کردند. ارتش امریکانیز هفت هنگ از سگ‌های جنگی نیز تربیت کرده بود. آنها به عنوان دیده‌ور یا نگهبان در اقیانوس آرام خدمت می‌کردند.



سرباز آلمانی همراه سگ پیغام رسان خود

در سال ۱۹۳۹، شیمیدان سوئسی، پل مولر، کشف کرد که ماده شیمیایی DDT بر اساس ترکیباتی از کلر ضد حشرات است. به یمن اکتشاف او، از DDT برای حفاظت از نیروها در برابر بیماری‌های ناشی از حشرات ناقل در طی جنگ استفاده شد.



شاهزاده الیزابت (راست)

شاهزاده الیزابت، که بعد با مقام ملکه الیزابت دوم تاجگذاری کرد، ملکه بریتانیا سهم خود را در تلاش‌های جنگی ادا نمود. او به واحد خدمات ارضی پشتیبانی پیوست و راندگی کامیون را به عهده گرفت.



در سال ۱۹۳۵، دولت بریتانیا از مهندس رابرت واتسون وات درخواست کرد روی پروژه «شعه مرگ» کار کند و با استفاده از امواج رادیویی قادر به انهدام هواپیماهای دشمن شود. ولی به جای آن، واتسون وات توانست از امواج رادیویی برای شناسایی هواپیماها استفاده کند، بدین ترتیب رادار یا «شناسایی و ردیابی رادیویی» متولد شد.



هنگام به پایان رسیدن دوره خدمت، هر سرباز انگلیسی یک دست لباس غیر نظامی دریافت می‌کرد. کت و شلوار، اورکت، پیراهن، دویقه مصنوعی، کلاه، کروات، دو جفت جوراب و یک جفت کفش



حشر و نشر داشت و به همین خاطر به داشتن زندگی لابلالی گرانه معروف شد. او گزارش زندگی و فعالیت‌های جاسوسی و ضد جاسوسی خود در زمان جنگ در سال ۱۹۷۴ را به رشته تحریر درآورد.

Q

ماژیک چه نقشی در زمان جنگ بازی کرد؟

A

«ماژیک» نام رمز داده شده به گروه رمزنگاران امریکائی بود که سعی می‌کردند دستگاه رمزگذاری ژاپن را از کار بیاندازند. نام دستگاه رمز ژاپنی‌ها، دستگاه مخملی بود که جینسابورو ایتو در سال ۱۹۳۹ آن را اختراع کرده بود. در سال ۱۹۴۰ امریکائی‌ها توانستند توسط شخصی به نام ویلیام فریدمن، رمز دستگاه ژاپنی‌ها را بگشایند. موفقیت آمریکا در بُرد می‌دوی در اقیانوس آرام تا حدی مدیون کاری بود که گروه ماژیک به انجام رساند.

Q

کد سری مورد استفاده در یانوردان امریکا

چه بود؟

A

از سال ۱۹۴۲، دریانوردان امریکائی در اقیانوس آرام از زبان بومی سرخپوستان ناواجو به عنوان کد

Q کدام جاسوس دو جانبه زمان جنگ الهام‌بخش جیمز باند بود؟

A

یان فلمینگ، نویسنده، به قدری تحت تاثیر جاسوس اهل یوگسلاوی، دوشکو پوپوف (۱۹۱۱-۱۹۱۲) قرار گرفته بود که شخصیت داستانی مشهور خود به نام ۰۰۷ را براساس زندگی او قرار داد. سازمان اطلاعات آلمانی، آبور، در تابستان ۱۹۴۰ پوپوف را به استخدام درآورد، بدون آن که بداند در واقع وی ضد نازی است. به زودی پوپوف فعالیت جاسوسی خود را برای سازمان اطلاعات انگلستان MI۵ و MI۶ آغاز نمود. آنها برای فریب مدیران آلمانی او، اطلاعات جعلی در اختیار پوپوف نهادند. پوپوف حداقل به پنج زبان سخن می‌گفت و با جوهر نامرئی مخصوص به خود نامه می‌نوشت. همچنین او نخستین جاسوسی بود که از میکروفیلم، یعنی عکس‌های کوچک شده به مقیاس یک نقطه، استفاده کرد. در سال ۱۹۴۱، وی برای ادامه کار به امریکا رفت. وی اطلاعاتی به دست آورد مبنی بر این که ژاپنی‌ها سرگرم برنامه‌ریزی برای حمله به پرل هاربر هستند. ولی متاسفانه FBI هشدارهای او را جدی نگرفت. پوپوف هنگام زندگی در امریکا، در پنته‌اوس یک آپارتمان به سر می‌برد و با هنرپیشه‌های زن سینما

کیتی هاوک متعلق به اسکادران شماره ۱۱۲ RAF، سال ۱۹۴۳



Q کدام پیشرفت پزشکی جان سربازان را نجات داد؟

A بزرگترین نجات‌بخش زندگی، پیدا کردن روش‌های انتقال خون بود. پزشک اتریشی - امریکائی به نام کارل لندشتاینر در اوایل ۱۹۰۱ به وجود گروه‌های خونی مختلف پی برد. ولی برای کاربردی کردن این یافته، باید تحقیقات بیشتری انجام می‌شد. جنگ جهانی دوم اولین نبرد عمده‌ای بود که در آن انتقال خون جان بسیاری را نجات داد.

Q هواپیماهای دارای دندان تیز متعلق به چه کشوری بودند؟

A نیروی هوایی بریتانیا (RAF) روی جنگنده‌های کورتیس کیتی هاوک که در صحرای غربی در شمال افریقا پرواز می‌کردند، دندان کوسه نقاشی می‌کردند. این دندان‌ها به افزایش روحیه خلبان‌ها کمک می‌کرد. زیرا بدین ترتیب آنها احساس شکست‌ناپذیری می‌کردند. کیتی هاوک از وارهاوک امریکا اقتباس شده بود. این جنگنده با سرعتی بیش از ۵۵۲ کیلومتر در ساعت می‌توانست بمب هائی به وزن ۲۲۷ کیلوگرم را حمل کند و البته به مسلسل‌های ۱۲/۷ میلیمتری نیز مجهز بود.



یک چترباز هنگام تمرین

سری خود استفاده می‌کردند. به این خاطر این زبان انتخاب شد، چون خیلی پیچیده بود و تنها عده اندکی از غیر ناواجویی‌ها قادر به تکلم این زبان بودند. در زبان سرخپوستان ناواجو هرگز واژگان نظامی وجود نداشت، بنابراین فرماندهان نظامی به کلمات موجود، معناهای جدیدی می‌دادند. مثلاً کلمه‌ای که به معنی مرغ بود یعنی داه - هه - تی - هی برای هواپیمای جنگنده بکار می‌رفت. حدود ۴۰۰ سرخپوست ناواجو به عنوان گویندگان رمز برای استفاده آموزش داده شده و به استخدام ارتش آمریکا در آمدند. ژاپنی‌ها هرگز موفق به شکستن آن نشدند.

Q کدام طرف نخستین بار از چترباز استفاده کرد؟

A روس‌ها برای اولین بار از چترباز استفاده کردند، آنها در سال ۱۹۳۵ به ناظران نظامی آن را نشان دادند. همچنین آنها این تخصص را به آلمان‌ها آموزش داده بودند. متفقین تا سال ۱۹۴۰ چنین توانائی نداشتند تا آن که در این سال آموزشگاه چتربازی مرکزی، در نزدیکی منچستر انگلستان گشوده شد. سربازانی از تمام کشورهای متحد در آن جا آموزش دیدند و در عرض ۶ ماه حدود ۵۰۰ تن از آنها آماده عملیات بودند.



سربازی در یک بیمارستان صحرایی پیشرفته در حال دریافت خون است

گاه‌شمار جنگ جهانی

از آن جا که جنگ در جبهه‌های بسیار مختلفی جریان داشت نمی‌توان نگاه مختصری به رویدادهای جنگ جهانی دوم به صورت پیوسته و منظم داشت. در این گاه‌شمار تنها برخی از لحظات مهم مورد توجه قرار گرفته‌اند تا تصویر فشرده‌ای از رویدادهای جنگ در اختیار خوانندگان قرار گیرد. اما در این جا، فرصتی برای فهرست کردن تمام وقایع عمده یا حملات وجود ندارد. متأسفانه بسیاری از رویدادهای اساسی به ناچار حذف شده‌اند.

سال ۱۹۳۹

۱ سپتامبر

آلمان به لهستان تجاوز می‌کند.

۳ سپتامبر

انگلیس و فرانسه به آلمان اعلان جنگ می‌دهند.

۲۷ سپتامبر

پایتخت لهستان، ورشو، تسلیم آلمان می‌شود.

۲۸ سپتامبر

آلمان و اتحاد شوروی لهستان را بین خود تقسیم

می‌کنند

۳۰ نوامبر

اتحاد شوروی به فنلاند تجاوز می‌کند.

سال ۱۹۴۰

آوریل - مه

آلمان به دانمارک، نروژ، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ و

فرانسه تجاوز می‌کند.

۲۶ مه - ۴ ژوئن

با عملیات دینامو بیش از ۳۳۸۰۰۰ نفر از قوای متفقین

از بندر دوتنکرک فرانسه تخلیه می‌شوند.

۱۰ ژوئن

ایتالیا به انگلیس و فرانسه اعلان جنگ می‌دهد.

۱۴ ژوئن

قوای آلمان وارد پاریس پایتخت فرانسه می‌شوند.

۲۱ ژوئن

فرانسه تسلیم می‌شود و آلمان در شمال فرانسه دولت تشکیل می‌دهد.

۱۰ ژوئیه

نبرد بریتانیا آغاز می‌شود.

۷ سپتامبر

بمب افکن‌های آلمانی عملیات بلتیز را علیه شهرهای

بریتانیا آغاز می‌کنند.

۱۲ سپتامبر

ایتالیا به مصر تجاوز می‌کند.

۲۷ سپتامبر

آلمان، ایتالیا و ژاپن پیمان سه جانبه امضا می‌کنند.

۱۱۲ اکتبر

نبرد بریتانیا پایان می‌یابد.



سال ۱۹۴۱

۲۲ ژانویه

نیروهای انگلیسی و استرالیایی بندر توبرک لیبی را

اشغال می‌کنند.

۱ مارس

بلغارستان به دولت‌های محور می‌پیوندد.

۵ آوریل

آلمان به یوگسلاوی و یونان تجاوز می‌کند.

۲۷ مه

بریتانیا رزمناو بیسمارک را غرق می‌کند.

۲۲ ژوئن

عملیات بارباروسا: آلمان به اتحاد شوروی تجاوز می‌کند.

۱۵ سپتامبر

محاصره لنینگراد آغاز می‌شود: آلمان و نیروهای

فنلاندی این شهر شوروی را محاصره می‌کنند.

۷ دسامبر

ژاپن در پرل هاربر به آمریکا حمله می‌کند و تجاوز به

مالایا را آغاز می‌کند.

۸ دسامبر

انگلستان و آمریکا به ژاپن اعلان جنگ می‌دهند.

۱۱ دسامبر

آلمان به آمریکا اعلان جنگ می‌دهد.

۲۵ دسامبر

هنک کنگ به ژاپنی‌ها تسلیم می‌شود.

ماه مارس

اولین اسیران اردوگاه آشویتز در لهستان با گاز خفه

می‌شوند.

۲۸ آوریل - ۸ مه

آمریکا پیشرفت ژاپن را در نبرد دریای کورال متوقف

می‌سازد.

۴-۶ ژوئن

آمریکا ژاپن را در نبرد می‌دوی شکست می‌دهد.

۹ اوت

نبرد برای آزادسازی شهر استالینگراد شوروی آغاز

می‌شود.

۲۳ اکتبر - ۲ نوامبر

بریتانیا آلمان را در العلمین، شمال آفریقا، شکست

می‌دهد.

۸ نوامبر

نیروهای آمریکائی و انگلیسی در شمال غربی آفریقا

پیاپی می‌شوند.



سال ۱۹۴۳

۳۱ ژانویه

ارتش آلمان در استالینگراد شکست می‌خورد.

۸ فوریه

آمریکا جزیره سلیمان در گواداکانال ژاپن را اشغال

می‌کند.

۹ آوریل

نیروهای نازی به محله یهودی نشین ورشو در لهستان

سال ۱۹۴۲

۱۵ فوریه

ژاپن سنگاپور را اشغال می‌کند.

حمله می‌برند.

۱۲ مه

ارتش آلمان در شمال آفریقا تسلیم می‌شود.

۹ ژوئیه

نیروهای متفقین به سیسیل ایتالیا حمله می‌کنند.

۲۵ ژوئیه

دیکتاتور ایتالیا، بنیتو موسولینی، سرنگون می‌شود.

۳ سپتامبر

نیروهای متفقین به سرزمین اصلی ایتالیا حمله می‌کنند در نتیجه ایتالیا تسلیم می‌شود.

۱۱۳ اکتبر

ایتالیا به آلمان اعلان جنگ می‌دهد.

۲۵ اوت

متفقین پایتخت فرانسه، پاریس را آزاد می‌سازند.

۱۱۷ اکتبر

نیروهای آمریکا در فیلیپین پیاده می‌شوند.

سال ۱۹۴۵

۷ مارس

نیروهای انگلستان و آمریکا از رودخانه راین آلمان عبور می‌کنند.

۳۰ آوریل

آدولف هیتلر صدراعظم آلمان خودکشی می‌کند.

۷ مه

آلمان بدون قید و شرط تسلیم می‌شود.

۸ مه

روز VE (پیروزی در اروپا).

۶ اوت

امریکا بمب هسته‌ای معروف به «پسر کوچک» را روی شهر هیروشیما ژاپن فرو می‌اندازد.

۹ اوت

امریکا بمب هسته‌ای معروف به «مرد چاق» را روی شهر ناگازاکی ژاپن فرو می‌افکند.

۱۵ اوت

روز VJ (پیروزی در ژاپن)، ژاپن تسلیم می‌شود.

۱۲۴ اکتبر

سازمان دائمی ملل متحد بنیانگذاری می‌شود.

سال ۱۹۴۴

۲۷ ژانویه

در اتحاد شوروی، محاصره لنینگراد بعد از دو سال و سه ماه به پایان می‌رسد.

مارس

ژاپن سعی می‌کند به هندوستان تجاوز کند.

۶ ژوئن

روز دی: نیروهای متفقین در نرماندی فرانسه پیاده می‌شوند و به عمق سرزمین فرانسه نفوذ خود را شروع می‌کنند.



بیشتر بدانید

اگر می‌خواهید بیشتر بدانید هنوز هم خواهید توانست اطلاعات دست اول و جدیدی پیرامون جنگ به دست آورید. اگر مایل به سهیم شدن در خاطرات نسل‌های قدیمی تر هستید می‌توانید در کشورهای مختلف چنین افرادی را پیدا کنید. همچنین گزارش‌های شخصی به صورت آنلاین و کتابهای تخصصی در این مورد وجود دارند. علاوه بر کلکسیونهای جالب، در موزه‌های جنگی مختلف نیز نمایشگاه‌های مستندی وجود دارند که در واقع تاریخ زمان جنگ را زنده می‌سازند. همچنین می‌توانید در مستندهای تلویزیونی وقایع حاشیه‌ای جنگ را ملاحظه کنید و بالاخره فیلم‌های سینمایی تقریباً هر تجربه جنگی، از سوار شدن به زیردریائی تا گریختن از اردوگاه اسیران جنگی را به تصویر کشیده‌اند.



▲ اتاق کابینه جنگ

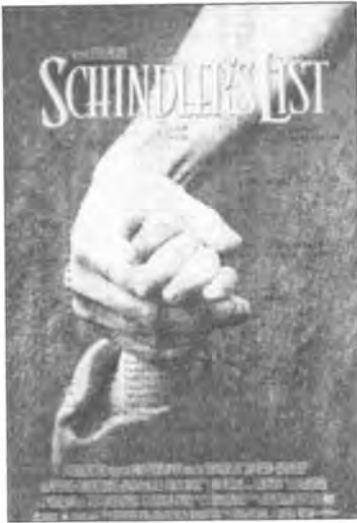
اگر به لندن سفر کنید می‌توانید اتاق‌های کابینه جنگ که نخست‌وزیر وینستون چرچیل و کابینه او را بازدید کنید که از سال ۱۹۴۰ تا پایان جنگ، جلسات هیات وزیران زمان جنگ در آن جا تشکیل می‌شد. اتاق‌ها در زیر زمین یک مجتمع قرار دارند و به همان شکل زمان خود حفاظت شده‌اند تا مردم بتوانند همچون زمانی که جنگ جریان داشت، از آنها بازدید کنند.

▶ سالگرد روز دی (D)

سالگردهای رخدادهای جنگ و برای مثال سالگرد روز دی که هر سال ۶ ژوئن برگزار می‌شود، فقط برای یادآوری فداکاری‌های سربازان نیست. در این سالگردها همگان فرصت می‌یابند درباره تاریخ کشورشان و علل وقوع جنگ‌های خانمانسوز تامل کرده و اطلاعات بیشتری به دست آورند.



فیلم‌های جنگی



کارگردان‌ها سعی کرده‌اند نه فقط وحشت‌های ناشی از جنگ، بلکه داستان‌های الهام‌بخشی از شجاعت‌های فردی را نیز به قالب فیلم در آورند. فیلم اسپیلبرگ به نام فهرست شیندلر (۱۹۹۳) داستان واقعی بازرگان آلمانی به نام اسکار شیندلر است که موفق شد جان صدها تن از مخالفین نازی‌ها را با استخدام شان در کارخانه خود از خطر مرگ حتمی نجات دهد.



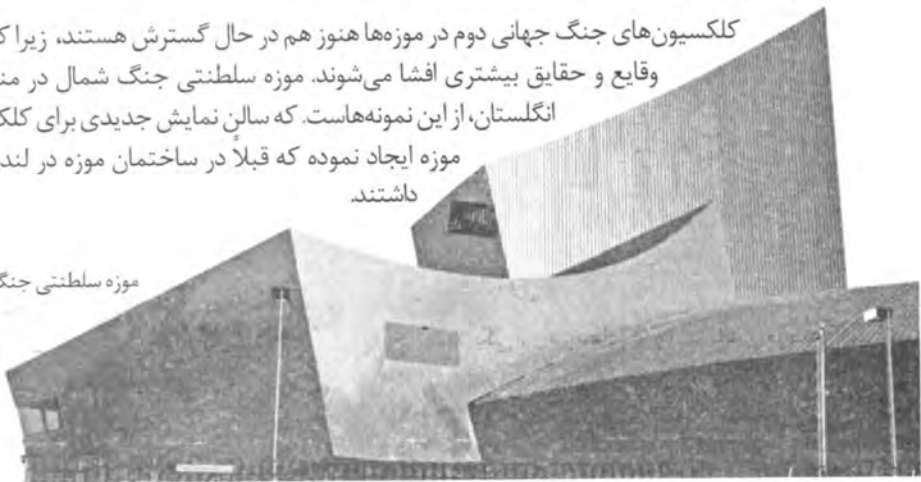
یادبودی در مورمانسک

هر کشوری که در جنگ جهانی دوم نقش داشت یادبودهایی ایجاد کرده است تا برخی از جان باختگان در یادها باقی بمانند، این تندیس سیمانی عظیم از سرباز روس به بندر مورمانسک روسیه می‌نگرد. نام سرباز «آلویشا» بود و نمادی از قهرمانان روسیه است.

موزه‌های جنگی

کلکسیون‌های جنگ جهانی دوم در موزه‌ها هنوز هم در حال گسترش هستند، زیرا کماکان وقایع و حقایق بیشتری افشا می‌شوند. موزه سلطنتی جنگ شمال در منچستر انگلستان، از این نمونه‌هاست. که سالن نمایش جدیدی برای کلکسیون موزه ایجاد نموده که قبلاً در ساختمان موزه در لندن قرار داشتند.

موزه سلطنتی جنگ شمال



منورا نماد مهم کشته شدگان جنگ است.



► یادبود کوره‌های آدم سوزی

یادبودهای بسیاری به افتخار کسانی که در اردوگاه‌های مرگ آلمان نازی جان باختند، ایجاد شده است. این یادبود در موتوسن، اتریش قرار دارد که حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر در آن کشته شدند. این یادبود به شکل منورا (شمعدان) است.



◀ فیلمی جذاب: نهضت مقاومت فرانسه

یکی از تکان دهنده‌ترین قصه‌های نهضت مقاومت فرانسه، فیلم ترن است که در سال ۱۹۶۴ ساخته شد. در این فیلم برت لانکاستر یکی از اعضای نهضت مقاومت فرانسه به عنوان کارگر در راه‌آهن فرانسه تحت اشغال آلمان‌ها شروع به کار می‌کند و می‌کوشد در یک ترن آلمان نازی که مشغول قاچاق آثار هنری به خارج از پاریس است، خرابکاری کند.

ترجمه انگلیسی متن فرانسوی یادبود اوماها



► یادبود ساحل اوماها

این یادبود یکی از یادبودهای فراوان نرماندی فرانسه است که به قهرمان‌های روز دی اهدا شده است. در حکاکی آن نوشته شده است «نیروهای متفکین در این ساحل پیاده شدند و نام آن را ساحل اوماها نهادند که اروپا را آزاد ساخت - ۶ ژوئن ۱۹۴۴».

▶ پرچم مقدس ژاپنی‌ها

تمامی ژاپنی‌ها هنگام رفتن به جبهه نبرد با خود پرچم‌هایی حمل می‌کردند. دوستان و خویشاوندان روی قسمت سفید پرچم ژاپن دعا و نیایش می‌نگاشتند. ولی روی خود خورشید (مظهر کشور ژاپن) چیزی نوشته نمی‌شد زیرا این نماد، مقدس تلقی می‌شد. برخی سربازان پرچم را دور سر خود می‌بستند، برخی دیگر آن را در جیب خود می‌گذاشتند و همیشه همراه داشتند.



نقشه‌ای که پایگاه‌های پیاده شدن نیروها در روز دی در فرانسه را نشان می‌دهد

▶ پیاده شدن نیروها در روز دی

واپسین مرحله جنگ در اروپا در ششم ژوئن ۱۹۴۴ (روز دی D) آغاز شد که نیروهای آمریکا، انگلیس، و کانادا از راه دریا به ساحل نورماندی در فرانسه تحت اشغال آلمان قدم نهادند. بیش از ۴۰۰۰ کشتی و تجهیزات پیاده سازی نیرو در این کار شرکت داشتند و ۱۵۶۰۰۰ نیرو از کانال انگلیس گذر کردند. نیروهای متحدین از طریق اروپا پیشروی کردند. در ۲۵ اوت، متحدین پاریس را آزاد کرده و تا پایان همان سال آن‌ها کل فرانسه را از آلمان باز پس گرفتند. در ماه آوریل ۱۹۴۵، روسها به برلین وارد شدند. آلمان ماه بعد تسلیم شد. پایان رسمی جنگ در اروپا ششم ماه مه بود که به نام روز وی (victory VE) معروف است. ژاپن تا ۱۵ اوت ۱۹۴۵ به جنگ ادامه داد.



عکس هوایی از خط ساحلی فرانسه



◀ سازمان ملل (UN)

سازمان ملل، واپسین میراث جنگ بود که در ۱۹۴۵ بنیانگذاری شد. هدف سازمان ملل نزدیک‌تر کردن ملل دنیا و حفظ صلح جهانی اعلام شد.



زیردریایی پایبر

▲ زیردریایی ها

آلمان بزرگ ترین ناوگان زیردریایی را در آغاز جنگ با استفاده از قایق های معروف به قایق های U ساخته بود تا بتواند به صورت گروهی، کشتی های متفقین را شکار کند. همچنین ناوگان آلمان به ساخت زیردریایی های تک سر نشین به نام پایبر اقدام کرد. این زیردریایی های کوچک در سواحل شمال فرانسه و هلند بین سال های ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۵ عملیات اجرا می کردند و خساراتی به کشتی های تجهیزاتی متفقین وارد آوردند.

بمب کوچک نام بمب اتمی بود که روی هیروشیما افکنده شد



بمب سه متر درازا و ۷۱ سانتیمتر قطر داشت

◀ بمب اتوماتیک

در شش اوت ۱۹۴۵، آمریکا روی شهر هیروشیمای ژاپن بمب اتمی افکند و موجب کشته شدن ۷۸۵۰۰ نفر شد. در عرض تنها یک دقیقه گردید. دومین بمب روز ۹ اوت روی ناگازاکی فروافکنده شد و ژاپن پنج روز بعد تسلیم گردید.

▶ جنگ در اقیانوس آرام

پس از حمله غافلگیرانه به پرل هاربر، ژاپنی ها به برمه، مالایا (اکنون مالزی)، هند شرقی هلند (اکنون اندونزی)، سنگاپور و فیلیپین حمله کردند و در عرض اقیانوس آرام، پس از فتح جزیره به جزیره در حال نزدیک شدن به آمریکا و استرالیا بودند. ژاپن به نظر شکست ناپذیر می رسید ولی در سال ۱۹۴۲، نیروی دریایی ایالات متحده ژاپنی ها را در دو نبرد عظیم (در دریای کورال و در می دوی اقیانوس آرام) شکست داد و پیشروی آن ها را سد کرد.

یادبود نیروهای آمریکایی که در حال بالا بردن پرچم آمریکا روی جزیره ابو جیما واقع در اقیانوس آرام هستند



سلاح کشتیهای جنگی

رزمناوها دو سلاح اصلی ضد زیردریایی داشتند. کارت فوق از درهایی را نشان می‌دهد که از عرضه به درون آب پرتاب می‌شوند. موشک‌ها به عمق آب شلیک می‌شدند و در اعماق دریا موجب نابودی زیردریایی‌ها می‌گردیدند.



ملح سه تیغه فلزی

درپوش‌های موتور که برای تعمیر سریع هواپیما، به راحتی قابل بازشدن هستند

کابین تک نفره که از دو طرف قابل باز شدن بود

نماد صلیب شکسته نازی

آنتن فرستنده



چرخهای قابل جمع شدن
زیر هواپیما

سکان فلزی عقب

هواپیماهای نیروی هوایی آلمان (لوفتوافه)

هواپیماهای جنگی لوفتوافه عبارتند بودند از مسراشمیت Bf 109E - دشمن هواپیماهای اسپیت فایر انگلیسی در «نبرد بریتانیا» از تیرماه تا مهرماه سال ۱۳۱۹. Bf 109E موتوری با قدرت ۱۱۵۰ اسب بخار داشت و به چها مسلسل و یک توپ مجهز بود. لوفتوافه همچنین بمب افکنهای دورنیر، هینکل، و یونکر را در اختیار داشت. اشتوکا، ساخت شرکت یونکر، هواپیمای اصلی مورد استفاده در عملیات بلیتکریگ بود. اشتوکا دارای سوت کشهایی بود که هنگام شیرجه زدن از آسمان به صورت عمودی به سمت پایین برای ریختن بمب روی مردم وحشت زده، صدای ناهنجاری تولید می‌کرد.

رزمناو امریکایی آلاباما



سراسر جنگ، بین متحدین و آلمانها در آب‌های یخبندان اقیانوس اطلس شمالی جنگی خشن در گرفت چون زیردریاییها و رزمناوهای آلمانی به کشتی‌های آمریکایی حامل تجهیزات برای انگلستان حمله می‌کردند. همچنین، در اقیانوس آرام بین ناوگان امریکا و ژاپن نبردهای بزرگی در گرفت. رزمناوهای امریکایی مانند رزمناو آلاباما در دو اقیانوس اطلس و آرام خدمت می‌کردند.

▶ بلیتز

پس از آن که نیروی هوایی سلطنتی انگلستان (RAF) لوفتوافه (نیروی هوایی آلمان) را شکست داد، آلمان‌ها بمباران گسترده شهرهای انگلستان را آغاز کردند که انگلیسی‌ها نام آن عملیات را «بلیتز» نام اختصاری «بلیتز کریگ» نهادند. متفقین هم از تاکتیک‌های بلیتز کریگ استفاده کرده و شهرهای آلمان را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن هزاران غیر نظامی آلمانی کشته شدند.



دژ برنده بوئینگ B-۱۷

دماغه پلاستیکی نورگذران برای نصب دوربین
بمب افکن و کلیدهای آزادسازی بمب

موتور با قدرت ۱۲۰۰ اسب بخار

برجک دایره‌ای یا دو مسلسل

برجک نصب مسلسل زیر کابین خلبان

چرخ‌های اصلی

طول بال ۳۱٫۶ متری

▲ هواپیماهای نیروی هوایی ارتش آمریکا (USAAF)

یکی از بزرگ‌ترین بمب افکن‌های میان‌برد در جنگ جهانی دوم، دژ برنده امریکایی به نام بوئینگ B-۱۷ USAAF بود. دژهای پرنده با آرایش هوایی پرواز می‌کردند و علیه اهداف آلمان و اروپای تحت اشغال عملیاتی را از ارتفاع زیاد انجام می‌دادند. این هواپیما مجهز به مسلسل‌های بروئینگ بود و می‌توانست بمب‌هایی به وزن ۲۷۲۴ کیلوگرم با خود حمل کند. USAAF همچنین جنگنده (مانند موستانگ P-۵۱)، هواپیماهای ترابری، هواپیماهای دریایی، بمب افکن‌های شیرجه‌ای و بمب افکن‌های سنگین از جمله هواپیماهای سوخت‌رسان B-۲۹ در اختیار داشت.



◀ تفنگ انفیلد

تفنگ لی/انفیلد شماره ۴، تفنگ استاندارد

ارتش بریتانیا از سال ۱۹۴۱ بود و به تمام سربازان پیاده انگلیسی تحویل داده شد. سلاح‌های دیگر عبارت بودند از تیانیچه، نارنجک، مسلسل‌های خودکار، خمپاره، و سلاح‌های ضد تانک



◀ تفنگ تامپسون M1۹۲۸a۱

به نام «تفنگ تامی» مسلسل استاندارد

امریکایی در جنگ جهانی دوم بود که می‌توانست در یک دقیقه ۸۰۰ گلوله شلیک کند و از یک جعبه خشاب یا یک جعبه گلوله ۵۰ الی ۱۰۰ تایی در آن استفاده می‌شد.



سرباز انگلیسی سرباز امریکایی سرباز روسی سرباز ایتالیایی سرباز آلمانی سرباز ژاپنی سرباز استرالیایی

متفقین و قدرتهای محور ▲

متفقین به کشورهای بریتانیا، استرالیا، زلاند نو، کانادا، و افریقای جنوبی همچنین نیروهای تبعیدی فرانسه و لهستان گفته می‌شد. متفقین در سال ۱۹۴۱ به دو گول شوروی و ایالات متحده آمریکا پیوستند. اتحاد اولیه دولت‌های محور یعنی آلمان و ایتالیا بعداً شامل کشورهای مجارستان، رومانی، بلغارستان و ژاپن نیز گردید.



هواپیماهای نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا (RAF) ▲

در آغاز جنگ، اسپیت فایر ۱A MK مدرنترین جنگنده RAF بود. این هواپیما می‌توانست با سرعت بیش از ۵۸۲ کیلومتر در ساعت حرکت کند و در ارتفاع بالا سریع تر و قدرت مانور بیشتری نسبت به رقیب آلمانی خود مسراشمیت Bf ۱۰۹E داشت. از سال ۱۹۴۱، RAF استفاده از اسپیت فایر MK ۵ را شروع نمود که قدرت بیشتری داشت. RAF از هواپیماهایی مانند جنگنده‌های هوریکین، بمب افکن‌های ماسکیتو، و بمب افکن‌های سنگین هالی فاکس نیز استفاده می‌کرد.

آماده شدن برای جنگ ▶

همان گونه که آلمان در دهه ۱۹۳۰ به قدرت نظامی خود می‌افزود، انگلستان و فرانسه نیز برای جنگ آماده می‌شدند. دولت انگلیس برنامه‌هایی برای تخلیه کودکان از شهرهای بزرگ به روستاها تهیه کرد و به همه مردم ماسک ضد گاز داد. همچنین دولت مردم را تشویق به ایجاد پناهگاه زیرزمینی برای حفاظت از خود در برابر حملات هوایی کرد.



مهار می‌شود و برای جلوگیری از ورود جنگنده‌هایی که در ارتفاع پایین پرواز می‌کنند استفاده می‌گردید.

بمب هسته‌ای: سلاحی فوق‌العاده خطرناک و قدرتمند که انرژی آن ناشی از همجوشی هسته‌ای است - سکافتن اتم عنصر رادیواکتیو مانند اورانیوم و پلوتونیوم

بمب‌های شیمیایی: در جریان جنگ، گازهای سمی برای خفه کردن، کور کردن یا کشتن دشمن به کار می‌رفت. گرچه تمامی طرف‌های جنگ، این نوع گازها را در اختیار داشتند ولی در جنگ جهانی دوم هرگز به صورت عمده و گسترده از این نوع بمب‌ها استفاده نشد.

پارتیزان: عضو جنبش مقاومت که در سرزمین تحت اشغال دشمن مبارزه می‌کند.

پدافند ضد هوایی: سلاحی که بردی کافی برای شلیک و انهدام هواپیماهای در حال پرواز دشمن را دارد.

پناهگاه حمله هوایی: جایی که در زمان حمله هوایی مردم را از بمباران حفاظت می‌کند، مثلاً یک پناهگاه زیرزمینی

پناهگاه زیرزمینی: پناهگاهی که در زیر ساختمان یا جایی دیگر برای محافظت در برابر حمله هوایی ساخته می‌شود. **پناهنده:** کسی که مجبور به فرار از کشور خود برای رسیدن به امنیت می‌شود.

پنیسیلین: عصاره کبک که از رشد باکتری‌ها جلوگیری می‌کند. خصوصیت ضد باکتری آن را الکساندر فلمینگ از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۲ کشف کرد. پنیسیلین در مقیاس عظیم برای درمان سربازان دارای جراحات عمیق مورد استفاده قرار گرفت.



الکساندر فلمینگ با یک پتری دیش از پنی سیلین

آبی - خاکی: قادر به حرکت در آب و خشکی

آتش‌بس: پایان دشمنی‌ها و جنگ

آتش‌زا: ویژگی بمب، گلوله یا دیگر تجهیزاتی که باعث شعله‌ور شدن اماکن و اشیاء مختلف می‌شوند.

آزادسازی: پایان دادن به اشغال دشمن.

اتاق گاز: فضایی بسته که در آن انسان‌ها با استفاده از گاز کشته می‌شوند.

اتحاد: گروهی از متحدین که اقدام و همکاری مشترک را قبول کرده‌اند. کشورهای متحد گاهی در یک پیمان رسمی اهداف مشترک خود را اعلام می‌کنند.

اتمام حجت یا اولتیماتوم: خواست نهایی یک کشور از کشوری دیگر، که در صورت عدم موافقت کشور دوم با آن، عواقب جدی یا قطع کامل مناسبات را به دنبال خواهد داشت.

اردوگاه کار اجباری: زندان یا اردوگاهی برای زندانیان غیر نظامی. در اردوگاه‌های کار اجباری نازی، مخالفین مذهبی، اهالی شرق اروپا، کولی‌ها و اعضای دیگر گروه‌هایی که دشمن دولت نازی تلقی می‌شدند، زندانی می‌گشتند.

اژدر: موشک زیرآبی و خود جلو برنده که می‌تواند یک کشتی یا زیردریایی را نابود کند.

استتار: هم‌رنگ کردن یا استفاده از الگوهایی که برای یکسان شدن یک شیء یا فرد با محیط پیرامون استفاده می‌شود.

اشغال: دوره زمانی که نیروهای دشمن در سرزمین دیگر مردمان به سر می‌برند.

اطلاعات: اطلاعات یا هرگونه داده که از طریق تجسس‌های نظامی یا سیاسی جمع‌آوری می‌شود.

امپریالیستی: تلاش برای برقراری امپراطوری توسط یک کشور.

انتقال خون: تزریق خون گرفته شده از یک اهداکننده به رگ‌های بیماری که خون از دست داده است.

بالون‌های محافظ: بالونی که با استفاده از کابل‌های قوی

پیاوده نظام: سربازان پیاوده.

پیمان: توافق رسمی بین دو یا چند کشور.

تبلیغات: اطلاعاتی که به قصد متقاعد کردن مردم در مورد یک عقیده به کار می‌رود. این اطلاعات ممکن است به شکل پوستر، پخش رادیویی، یا اعلامیه‌هایی که از هواپیما فرو ریخته می‌شوند، به مردم برسد.

تجسس: عمل جاسوسی.

تخلیه: نقل مکان کردن مردم از جایی که خطر جانی برای آنها وجود دارد.

ترخیص: آزاد کردن نیروها بعد از خدمت.

تسلیم: دست کشیدن از اختیارات به نفع طرف برتر.

تشعشع‌زدگی: بیماری ناشی از قرار گرفتن در معرض تشعشع.

توپ: گلوله‌ای انفجاری که مثلا از یک تانک یا خمپاره شلیک می‌شود.

جیره‌بندی یا سهمیه‌بندی: محدود کردن استفاده از اقلامی مثل غذا و لباس در زمان کمبود آنها.

چترپاز: سربازی که با استفاده از چتر از هواپیما به زمین فرود می‌آید.

حمله هوایی: بمباران از هوا.

خرابکاری: عمل عمدی به قصد آتپهدام یا ایجاد گسست در کار دشمن.

خمپاره: بمب نیمه سنگین، که معمولا از یک لوله شلیک می‌شود.

دختر کشاورز: زن جوانی که برای کمک به جبهه‌های جنگ معمولا روی مزرعه برای تولید غذا کار می‌کند. زنانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند معمولا منابع ارزشمند



ن جوان در یک کارخانه اره کشی

دیگری را با استفاده از مواد خام مثل چوب مورد استفاده قرار داده به تولید سلاح یا چتر برای فرود نظامیان اقدام می‌کنند.

دموکراتیک: مبتنی بر اصول دموکراسی، نظام حکومتی که مردم از طریق انتخاب آزادانه نمایندگان خود، ماهیت آن را تعیین می‌کنند.

دیکتاتور: حاکمی که کنترل کامل یک کشور را بدون مجاز کردن آزادی بیان در اختیار می‌گیرد.

رادار: سیستم شناسایی که از طریق ارسال امواج رادیویی، محل اشیاء را مشخص می‌کند. با ارسال امواج و برخورد آنها با شی و بازگشت آنها به رادار، محل آنها ردیابی می‌شود.

رمز مورس: رمزی که با استفاده از کم و زیاد کردن نور یا صدا به سوی طرف مقابل ارسال می‌شود و جایگزین حروف الفبایی گردد.

رمز: یک مجموعه کدهای سری که جایگزین حروف یا نمادهای معمولی می‌شوند.

رمز نویس: کسی که به مطالعه، ایجاد یا رمزگشایی کدهای رمزی مشغول است.

رمز نویسی: مطالعه و ایجاد کدهای سری.

روحیه: اعتماد به نفس، هدف یا ایمان داشتن.

زندانیان جنگی POW: حروف اختصاری که بر روی لباسهای اسیران حک می‌شود و به معنی این است که در زمان جنگ دستگیر شده‌اند. اکثر ولی نه همه اسیران معمولا عضو نیروهای مسلح هستند.

شقاوت: عمل شرورانه و هراس‌انگیز

صلیب شکسته: نماد یاستانی از یک صلیب که هر طرف آن به سوی راست خمیده شده است. نازی‌ها این نماد را به عنوان نشان حزبی خود برگزیدند.

فاشیست: طرفدار فاشیسم، نظام عقیدتی که مخالف دموکراسی، طرفدار نژادپرستی و حامی دولت قدرتمند و مسلح است.

کاروان محموله دریایی: کشتی‌های تجاری که با حمایت و اسکورت رزمناوها کنار یکدیگر سفر می‌کنند.

کشتی U: زیردریایی آلمانی.

کمونیست: کسی که معتقد به ایدئولوژی کمونیسم است.

زیرزمین پنهان شده و هنگام قرار گرفتن پای انسان یا چرخ ماشین روی آن منفجر می‌شود (۳) بمب سبک یا شناوری که در دریا قرار داده شده تا سبب انهدام کشتی‌ها و زیردریایی‌ها شود.

مین‌روب: کشتی که مین‌های زیر آب را شناسایی و خارج می‌کند

نارنجک: بمب دستی کوچک که با دست پرتاب می‌شود. **ناسیونالیست یا ملی‌گرا:** کسی که به ملی‌گرایی باور دارد. - عقیده یا باور به اهمیت و برتری کشور خود.

نژاد پرستی: داشتن عقاید مبتنی بر اعمال تبعیض علیه قوم یا معتقدین به دینی دیگر و تعقیب و آزار آنها **همیاری یا معاونت:** کسی یا چیزی که برای کمک یا پشتیبانی مورد نیاز است.

هولوکاست: به قتل عام میلیون‌ها مخالف و دیگر انسان‌ها به دست نازی‌ها گفته می‌شود، امروزه به هر گونه نسل‌کشی و قتل عام مردم بی‌گناه اطلاق می‌شود.



کمربند مهمات اعضای نیروی هوایی آلمان

کمونست‌ها مخالف رقابت آزاد در بازار و نظام سرمایه‌داری هستند و هدف‌شان ایجاد جامعه بی‌طبقه و به رهبری کارگران می‌باشند.

گتو: ناحیه‌ای از شهر که روابط اجتماعی گروه خاصی، در آن اجرا می‌شود.

گروه مقاومت: سازمانی که مخالف نیروی اشغالگری دشمن است، گروه‌های مقاومت در اروپا مخالف نازی‌ها بوده و در سرزمین‌های تحت اشغال آنها اقدام به خرابکاری و اختلال می‌کردند.

گشتاپو: سرویس پلیس مخفی نازی‌ها.

ماسک ضد گاز: وسیله تنفسی که روی صورت نصب می‌شوند به گونه‌ای که دماغ، دهان و چشم‌ها در برابر حمله شیمیایی محافظت می‌شود.



طرح‌های مختلف از ماسک‌های ضدگاز در آلمان در سال ۱۹۳۹

محور: نام اتحادی که بین آلمان، ایتالیا و متحدین آنها ایجاد شد.

مسلسل: تفنگی خودکار که گلوله‌ها را پی‌درپی و سریع شلیک می‌کند.

ملزومات: لباس، غذا، سرپناه قابل حمل و وسایل شخصی مورد نیاز هر سرباز که در زمان جنگ در یک کیسه بسته بندی می‌شوند. تمامی اقلام مزبور، با صرفه‌جویی و در حداقل حجم تولید می‌شوند.

مهمات: گلوله و توپ که از سلاح شلیک می‌شود **مین:** (۱) محفظه‌ای دارای مواد منفجره (۲) بمبی که در





کشتی بیسمارک مجهز به ۸۸ توپ از جمله ۲۰ توپ دوربرد و ۶۸ توپ ضد هوائی

عقاب هیتلر

این عقاب برنزی عظیم در دفتر کار رسمی هیتلر در برلین یا اتاق رایش، نصب شده بود. این دفتر در تسخیر نیروهای روس قرار گرفت و یک افسر ارتش سرخ در سال ۱۹۴۴ آن را به سربازی انگلیسی در برلین داد. در بالهای آن هنوز نشانه‌هایی از اصابت ترکش‌های جنگ در برلین به چشم می‌خورد.



دستگاه زاویه‌یاب (سکستان) ناوگان ژاپنی

سکستان‌ها برای جهت‌یابی ناوگان ژاپن در اطراف اقیانوس وسیع اطلس اهمیت اساسی داشت. ژاپن پس از بریتانیا و آمریکا سومین ناوگان بزرگ جهان را با ۱۰ ناو هواپیمابر، ۱۲ کشتی جنگی سنگین، ۳۶ رزمنا و بیش از ۱۰۰ ناوشکن و یک نیروی هوائی ضد ناو پر قدرت در اختیار داشت.



آزادی فرانسه

با آزاد شدن فرانسه، صلیب‌های شکسته نازی پائین آورده شد و جای خود را به پرچم سه رنگ فرانسه داد. آزادسازی فرانسه از روز دی (۶ ژوئن ۱۹۴۴) آغاز شده بود و با پیشروی متفقین به سوی شرق یعنی آلمان در اوایل سال ۱۹۴۵ پایان یافت. نیروهای فرانسه آزاد قبلاً به رهبری دوگل، دولت موقتی را برای بازپس‌گیری فرانسه از جنگ آلمان تاسیس کرده بودند.

